

بر پایه آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



جامعة المصطفى العالمية

مؤسسه عالي علوم انساني

پايان نامه ي کارشناسي ارشد تبليغ و ارتباطات

نقش نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمين آقاي محمد رضا آقاي

استاد مشاور: جناب آقاي مجيد طرقي

دانش پژوه: قاسم امير مجاهدي

سال ۱۳۸۹-۹۰

تقدیم

این تلاش ناچیز از کم‌ترین بنده، هدیه‌ای است ناقابل به پیشگاه مقدس انوار چهارده معصوم
علیهم‌السلام، هادیان عالم بشریت که سرسلسله‌ی آنان وجود مبارک، عقل کل و هادی سبیل، خاتم
رسل، محمد مصطفی (ص) و آخر آنان ودیعه‌ی آسمانی، ختم اوصیاء حضرت ولی عصر ارواحنا
فداء که چشمان منتظرین واقعی را به نور ظهورش روشن می‌سازد و به همه‌ی منتظرین درک
حضورش را نصیب فرماید.

آمین یا رب العالمین

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خداوند متعال را که با ارسال رسل و انزال کتب بشر را از وادی ضلالت به سوی اسلام سهله و سمحه که اتم و اکمل ادیان است، هدایت فرمود. و سلام و درود بی پایان بر رابطه‌ی فیض سرمدی، محمد مصطفی (ص) و خاندان پاکش.

تقدیر و تشکر از استاد محترم جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا آقایی دام عزّه که به عنوان استاد راهنما در این پژوهش با دقت و حوصله‌ی وافر این حقیر را در ساختار و ارائه‌ی رساله رهنمون و یاری فرمودند و نیز استاد گرانقدر جناب آقای مجید طرّقی که هم در تحصیل و هم مشاوره زحمات زیادی را متحمل شده‌اند قدردانی می‌نمایم.

جزاه الله خیر الجزاء

پیشگفتار

مسائل اعتقادی و باورهای دینی در هر زمان در جامعه‌ی مذهبی اهمیت فوق‌العاده داشته و دارد و از مباحث اصلی جامعه محسوب می‌شود. خصوصاً در عصر ما که علوم و ارتباطات موجب پیدایش بحران‌های معنوی گشته این مباحث جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

امروزه بشر در بعد معرفتی دچار علم‌زدگی، نسبیّت‌گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید، در بعد روانی دچار تردید، افسردگی، اضطراب، فقدان آرامش و از خود بیگانگی، از جهت اخلاقی گرفتار خصلت‌های ناهنجار، از لحاظ خانوادگی دچار از هم پاشیدگی، از نظر اجتماعی و سیاسی گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین‌المللی، اوقات فراغت، مشکلات اقتصادی و ... و از لحاظ فردی گرفتار بی‌ثباتی، شک و تردید گشته است.

علم‌زدگی افراطی و ناتوانی از شناخت نیازمندی‌های انسان هر صاحب خردی را بر آن می‌دارد که راه صحیح را از منبع زلال دین یافته تا راه رسیدن به رفع نگرانی‌ها و رسیدن به حیات طیبه و سعادت دنیا و آخرت برای طالبان حق تضمین شود. زیرا زندگی دریای موجی است که هر آن

خطر غرق شدن در آن انسان را تهدید می‌کند و ناچار باید از این دریا عبور کند و وسائل ایمنی را همراه برداشت و خود را مجهز کرده و نیاز ضروری بشر به ایمان و نقش آن در زندگی انسان‌ها به قدری حساس و ضروری است که دانشمندان روان شناس آن را نیاز ضروری بشر بیان کرده‌اند که تا آن را نیابد آسایش نیابد زیرا ایمان آرمان بخشیدن به زندگی است.

آن کس که در راه خودشناسی گام بردارد به خداشناسی دست خواهد یافت و در مرحله‌ی آخر به تکامل نفس و فردیت خود نائل می‌گردد. قرآن مجید درباره‌ی نقش ایمان در زندگی انسان تعبیر جالبی دارد، می‌فرماید: و من اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً^۱. هر کس از یاد خدا غفلت ورزد و از ایمان و دین روی بگرداند زندگی او سخت و رنج‌آور و ناگوار خواهد بود. زندگی ناگوار و همراه با نگرانی نتیجه‌ی بی‌ایمانی و نداشتن قرارگاه فکری و معنوی است و رهایی از این غرقاب هولناک و نجات از نگرانی‌ها بحث از نماز جمعه در رابطه با مصالح اجتماعی را ضروری نشان می‌دهد.

این نوشتار بر آن است تا این رابطه را به نحو مطلوب و جذابی بیان کند که نقش نماز جمعه در جامعه و جایگاه این فریضه و تأثیرگذاری آن در چه حدی است تا جامعه در اقامه‌ی هر چه بهتر و باشکوه‌تر این فریضه در جلب رحمت الهی و قرب ذات حضرت ذوالجلال پروردگار متعال توشه‌ای از مواهب زندگی و حیات طیبه بردارد. در این پژوهش تلاش شده تا آسیب‌ها در جامعه شناخته و با استفاده از آیات کلام وحی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) راه درمان بیماری از خود بیگانگی ارائه شود. در این پژوهش سعی شده نماز جمعه در ابعاد مختلف فرهنگی و هنری و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی از دیدگاه دانشمندان و جامعه‌شناسان تحلیل و مورد کنکاش قرار گیرد و نسبت

^۱ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۲۴

به مصالح جامعه و تشخیص آن همراه با زمان بر اساس رهنمودهای دینی با استفاده از نظریات صاحبان اندیشه و تطبیق با آیات کلام الله مجید و روایات منقوله از سنت پیامبر اسلام (ص) انسان را به خداوند مرتبط سازد، تا اجتماع به مقصد واحدی که هدف خلقت است نائل گردد.

فصول مورد تحقیق در چهار بخش تنظیم شده بدین طریق:

۱- فصل اول: کلیات و مفاهیم

۲- فصل دوم: جامعه و مصالح اجتماعی

۳- فصل سوم: نماز جمعه از دیدگاه آیات و روایات

۴- فصل چهارم نماز جمعه و مصالح اجتماعی

امید که مورد استفاده و راه‌گشای پویندگان راه حق که همان صراط مستقیم است، خصوصاً جوانان و طالبان علم و دانش قرار گیرد.

فهرست مطالب

مقدمه

۲	ساختار تحقیق
۳	ضرورت تحقیق
۳	روش تحقیق
۴	پیشینه‌ی تحقیق
۴	موانع و مشکلات تحقیق
۵	اهداف تحقیق
۵	سؤالات تحقیق
۵	الف) سؤال اصلی
۵	ب) سؤالات فرعی
۶	فرضیه‌ی تحقیق

فصل اول: کلیات

۷	مفهوم نماز جمعه
۱۲	مفهوم مصلحت
۱۳	مفهوم جامعه

۲۰ رابطه‌ی فرد و اجتماع

۲۱ عوامل تحکیم‌بخش در جامعه‌ی اسلامی

فصل دوم: جامعه و مصالح اجتماعی

۲۳ بحث جامعه و تأثیر آن بر افراد

۲۴ ملاک تمایز و اختلاف جوامع چیست؟

۲۸ ارتباط فرد و جامعه چه تأثیری در تغییر شخصیت فرد دارد؟

۳۲ عوامل مؤثر در رشد و تعالی جامعه

۳۳ رابطه‌ی فرد و اجتماع همانند رابطه‌ی اجزاء بدن است.

۳۶ اجتماع و تحولات آن

۳۹ تنظیم رفتارهای اجتماعی

۴۲ روش برخورد با پدیده‌های اجتماعی

۴۳ ائمه‌ی جمعه و پدیده‌های مخرب اجتماعی

۴۵ راهکارهای کلی

۴۶ راهکار جلوگیری از پدیده‌های مخرب اجتماعی

۵۰ کدامیک از نهادهای اجتماعی تأثیر بیشتری در رشد جامعه دارد؟

۵۲ نهاد آموزش در صدر اهمیت است.

۵۴ آسیب‌پذیری انسان در زندگی

- ۵۵ خطر شرک به خداوند
- ۵۶ کنترل خشم و غضب
- ۵۷ ظلم و ستم
- ۵۷ نقش حسد و خشم و غضب در اضمحلال ایمان
- ۵۸ آسیب شناسی
- ۶۲ وابستگی انسان به خداوند به چه مقدار است؟

فصل سوم: نماز جمعه از دیدگاه آیات و روایات

- ۶۵ نماز گوهری ارزشمند
- ۶۹ هدف جن و انس در نظام تشریع
- ۷۳ چگونه میتوان به حکمت عبادات راه یافت؟
- ۷۴ باید عاشق عبادت بود
- ۷۷ حقیقت نماز
- ۷۹ نماز یاد خدا نسبت به بنده
- ۸۰ (۲) روشنی دل
- ۸۰ (۳) آرامش قلب
- ۸۱ (۴) خشیت و ترس از خدا
- ۸۱ (۵) بصیرت یافتن و شناخت شیطان

- ۶) بخشش گناهان ۸۱
- ۷) حکمت و علم ۸۲
- ۸) عشق به خداوند آرامش در مدیریت ۸۲
- انواع تأثیرات نماز ۸۳
- اثر یاد خدا در روح و روان انسان ۸۶
- تأثیر نماز بر احساس امنیت روانی ۸۷
- آیات دال بر فضیلت نماز ۸۹
- فضیلت نماز جماعت ۹۰
- اثبات مشروطیت نماز یویه به جماعت ۹۷
- فضیلت جمعه و احادیث شیعه ۱۰۲

فصل چهارم: نماز جمعه و مصالح اجتماعی

- جایگاه و اهمیت نماز جمعه ۱۱۱
- امام جمعه و مصلحت نظام و مردم ۱۱۵
- رسالت تبیین و تحلیل مسائل سیاسی در نماز جمعه ۱۱۶
- نماز جمعه بهترین جایگاه برای مسائل سیاسی ۱۱۸
- متغیر بودن مصلحت و مفسده مبتنی بر صدور احکام است ۱۲۰
- برکات نماز جمعه ۱۲۲

- نماز جمعه و تهاجم فرهنگی ۱۲۴
- اهداف مورد هجوم دشمن ۱۲۵
- نماز جمعه و دفاع از اعتقادات دینی ۱۲۸
- کارآمدی نظام و امیدواری مردم به آینده ۱۲۹
- نقش نماز جمعه در دفاع از توانمندی‌ها و موفقیت‌های نظام ۱۲۹
- انزوای جمهوری اسلامی و قطع رابطه با ملت‌ها ۱۳۰
- نماز جمعه و ایجاد وحدت بین ملت‌ها ۱۳۰
- نقش نماز جمعه و جماعت در اتحاد ملی ۱۳۱
- علت نام‌گذاری روز جمعه به نام جمعه چیست؟ ۱۳۳
- موقعیت و اهمیتی که نماز جمعه نسبت به سایر عبادات جمعی در نظام اسلامی دارد اینگونه بیان شده ۱۳۳
- چرا در نماز جمعه خطبه قرار داده شده است؟ ۱۳۴
- تاثیرات نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۴
- بررسی علل تفرقه ۱۳۶
- ریشه یابی و آسیب شناسی اختلافات از منظر قرآن ۱۳۶
- انواع اختلافات بشری ۱۳۸
- ریشه‌های اختلافات بشری ۱۴۱

آثار زیان‌بار اختلاف و تفرقه	۱۴۳
نماز جمعه و اصلاح فرهنگ عمومی	۱۴۴
نقش نماز جمعه در نوآوری	۱۴۸
نوآوری و شکوفایی در نماز جمعه	۱۴۹
نماز جمعه و پاسداری از مرزهای فرهنگ عمومی	۱۵۰
رسالت تربیتی و تزکیتی نماز جمعه	۱۵۳
خاتمه و نتیجه‌گیری	۱۵۶
فهرست منابع	۱۶۰

مقدمه

انسان موجودیست اجتماعی و در ارتباط با یکدیگر به صورت فطری که جزء نیاز ضروری و استمرار حیات وی محسوب می‌شود. این رابطه باید ضابطه‌مند و قابل عمل برای تک‌تک افراد جامعه‌ی بشری و در طریق تسهیل و سیر حیاتی انسان‌ها قرار گیرد.

قطعاً این ضوابط به صورت قانون در امور رفتاری جامعه باید از طرف کسی باشد که به تمام زوایای زندگی انسان‌ها آگاهی داشته باشد و تمام انسان‌ها را در برخورداری از حقوق اجتماعی مساوی بنگرد و این جز خالق موجودات ذات اقدس ذوالجلال نمی‌تواند باشد.

بیان‌کننده‌ی مصالح اجتماعی شرع مقدس است و خدای متعال؛ و اخذ و ابلاغ مصالح از طریق وحی در طول دوران زندگی انسان‌ها بر عهده‌ی انبیاء عظیم‌الشأن بوده که در هر دوره و ازمنه‌ای از طرف آن بزرگواران به بشر ابلاغ گردیده تا خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص). این مصالح در کتاب وحی قرآن کریم که «فیه تبیان کل شیء»^۱ است، تا پایان عمر جهان برای انسان‌ها

^۱ نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء { ما قرآن را برای تو (پیامبر) فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند. }

قابل عمل است و در صورت عمل به این دستورات حقوق انسان‌ها به نحو مطلوب تأمین می‌شود و هدف خلقت و آفرینش که رسیدن به کمال و سعادت است، محقق می‌گردد.

در این نوشتار سعی شده است با استفاده از کتاب و سنت، آثار مترتب بر نماز اعم از فرادا، جماعت و جمعه بیان شود تا مکلفین گرامی از نتایج آن فریضه برخوردار شوند و مواهب وحدت-آفرین نماز جمعه و آسیب‌ها و چالش‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار تحقیق

بیان مسئله:

با توجه به اینکه فراخوان نماز جمعه (یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة) حضور میلیون‌ها انسان مؤمن را در سراسر کشور به دنبال دارد و زیباترین جلوه‌ی حضور امت مسلمان در عرصه‌های مختلف عبادی، سیاسی است. آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به مردم از عوامل بسیار مهم در رشد سیاسی، اجتماعی محسوب می‌شود. امامان جمعه مؤمنین را به وظیفه‌ی خود که حفظ نظام و مصالح اجتماعی است آشنا و مسائل و حوادث واقعه را متذکر می‌شوند و هدف از اقامه‌ی نماز جمعه در هر هفته آگاهی‌بخشی است تا آنچه مصلحت امت اسلامی است از زبان خطیب جمعه وارد کوچه و بازار و درون منازل می‌شود و جامعه را حساس و بیدار نگاه دارد.

از آنجا که جامعه‌ی بشری در زندگی فردی و اجتماعی گرفتار مشکلات و بحران‌های زیادی هستند و مکاتب وابسته با استکبار جهانی در حل مشکلات جوامع راه به جایی نبرده و موجب سردرگمی و بی‌اعتقادی به امور معنوی گردیده و با تهاجم فرهنگی جامعه‌ی اسلامی خصوصاً

جوانان و ملت انقلابی ایران اسلامی را هدف قرار داده‌اند این نوشتار بتواند نقش مؤثری در تحکیم مبانی دینی و مصالح اجتماعی ایفا نماید ان شاء الله.

ضرورت تحقیق

عصر حاضر در جامعه‌ی اسلامی که عضوی از جامعه‌ی جهانی است و عصر انفجار اطلاعات نامیده شده و ابزارهای مختلف اطلاعاتی و نرم‌افزاری و شبکه‌های صوتی و تصویری جایی و فرصتی برای تحقیقات در موضوع خاص مثل: ”نقش نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی و امثال آن“ باقی نگذاشته است، ضروری است در حد امکان و نیاز جامعه به صورت مختصر، با محتوای سازنده و جذاب در طریق ایجاد راه‌حل در رفع مشکلات جامعه و مصالح بندگان خدا با استفاده از کلام نورانی کتاب آسمانی قرآن مجید و روایات و کتب معتبره در راستای تزکیه و آگاهی‌بخشی مضاعف اجتماعی که هدف انبیاست از جایگاه رفیع نماز جمعه و تبیین و مصالح عباد در هر هفته با بیان مسائل آگاهی‌بخش در جهت اهداف نظام اسلامی مطابق با فطرت پاک و سرشت توحیدی جلب توجه کند و ترغیبی به وجود آورد و مورد اقبال و عمل مشتاقان به کسب فضائل و معنویت شود..

نگارنده بر این امر اصرار دارد تا ضرورت این مختصر تحقیق باعث تحوّل و تشویق بیشتر به برپایی باشکوه نماز جمعه گردد و جوانان عزیز از طریق این فریضه در جهت مصالح دنیوی و اخروی بهره‌ی وافیه نصیبشان گردد و این مختصر تذکره برای اهل علم با همه‌ی نواقصی که دارد مفید فایده باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای با رجوع به آیات و روایات در کتب متعدد تفسیر و کلامی و حدیثی و جامعه‌شناسی استفاده گردیده و مطالب مورد نیاز به صورت فیش‌برداری و در

فصول و عناوین که در فهرست آمده گردآوری شده است تا با جمع‌آوری به صورت رساله‌ی موجود گامی در جهت رشد و آموزه‌های ایمانی و آنچه مصلحت فرد و جامعه است قرار گیرد.

پیشینه‌ی تحقیق

دو موضوع نماز جمعه و مصالح اجتماعی از موضوعات قابل فهم در افکار عمومی و جوامع اسلامی است و کتب متعددی در این جهت منتشر گردیده است. خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی کتاب آیات و احادیث موضوعی نماز از مؤلف محترم آقای عباس عزیزی و نیز صلاة الجمعة و عیدین و مصادر الفرقین از انتشارات شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه و در مسائل اجتماعی و تأثیر نهاد-های اجتماعی بر افراد خصوصاً تعلیم و تربیت (کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن از استاد آیت-الله مصباح یزدی) و نیز (پایه‌های روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام از آقای محمد تقی ناطقی) و اما به صورت پیوسته دو موضوع ابداعی است که حداقل با عنوان نقش نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی محقق ندیده است. امید که گامی مؤثر ولو کوچک در مسیر رشد و تحکیم مبانی دینی و اعتقادی جامعه باشد و مورد استفاده‌ی جوانان عزیز و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

موانع و مشکلات تحقیق

با توجه به ضعف دانش‌پژوه در امر پژوهش و تحقیق از لحاظ روش و اسلوب که در حد خود مشکل‌آفرین است و نبود منابع جدید برای الگو‌گیری از مشکلات و موانع تحقیق به حساب می‌آید. از طرف دیگر طرح نو ارائه دادن با عنوان نقش نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی در رشته‌ی تبلیغ و ارتباط موجب تلاش در پژوهش و نسخه‌برداری از منابع معتبر با فقدان پیشینه‌ی عنوان از مشکلات جدی در تدوین یک رساله است که باید در متن زندگی افراد جامعه‌ی مذهبی با تناسب رشته‌ی تحصیلی قرار گیرد.

معمولاً طرح یک موضوع در ذهن و فکر آسان به نظر می‌رسد ولی تحقق و پیاده کردن آن در خارج موانع و مشکلات زیادی را به دنبال دارد از آن جمله جمع‌آوری منابع و پیوند آن‌ها با مصالح اجتماعی در چهارچوب نظام اسلامی و تطبیق آن‌ها با نماز جمعه در قالب و مفاهیم آیات و روایات ظرافت خاص خود را دارد.

امید اینکه مشوق طالبین در انجام آنچه مصلحت و خیر دنیوی و اخروی است باشد و در جهت شناخت جایگاه رفیع نماز جمعه که اصلاح بین خالق و مخلوق است مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف تحقیق

اهداف را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

- ۱- جایگاه نماز جمعه و نقش آن در تبیین مصالح اجتماعی
- ۲- انجام یک پژوهش علمی و کارآمد
- ۳- زمینه‌سازی و بهره‌مندی بیشتر از فضای نماز جمعه
- ۴- تحلیل از مفهوم و شرایط و ویژگی‌های نماز جمعه در آیات و روایات
- ۵- پاسخگو بودن نماز جمعه به نیازهای دینی، فرهنگی، سیاسی و ... جامعه

سؤالات تحقیق

الف) سؤال اصلی

نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی در چه موقعیتی است و چه نقشی در این جهت ایفا می‌نماید؟ با توجه به نوع اطلاعات اعم از دینی و سیاسی که در خطبه‌ها ارائه می‌شود جمع حاضر و مخاطبان چه نقشی در آگاهی‌بخشی به مصالح اجتماعی و ایجاد پابندی در جامعه و عمل در عرصه‌ی دین را به دنبال دارد؟

ب) سؤالات فرعی

- ۱- با مراجعه به منابع دینی محتوای خطبه‌ها چگونه می‌تواند در راستای مصالح اجتماعی و یا ناظر به کدام مباحث اجتماعی اخذ شود؟
- ۲- آموزه‌های نماز جمعه چه نقشی نسبت به درگیر نمودن مسئولین منطقه یا کشور برای توجه دادن آنان به مصالح اجتماعی دارد؟
- ۳- با توجه به حضور مردم در نماز جمعه چگونه نقش این نماز در تبیین مصالح اجتماعی عامل اصلی در ایجاد انگیزه‌ی قوی و مشارکت مردم در مصالح اجتماعی است؟
- ۴- چه رابطه‌ای بین جامعه و مصالح اجتماعی است؟

فرضیه‌ی تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد با مراجعه به متون دینی نماز جمعه نقش سازنده‌ای در تبیین و آگاهی دادن به مردم نسبت به مصالح اجتماعی داشته باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از اطلاع‌رسانی سالم از آموزه‌های اصیل اسلامی از تریبون نماز جمعه و حضور مردم در این اجتماع سیاسی، عبادی را در قبال مصالح اجتماعی پاسخگو باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد اقامه‌ی نماز جمعه در جهت‌دهی به کلیه‌ی فعالیت‌های ارزشی در جامعه نقش بالنده‌تری در پاسخگویی به نیازهای جامعه به ویژه نیازهای دینی و فرهنگی و حضور فعال مردم در امور سیاسی داشته باشد.

فصل اول

کلیات

مفهوم نماز جمعه

اولین سؤال از واژه‌ی صلاة الجمعة (لغت عربی) یا نماز جمعه (لغت فارسی) به چه معنی است؟ و اصطلاحاً از کلمه‌ی صلاة چه معنایی اراده می‌شود؟ در کتب لغت به معنای ذیل آمده است. صلاة از ماده‌ی (صَلَّى، یصلَّى، صلاةً) به معنی دعا و درود و رحمت و به معنی نماز (فعل مخصوص عبادی) آمده است و صلوات که جمع صلاة است به معنی محل عبادت بیان گردیده^۱ و نیز الصلاة به معنی تعظیم که مخصوص خدای متعال است (عبادت) که موجود دیگری سزاوار آن نیست و نیز به معنی دعا و اگر از طرف خداوند متعال و فرشتگان باشد به معنی رحمت است مثل: {إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ} خداوند و فرشتگان درود و رحمت می‌فرستند بر پیامبر (ص) و به معنی عبادت که در آن رکوع و سجود باشد.^۲

^۱ المنجد عربی به فارسی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۵۱

^۲ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۶

^۳ اقرب الموارد، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۶۰

و الصلاة به معنی دعا {إِنَّ الصَّلَاةَ سَكَنٌ لَّهُمْ^۱} (دعای پیامبر موجب آرامش است.) و به معنی الصلاة المفروضة (نماز واجب) {إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوفًا^۲} (نماز بر مؤمنان حکمی واجب و لازم است.) و به معنی تعظیم و رحمت مثل {إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ^۳} (خداوند و فرشتگان درود و رحمت می‌فرستند بر پیامبر.)

نتیجه اینکه اصل کلمه‌ی صلاة به معانی مختلف آمده و اصطلاحاً در فرهنگ اسلامی بر اثر کثرت استعمال تعیین در نماز گردیده و نماز هم همان فعل مخصوص پرستش است که جز خدای متعال را سزاوار نیست.

در کتاب لغت فارسی فرهنگ عمید که لغت فارسی است و معنی اصطلاحی (الصلاة) نماز را این‌گونه معنی کرده است: نماز به فتح نون پرستش، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی (رکوع) و یکی از فرائض دین است و عبادت مخصوص و واجب مسلمانان که پنج بار در شبانه روز انجام می‌دهند.^۴

در فرهنگ اسلامی نماز خیمه و اساس دین و برترین فعل و کار نیک معرفی گردیده با برجسته‌ترین شیوه و زیباترین الفاظ در کلام معصومین علیهم‌السلام اعم از کلام و سخن رسول اکرم (ص) که فرمود نماز سفره‌ی رحمت خداوند است که برای بندگان خود گسترده و در شبانه‌روز پنج مرتبه و بر آن‌ها گوارا باد. بیان فضیلت نماز از نگاه معصومین (علیهم‌السلام) به شرح ذیل: نماز

^۱ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۳

^۲ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۰۳

^۳ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۶

^۴ فرهنگ یک‌جلدی فارسی عمید، صفحه‌ی ۱۱۹۹

بهترین شکل عبودیت، نماز عمود دین، نماز معیار شایستگی، نماز بهترین اعمال، نماز بازدارنده از زشتی‌ها، نماز معراج مؤمن، نماز رأس اسلام، نماز روشنایی چشم پیامبر (ص)، نماز ابزار تربیت، نماز وسیله‌ی تقرب به خداوند.

و از شرایط نماز است: ۱- اخلاص ۲- تقوی ۳- خشوع ۴- تسلط بر نفس ۵- ولایت خاندان پیامبر (ص)

نماز جمعه خصیصه‌ای دارد که نمازهای دیگر فاقد آن معیار می‌باشند، زیرا در دو سوره‌ی جمعه و منافقون که باید بعد از قرائت حمد در رکعت اول و دوم خوانده شود به عنوان ذکر یاد شده. {ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر زمان که شما را برای نماز جمعه بخوانند فی‌الحال به سوی ذکر خدا (نماز جمعه) بشتابید.^۱} و {ای اهل ایمان مبادا مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازد.^۲}

پس آنچه موجب خیر و صلاح و نفع انسان است مصلحت شمرده شده است و مصلحت مفهومی است گسترده و اعظم مصادیق آن نماز جمعه است که شارع مقدس آن را به صورت تکلیف در هر هفته از مؤمنین خواسته است.

این اجتماع همواره با مصالح و تعاون و تعارض مستمر جامعه همراه است با آن همه ترغیب ثواب و پاداش که فقها با ذکر حدود و شرایط در اقامه‌ی آن بیان نموده‌اند و به یک روایت در

^۱ یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله

سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۹

^۲ یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم الاموال و لا اولاد عن ذکر الله.

سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۹

فضیلت نماز جمعه اکتفا می‌شود. عن رسول الله ص أنه قال لما اسرى بي الى السما ليلة المعراج رأيت تحت العرش سبعين الف مدينة كل مدينة كدنياكم و ملائكة ناشري اجنحتهم ليسبحون الله و يهللونه و يقولون اللهم اغفر للذين يحضرون صلاة الجمعة¹

رسول اکرم (ص) فرمود: در شب معراج دیدم زیر عرش هفتاد شهر هر یک به وسعت این دنیای شما در حالی که فرشتگان بال‌های خود را گسترده و مشغول تسبیح و تهلیل ذات اقدس ذوالجلال‌اند و دعا می‌کنند برای کسانی که در نماز جمعه حضور یافته‌اند.

چه مصالح و منفعی در این مجتمع هفتگی (صلاة الجمعة) نهفته است خدا می‌داند و ما غافلیم. نمازی که در دو بعد عبادی و سیاسی خطیب جمعه باید طبق مصالح عباد گوشزد نماید با ملاحظه‌ی مقتضی حال و فصاحت و بلاغت. لذا حکام اموی و عباسی این جایگاه را مرکز و محل ترویج افکار و اهداف دنیاطلبی خود قرار دادند و شیعه با استفاده از سلاح تقیه از برکات این موهبت الهی (صلاة الجمعة) محروم بود تا تشکیل حکومت اسلامی زمان ما ان شاء الله جامعه با شناخت کافی از این عطیه‌ی الهی بهره‌مند گردد.

هر اجتماعی حیاتش بستگی به وجود غایت و مقصد واحدیست مشترک بین افراد اجتماع برخلاف بعضی مذاهب که وجه مشترک را فقط تمتعات دنیوی و مادی گرفته‌اند و اسلام حیات انسان را وسیع‌تر از حیات دنیوی و مادی می‌نگرد و حیات اخروی را هم نظاره می‌کند و این بدون معارف الهی بدست نمی‌آید و این معارف هم از طریق مکارم اخلاقی و طهارت نفس و دوری از هر پلیدی و رذالت اخلاقی بدست می‌آید. طهارت نفسانی هم از طریق اجتماع صالح کسب می‌شود.

¹ مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه‌ی ۹۰، حدیث ۲

که اعتماد و اعتقاد به وحدانیت خدای سبحان و در بندگی و عبادت و خضوع برای کسب رضای او جل و علا باشد.

جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ای متحد است و فاقد اختلاف طبقاتی می‌باشد و جاه و مقام را به عمل و پاداش در آخرت موکول نموده که از تقوا و پرهیزگاری بدست می‌آید.

اصل در جامعه‌ی اسلامی دین است و قوانینش آنچه شرع مقدس از اوامر و نواهی دستور داده است.

اسلام دفاع از دین را بر عهده‌ی اجتماع گذاشته است به صورت جهاد و تمام خطابات شرع کلی و تک تک افراد مکلف به انجام اوامر و نواهی هستند مثل: (و اقيموا الصلاة و اتوا الزكاة و ارکعوا مع الراكعين)^۱، (و کتب علیکم الصيام)^۲ و (و علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً)^۳.

نماز برای هر مکلف در هر روز پنج نوبت و نماز جمعه در هر هفته یک نوبت به صورت جماعت و نماز عید فطر و اضحی در سال یک مرتبه.

وجوب جماعت در فرائض (نمازهای واجب) تأکید بر اقامه به جماعت است و تحدید شدید بر ترک جماعت شده که در نماز جمعه به غیر جماعت منعقد نمی‌گردد.

^۱ نماز را بپا دارید و زکات دهید و با حق پرستان حق را بپرسید.

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۳

^۲ ای اهل ایمان بر شما روزه گرفتن واجب گردید.

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۳

^۳ حج را بر کسی که استطاعت دارد واجب گردید.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹۷

مفهوم مصلحت

واژه‌ی مصلحت از فعل ثلاثی آن در کتاب لغت المنجد عربی به فارسی این‌گونه بیان شده است: (فعل) صَلَح و صَلَحَ یعنی به فتح و ضم لام و همین‌طور مضارعش يَصْلَح و يَصْلُح و صلاحاً و صلاحیّةً مصدر به معنی درست شدن، فساد آن برطرف شد، و شایستگی برای کار و در کار خود شایستگی نشان داد.

و در باب مفاعله صالح، یصالح، مصلحة و مصلحةً (با او موافقت کرد و آنچه موجب شایستگی است) و باب افعال مثل: أصلح، یصلح و اصلاحاً (آن چیز را اصلاح کرد، و آشتی کردند)^۱

و در کتاب اقرب الموارد از فعل ثلاثی دو باب صَلَح و صَلَحَ، و مصدر صَلُوحاً و صلاحیّةً ضد-الفساد یا زایل شدن فساد معنی شده است و در باب افعال مثل أصلح و یُصلح، صلاحاً خلاف خصومت بیان گردیده است و صلاحیت حالتی است که شیئی به آن صالح می‌شود و مصلحت و جمع آن مصالح به معنای ما یترتب علیه‌الفعل است و یبعث علی الصلاح یعنی هر کار خیری که از انسان سر می‌زند. مثل: رأی الآمام المصلحة ای ما یحمل علی المصلحة آنچه رهبر انجام دهد حمل بر مصلحت و نافع بودن آن است.^۲

صاحب مجمع البحرین که مفسر و لغت‌شناس ماهر است لغات را با مثال و آیات و روایات تطبیق نموده است فعل صَلَح و صَلَحَ و صالحین به معنی شایسته و عمل نمودن به وظیفه معنی کرده است مثل {قوماً صالحین^۳} و {نبیاً من الصالحین^۱} و صَلَح و صلاحاً ضد الفساد مثل: {اجعل اوّل

^۱ المنجد، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۴۷

^۲ اقرب الموارد، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۵۶

^۳ سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۹

نهاری صلاحاً} یعنی خیر و خوبی را در دینم قرار ده و أصلح و یُصلح و صلاحاً و مصلحةً به معنی توفیق و نفع و عمل به وظیفه آمده است مثل اصلحک الله یعنی وقفک الله و جمله‌ی یا صالح ارشدنی یعنی ای خیرخواه هدایت‌کنم کن.^۲

آنچه بیان شد از واژه‌ی اصلاح و مصلحت از حیث لغت معنی گردید که خلاصه‌اش این است: بهبود خواهی، سامان‌بخشی به وضع موجود که همان فساد زدایی است و ایجاد دگرگونی در شئون مختلف اجتماعی است و معنی اصطلاحی لغوی آن هم همان است که فرهنگ فارسی عمید بیان کرده یعنی آنچه موجب آسایش شود و مایحتاج زندگی یا آنچه باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان است.^۳

مفهوم جامعه

مفهوم جامعه به معنی گرد هم آوردن، فراهم کردن و بر هم افزودن و دربرگیرنده است و عرفاً به معنای گروه خصوصاً گروهی از انسان‌ها به کار می‌رود خواه آن گروه از مردم یک روستا باشند یا شهر یا استان یا کشور مثل جامعه‌ی ایرانی یا امریکایی و خواه آن گروه هم‌دین باشند مثل جامعه‌ی مسیحیت یا کاتولیک یا گروهی که شغل و حرفه‌ی واحدی دارند مثل جامعه‌ی معلمان یا روحانیت یا تمام انسان‌هایی که روی کره‌ی زمین زندگی می‌کنند مثل جامعه‌ی بشریت.

^۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۳۹

^۲ مجمع البحرین، صفحه‌ی ۶۲۴ و ۶۲۵

^۳ فرهنگ فارسی عمید یک‌جلدی، صفحه‌ی ۸۷۰

می‌توان گفت هر گروهی که بتوان وجه مشترکی بر آنها اعتبار کرد اطلاق لفظ جامعه بر آنها رواست.^۱

اجتماع انسانی ابتداءً به طور تام و کامل پیدا نشده که قابل ازدیاد و رشد نباشد. نه تنها اجتماع انسانی بلکه همه‌ی خواص روحی و هر آنچه ارتباط با انسان دارد این‌گونه است.

اجتماع انسانی مثل سایر امور روحی و ادراکی انسان پیوسته و همگام با کمالات مادی و معنوی او به سوی کمال پیش می‌رود. اجتماعی بودن هیچ‌وقت از انسان جدا نشده مگر اینکه به طور تفصیل آدمی توجه به آن نداشته و به حکم پیروی از خواص دیگر خویش مانند استخدام، دفاع و غیره زندگی و رشد می‌کرده. اولین کسانی که به طور تفصیل آدمیان را به اجتماع آگاه ساختند و به طور استقلال توجه به حفظ اجتماع کردند پیامبران بودند.^۲

آدمیان در آغاز پیدایش به طور ساده زندگی می‌کردند و هیچ‌گونه اختلافی بین آنها نبود و هنگامی که اختلافات و مشاجرات در گرفت خداوند پیامبران را مبعوث کرد و برایشان کتاب فرستاد تا رفع اختلاف کنند و به وحدت اجتماعی که با قوانین انبیاء محفوظ خواهند بود برگردند.^۳

رفع اختلاف و ایجاد اتحاد در بین مردم به صورت دعوت به دین‌داری و عدم پراکندگی بوده است. پس دین ضامن اجتماع و مصالح بشری بوده است.^۴

^۱ برداشت از کتاب جامعه و تاریخ، استاد مصباح یزدی

^۲ سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۹

^۳ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۳

^۴ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۳

اسلام تنها دینی است که اساس و بنای دعوت خود را بر اجتماع گذاشته است و در هیچ یک از شئون خود امر اجتماع را به اهمال واگذار نکرده و تمام احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را در همه‌ی این احکام تا آخرین حد ممکن دمیده است.

سنت‌های اجتماعی در ظهور و بروز، محتاج عزم قاطع و همت عالی است و بدون تلاش و جدیت به دست نمی‌آید. دین اسلام بر طبق فطرت انسان‌هاست و مطلوب جامعه‌ی عدالت محور است که سرانجام بر کل عالم بشریت غالب می‌آید تا بشریت تشنه عدالت از زندگی دنیوی طعم حیات طیبه را بچشد. (والعاقبت للمتقین)

نماز از مصادیق بارز ذکر (یاد خدا) است که در قرآن مجید (کتاب تدوینی) آمده است. خصوصیات نماز و اهمیت نماز که آن را ستون دین معرفی کرده‌اند باعث شده تا در تمام مکاتب الهی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. خدای سبحان به پیروان موسی کلیم الله می‌فرماید: (تورات) و نماز را مدار نجات خود قرار دهید و به آن تمسک جوید. همچنین به پیروان عیسی مسیح فرمود: (انجیل) و نماز را محور رهایی از خطر سازید و به آن تمسک جوید. همچنین به راهیان طریق رسول خاتم فرمود: (قرآن) نماز را معیار آزادی از هر گزند بداند و به آن تمسک جوید.

از این تعمیم استفاده می‌شود که پیام جهانی خداوند به امت‌ها این است که کتاب آسمانی و نماز مدار نجات می‌باشند گرچه کتب الهی اعم از تورات و انجیل و قرآن نماز را هم در بردارد لکن از باب ذکر خاص بعد از عام یا ذکر جزء بعد از کل می‌باشد. مسئله‌ی نماز به طور مستقل در کنار کتاب آسمانی مطرح نشده است که فرموده: آنان که متوسل به کتاب آسمانی شدند و نماز را به پا داشتند ما اجر و مزد درستکاران را ضایع نمی‌کنیم.

آیه شریفه ناظر به تمام امت‌ها در تمام عصرها و زمان‌ها و تمام بشریت است یعنی هرکسی که به کتاب الهی تمسک جوید و نماز را اقامه کند صالح و مصلح است و خداوند اجر و مزد مصلحان را ضایع نمی‌کند.^۱

فرق امساک و تمسک به این است که آنچه متعلق به امساک شده از سقوط و آسیب مصون خواهد بود و با تمسک شخص تمسک کننده از سقوط رهایی می‌یابد. خداوند ممسک آسمان‌هاست تا سقوط نکنند.^۲

انسان متعهد و متعبد به قرآن و عترت که هر دو ذکر الهی هستند تمسک می‌جوید تا نیفتد.

نماز پیوند ناگسستنی بین بنده و خداست لذا تشریح نماز برای برقراری چنین پیوندی خواهد بود. و هدف اصلی احیای نماز زنده نگه داشتن یاد خداوند می‌باشد که هر امر باطلی را به فراموشی می‌سپارد که فرمود: منم خدای یکتا هیچ خدایی جز من نیست پس مرا پرستید و نماز را مخصوصاً برای یاد من بپا دارید.^۳

بینش اسلامی و توصیه‌ی این مکتب به جامعه‌ی اسلامی و کلیه‌ی جوامع انسانی بر این دو اصل استوار است: ۱- دوستی با مردم ۲- مدارای با مردم

در روایات اسلامی بحث گسترده‌ای نسبت به این موضوع طرح شده است که اگر مردم در هر جامعه شالوده‌ی زندگی را بر پایه‌ی دوستی و مسالمت با یکدیگر بنا کنند زندگی در چنین جوامعی

^۱ والذین یمسکون بالكتاب و اقامو الصلاة انا لا نضيع اجر المحسنين (آیه ۱۷۰ سوره اعراف)

^۲ ان الله تمسك السماوات والارض ان تزولا (آیه ۴۱ سوره فاطر)

^۳ انی انا الله لا اله الا انا فاعبدونی و اقم الصلاة لذكری (آیه ۱۴ سوره طه)

لذت بخش خواهد بود و بالعکس چنانچه مردم به چشم بی‌مهری و بدبینی و دشمنی و کینه‌توزی و برخوردهای نامناسب و بدون خیرخواهی نسبت به همدیگر بنگرند زندگی در آن جوامع تلخ و ناگوار خواهد بود و به راستی چنین زندگی دشوار است. تأیید این مطلب کلام سازنده و زیبای پیامبر بزرگوار اسلام است که در ضمن سخنان ارزشمندشان به ابوذر غفاری آن صحابی آزاده و پارسا فرمودند: "ای اباذر پرونده‌ی اعمال و رفتار مردم این جهان از جمعه تا جمعه‌ی آینده در دو نوبت (دوشنبه و پنجشنبه) به محضر خدای متعال عرضه می‌شود. هر چه از بنده‌ی مؤمن سر بزند خدا می‌بخشد مگر آن بنده‌ای که میان او و برادر دینی‌اش کینه و دشمنی باشد." ^۱ نکته‌ی قابل توجه این که مستحب است در روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته روزه گرفته شود. شاید فلسفه‌اش بدون ارتباط نباشد که خداوند دوست دارد پرونده‌ی بنده‌اش بسته شود بجاست که آن روز روزی باشد که بنده‌اش روزه باشد و مهر پایان بخورد و خداوند کریم دوست دارد بندگان‌ش به بیراهه نروند و سربلند و روسفید باشند.

انسان در زندگی اشتباه و لغزش دارد. رسول اکرم (ص) فرمود تمامی آن لغزش‌ها را خدا می‌بخشد مگر اینکه میان او و برادر دینی‌اش کینه و دشمنی باشد. این بلا و آفت شالوده‌ی زندگی جامعه را به هم می‌زند و پیامبر اسلام (ص) رمز موفقیت در زندگی سالم همراه با آسایش را در تفاهم و گذشت و صمیمیت و محبت با یکدیگر بیان فرمودند.

^۱ یا اباذر تعرض اعمال اهل الدنيا على الله من الجمعة ال الجمعة في يومين (الأثنين والخميس)، فيغفر لكل عبد مؤمن إلا عبداً كان بينه وبين أخيه شحنا.

در اسلام نسبت به مدارای مردم سفارش زیاد شده و رسول اکرم (ص) در این خصوص فرمودند: "مردم دوستی نیمی از خردمندی و عقل است."^۱ انسان عاقل و خردمند در جامعه با مردم با روش دوستی و محبت عمل می‌کند و اسلام دستور می‌دهد به مسلمانان که این دوستی را به برادری دینی اعلام کند و بگوید من تو را دوست دارم.

رسول اکرم (ص) فرمود: "إذا أحب أحدكم أخاه فليعلم فانه أبقى في الألفة و أثبت في المودة."^۲ این اعلام دوستی موجب می‌شود که آن مهر و محبت ماندگارتر و دوستی بادوام‌تر و محکم‌تر شود.

خود دوستی کشش فطری و طبیعی است و مشترک میان انسان و حیوان است اما دگردوستی (دیگران را دوست داشتن) از تمایلات عالی و کم‌فروغ است و بدون تربیت و تدبیر شکوفا نمی‌شود. رسالت پدران و مادران، آموزگاران و رهبران و روشنفکران این است که این کشش را اوج بخشند و به تدریج به ثمر بنشانند تا در پرتو شکوفایی نسیم مهر دگردوستی و برابری و امنیت و سلامت و صلح و مسالمت در جامعه جریان یابد و آفت‌های خودکامگی و استبداد پایمال گردد.

از جمله مسائلی که ایجاد روحیه، امید و آرامش در انسان می‌کند نیایش و راز و نیاز با خداست که در مکاتب غیر دینی وجود ندارند.

در باورهای دینی پدیده‌ی مرگ و اعتقاد به معاد از عوامل مؤثر در تربیت افراد جامعه در محیط کار و اجتماع است و یاد مرگ نه تنها آزاردهنده نیست بلکه آرامش‌بخش هم هست چون باور دینی

^۱ قال رسول الله (ص): التورد الى الناس نصف العقل.

وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه‌ی ۴۳۴

^۲ المحکم الزاهره، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۳

این است که مرگ نقطه‌ی پایان زندگی نیست و مرگ آغاز حیاتی نو که در آن انسان به نتیجه‌ی اعمالش می‌رسد.

فرق اصلاح نگرش‌ها و بینش‌ها توسط قرآن و سنت پیامبر (ص) با اصلاح توصیه‌ی روان‌شناسان این است که قرآن درون انسان را متحول می‌کند و وقتی درون اصلاح شد تمام رفتار او حکم شاخ و برگ را خواهد داشت و فرق دیگر اینکه آموزه‌های دینی با کم‌ترین هزینه‌های مادی و نگرش‌ها انسان را چه به صورت فردی مثل امر به معروف و نهی از منکر و چه به صورت گروهی مثل موعظه اصلاح می‌کند. در بعد اجتماعی نهاد خانواده صلاح و فساد آن تأثیر مستقیم در جامعه دارد لذا اسلام هم بر تشکیل آن و هم بر تحکیم آن تأکید بسیار دارد، و هیچ مکتب و مذهبی به اندازه‌ی اسلام نسبت به تربیت انسان سخن نگفته است. اسلام با تحریم مسائلی از قبیل غیبت و گمان بد و تجسس نسبت به یکدیگر، جامعه را امنیت داده که در یک جامعه‌ی غیر الهی و مذهبی امکان‌پذیر نیست.^۱

اساسی‌ترین شرط برای ایجاد یک جامعه وجود قانون و مقررات است و ایمان به خداوند در رابطه با قانون می‌تواند دو نقش اساسی داشته باشد: یکی ایجاد قانون و دیگری اجرای قانون. در مکتب اسلام خداست که قانون‌گذار است و قوانینش لازم‌الاجراست. چرا که او کمال مطلق است و قوانینش دارای مصلحت و خیر و نافع برای بندگان. در جامعه‌ی توحیدی افراد با یکدیگر اتحاد و همکاری دارند نه اختلاف و تفرقه. لذا قوانین و مقررات در جامعه از حالت آمرانه و اجباری به حالت ارادی و اختیاری برمی‌گردند.

^۱ اقتباس از کتاب نقش باورهای دینی در اصلاح فرد و جامعه، صص ۲۵۵-۲۵۲

رابطه‌ی فرد و اجتماع

و رابطه‌ی فرد و اجتماع مورد عنایت اسلام است همان‌طوری که رابطه‌ی اجزای بدن تحت قوه‌ی عقل و هماهنگی با عقل است. ترکیب تمام اجزاء مترتب است بر هماهنگی و سلامت کلیه‌ی اجزاء و حفظ یک عضو از اجزاء بدن سلامت تمام اجزاء را به دنبال دارد. مثلاً اگر نظافت مراعات شود در هر عضو موجب سلامت و قدرت وجود انسان می‌گردد. و همین‌طور تربیت افراد و هدایتشان و خوشبختی و سعادت آن‌ها مورد عنایت جدی اسلام است و سعادت حقیقی را به سعادت و خوشبختی تمام انسان‌ها می‌داند که در کتاب مجید قرآن کریم خدای متعال فرمود: خدایی که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آن‌ها خویشی و بستگی و ازدواج قرار داد. یعنی از یک نوع (آب) آفریده شده‌اند از دو طریق نسبی و سببی (پسر و داماد)^۱ و نیز فرمود خدای متعال عمل هیچ‌کس از مرد و زن را بی‌مزد نمی‌گذارد چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند، بعضی مردم از بعضی دیگر برتری ندارند مگر به طاعت و معرفت^۲.

لذا تربیت به آداب و اخلاق و اهتمام به آن چنانکه در اسلام سفارش شده در هیچ‌یک از ادیان دیگر دیده نمی‌شود و وضع احکام شرعی مثل حج و نماز و روزه و انفاق برای حفظ اجتماع است. و هیچ اجتماعی بی‌نیاز از غرض مشترک در سعادت حقیقی نیست و قرب منزلت افراد نزد خداست. شعار اسلام با حفظ وحدتش منوط است به اتباع از حق و عمل به آن بدین صورت که سعادت او در گرو اعتدال و کنترل اقوای جسمی است که از عبودیت و بندگی خدا جدا نشود و لذا وضع

^۱ و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصحراً

آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی فرقان

^۲ انی لا اضع عمل منکم من ذکرأ و انئی بعضکم من بعض

آیه‌ی ۱۹۵ سوره‌ی عمران

قوانین بر اساس مراعات عقل و پیروی از حق است. و منع شدید شده از افساد عقل و تضمین تمام اعمال اعم از اخلاق و معارف اسلامی بر عهده‌ی اجتماع گذاشته شده به اضافه‌ی حکومت و ولایت بر مردم.^۱

از دیدگاه اسلام هر کسی که در یک جامعه‌ی دینی زندگی می‌کند در ساختار زیربنای زندگی سالم مسئولیت دارد که اگر کوتاهی کند در حقیقت به سلامت زندگی و آسایش دیگران ضربه زده است. طبیعی است که هر عملی در این جهان عکس‌العملی دارد و سرانجام هم قهر و غضب الهی و هم قهر و غضب مردم گریبان او و جامعه را می‌گیرد.

عوامل تحکیم‌بخش در جامعه‌ی اسلامی

رسول اکرم (ص) فرمود: لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و وقروا الضیف و اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة. فإذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین.^۲

اولین شرط نزول رحمت الهی بر یک امت و جامعه‌ی اسلامی این است که یکدیگر را دوست بدارند. اگر روش و منش جاری در میان قبیله و طایفه و فامیل و دیگر افراد جامعه بر جنگ و دعوا و بدخواهی و ظلم به یکدیگر باشد حاصل آن نزول عذاب خدا بر آن مردم است.

راستی چه عذابی بدتر از این که مرض صعب‌العلاج و دردی بی‌درمان گریبان یک خانواده را بگیرد که هر جا رو کند درب‌ها را به روی خود بسته ببیند.

^۱ اقتباس از کتاب جامعه و تاریخ، ص ۱۸۷

^۲ رسول اکرم فرمود: امت من همواره در خیر و سلامتی هستند مادام که به یکدیگر محبت نمایند و امانت‌دار باشند و در امانت خیانت نکنند و از حرام دوری گزینند و مهمان را احترام کنند (مهمان‌نواز باشند) و نماز را به‌پا دارند و زکات مال را بپردازند اگر در انجام این امور کوتاهی کنند گرفتار خشکسالی می‌شوند.

وسائل الشیعه، چاپ تهران، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۲۵۲

اگر باران که رحمت است بی موقع آمد و محصولات را از بین برد عذاب نیست؟

این قانون خداوند است که اگر کسی بد عمل کند و از حد بگذراند باید تنبیه شود و امثال این‌ها. چرا این‌ها عذابند اما چشم عبرت بین نداریم.

پس یکی از شرایط سلامت جامعه محبت ورزیدن به یکدیگر است و هدیه دادن به یکدیگر، زیرا هدیه دادن صفا و صمیمیت را در دل افزون و زمینه‌ساز محبت است. باید در امانت خیانت نکنند و دنبال کسب و کار حرام نروند و مهمان‌نوازی شیوهی زندگی آنان باشد و نماز را به‌پا دارند و زکات مال خود را بپردازند. چنانچه افراد یک جامعه مردم‌دوست شدند و با بذل و بخشش با یکدیگر برخورد کردند و اگر در حفظ امانت متعهد بودند و در پی مال حرام نبودند و با سخاوت خوش-مهمان و خوش‌سفر بودند و حاصل دست‌رنج را با هم بخورند و از سفره‌ها و غذاهای لذیذ آن‌ها دیگران هم بهره ببرند. و در اقامه‌ی نماز و بندگی خدا تلاش کنند و حقوق واجب الهی را و زکات که از حقوق نیازمندان است پرداخت نمایند مشمول رحمت الهی خواهند شد و زندگی در چنین جامعه‌ای مطلوب می‌گردد.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

فصل دوم

جامعه و مصالح اجتماعی

بحث جامعه و تأثیر آن بر افراد

استعمال لفظ جامعه (در فارسی) و مجتمع متداول (در عربی جدید) در قرآن بکار نرفته است و برای رساندن معنای گروهی از انسان‌ها از کلماتی دیگر استفاده شده که به ترتیب کثرت استعمال عبارتند از: قوم ۳۸۳ مرتبه مثل: یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قومٌ من قومٍ عسی أن یكونوا خیراً منهم و لا نساءً من نساءٍ عسی یکنّ خیراً منه^۱ و کلمه‌ی ناس ۲۴۰ مرتبه مثل: و لکن اکثر الناس لا یشکرون^۲. استعمال این کلمه در قرآن همواره با الف و لام ذکر شده و چون غیر منصرف است و فاقد تشبیه و جمع و بر تمامی انسان‌ها اعم از گذشته و حال و آینده مخاطب یک گویند و کلمه‌ی امت ۶۴ مرتبه مثل: ان ابراهیم کان امة قانتاً لله حنیفاً^۳ و کلمه‌ی قریه ۵۶ مرتبه مثل: تلک القرى اهلکناهم لما ظلموا^۴ و نیز کلمه‌ی اناس به معنی گروهی و دسته‌ای از انسان‌ها مثل آیات ۶۰ سوره‌ی بقره و ۱۶ سوره‌ی اعراف

^۱ سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۱

^۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۳

^۳ سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۲۰

^۴ سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۵۹

که بر گروهی از فرزندان (سبط) استعمال شده و اذا استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کل اناس مشربهم^۱.

تاکنون تعریفی لفظی از جامعه ارائه نشده که مقبول و محل اعتناء همه یا اکثر جامعه‌شناسان باشد تا چه رسد به معنای حقیقی که متوقف است بر حل مسائل و مشکلات فلسفی که جامعه‌شناسان به آن اعتراف می‌نمایند مثل باتومور^۲ جامعه‌شناس معاصر که می‌گوید: هنوز مشکل دیگری هست که باید با آن روبرو شویم و هر جامعه‌ای ساخت اجتماعی خود را دارد. هر چند ممکن است جامعه‌ها ساخت اجتماعی مشابهی داشته باشند. اما چگونه باید یک جامعه را تعریف کرد؟ یا حدود ساخت اجتماعی خاص را مشخص نمود؟ آیا یونان یک جامعه بود یا هندوستان تا این اواخر جامعه‌ی واحدی بود؟ یا مجموعه‌ای از جوامعی که یک سنت فرهنگی بخصوص بین آن‌ها نوعی وحدت ایجاد می‌کرد؟ در بسیاری از موارد تعیین مرزهای یک جامعه کار دشواری است.

فلاسفه و علمای علم‌الاجتماع هنوز به تعریفی واحد و جامع و مانع و روشن و بدون ابهام دست نیافته‌اند که مقبول همه‌ی آنان یا حداقل گروه متناهی از آنان باشد.

ملاک تمایز و اختلاف جوامع چیست؟

باید مسأله در دو بخش بیان شود و جوابی داده شود که اولاً جوامعی که در هر مقطع زمانی وجود دارند بر چه اساسی باید تفکیک شوند؟ ثانیاً هر جامعه‌ای که در سرزمینی نسبتاً ثابت روزگار می‌گذرانده و می‌گذراند تا کی همان جامعه است و از کی به جامعه‌ی دیگری تغییر می‌یابد؟ مثلاً به چه دلیل جامعه‌ی اسپانیا و پرتغال دو جامعه‌ی جداگانه‌اند و کره‌ی شمالی و جنوبی به چه دلیل دو جامعه هستند؟ (پرسش درباره‌ی جوامعی است که هم‌زبانند اما جدایی مکانی دارند.) یا پرسش شود

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۰

^۲ T.B.Batimore

جامعه‌ی بریتانیا در ۱۹۸۵ جامعه‌ی ۱۸۸۵ یا ۱۶۸۵ است یا نه؟ آیا جامعه‌ی ژاپن کنونی همان جامعه‌ی پنجاه یا صد سال قبل است یا نه؟ (این‌گونه جوامع در مکان‌هایی تقریباً واحد بوده‌اند و هستند ولیکن جدایی زمانی دارند.)

نسبت به جوامعی که تمایز مکانی دارند کلمات ضد و نقیض فراوانی هست. بعضی با تکیه بر جدایی مکانی گفته‌اند شرط یا عامل تحقق هر جامعه این است که گروهی از انسان‌ها در محدوده‌ی سرزمینی زندگی می‌کنند که مرزهای جغرافیایی طبیعی دارد. مثل ریموند فرت^۱ انسان‌شناس معاصر انگلیسی که می‌گوید: برای هیچ جامعه‌ای نمی‌توان مرز قاطعی تعیین کرد مگر از حیث جغرافیایی کاملاً منزوی باشد.^۲ و دیگران بر نژاد و زبان و اسباب و علل دیگری تأکید نموده‌اند و غالباً هیچ یک از این امور را شرط تحقق جامعه نمی‌دانند و قبل از هر چیز بر تقسیم کار و توزیع فرآورده‌ی آن تأکید می‌نمایند. بر این اساس انسان‌هایی که پراکنده نباشند و با هم در فعالیت‌هایی تشریک مساعی کنند که برای اداره‌ی زندگی ضروری است و از عواید و منافع آن کارها همه‌شان برخوردار شوند جامعه‌ی واحدی را می‌سازند. پس جامعه‌ی واحد مجموعه‌ای از انسان‌هایی است که با هم زندگی می‌کنند و کارهایشان مستقل از یکدیگر نیست بلکه تحت نظام تقسیم کار با هم مرتبطند و آنچه از کار جمعی حاصل می‌شود در میان همه‌ی آنان توزیع می‌گردد. اگرچه می‌توان گفت که این ملاک از دیدگاه نظری بدون اشکال است یعنی تقسیم کار اجتماعی و نتایج حاصل از آن می‌تواند وجه تمایز جوامع باشد ولی از لحاظ علمی چنین امری امکان‌پذیر نیست مگر اینکه حکومت واحد و استقلال سیاسی نیز ایجاد شود. از این رو بیشتر جامعه‌شناسان برای تعیین حدود هر جامعه حکومت واحد و استقلال سیاسی را پذیرفته‌اند.^۳

^۱ Raymond Firth

^۲ اقتباس از امیرحسین آریان‌پور، جامعه‌شناسی علمی؛ فصل دوم، صفحه‌ی ۱۲۴

^۳ اقتباس از کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، استاد مصباح یزدی، ص ۱۲

به عقیده‌ی این جامعه‌شناسان منظور از جامعه‌ی واحد گروهی از مردم هستند که در نظامی جداگانه سازمان یافته‌اند، و امور آن را مستقل از نظارت بیرونی اداره می‌کنند. درست این است که هیچ اجتماعی کاملاً منزوی نیست ولی مادام که اجتماع نسبت به موضوعات داخلی به تنهایی تصمیم می‌گیرد و از بیرون تحمیل عقیده‌ای وجود ندارد و هیچ قدرت بالاتری نمی‌تواند اقدامات آن را زیر پا بگذارد و آن اجتماع را می‌توان دارای حکومت واحد و استقلال سیاسی نامید. پس جامعه-ای واحد و متمایز است که همه‌ی افرادش هم‌نژاد و دارای یک رنگ و پوست باشند یا نباشند و خواه با یک زبان تکلم کنند یا چند زبان و خواه مرزهای جغرافیایی طبیعی آن سرزمین را از سایر سرزمین‌ها جدا می‌کند یا در دو یا چند منطقه جدا می‌کند حتی دور از هم به سر ببرند. مثل کشور پاکستان که از سال ۱۹۴۷ از کشور هند جدا شد و استقلال یافت تا سال ۱۹۷۱ یک جامعه محسوب می‌شد و حال آنکه بخشی از خاک هندوستان میان دو قسمت شرقی و غربی آن جدایی انداخته بود و این بدان جهت بود که حکومتی واحد بر هر دو قسمت فرمان می‌راند. فقط از سال ۱۹۷۱ به بعد که قسمت شرقی دارای حکومتی غیر از حکومت غربی شد هر کدام آن‌ها جامعه‌ای جداگانه به شمار آمد و نامی دیگر گرفت. (قسمت شرقی بنگلادش و قسمت غربی پاکستان)^۱

اگرچه بر این عقیده هم که جامعه را مترادف با کشور نامید می‌توان خرده گرفت از جمله اینکه استقلال سیاسی امری نسبی است پس نمی‌تواند ملاک قطعی تمایز جوامع باشد مثلاً درباره‌ی کشور-هایی که در اقمار سیاسی یکی از ابرقدرت‌ها هستند چه می‌توان گفت؟ که هر یک از این کشورها نسبت به آن دولت‌های متبوع خود به گونه‌ای واسطه است و استقلال ندارد هرچند میزان تبعیت کم باشد. علاوه بر این کشورها از استقلال یکسره بی‌بهره نیستند و نسبت به کشورهایی مثل استرالیا، ایالات متحده، کانادا، مکزیک و هلند که دولت‌های فدرال دارند چه بگوییم؟ در هر یک از این

^۱ همان، صفحه‌ی ۱۳

کشورها دولت از اتحاد واحد سیاسی تشکیل شده و هر یک از این واحدها برای خود و بر اتباع خود حدودی از اختیارات دارد و غالباً امور خارجی خود را به دولت و نظام‌های واحدهای تشکیل- دهنده‌ی دولت مرکزی قانوناً حق داشتند که ارتش مستقل داشته باشند و حتی با دولت‌های خارجی قرارداد ببندند حتی کشورهایی مثل روسیه‌ی سفید نماینده‌ای جداگانه در سازمان ملل داشته باشند.

به هر حال مشکل این است که هر یک از کشورهایی که از اقمار سیاسی یکی از ابرقدرت‌ها هستند و نیز هر کدام از واحدهای سیاسی که با اتحاد خود دولتی فدرال پدید آورده‌اند جامعه بدانیم یا نه؟ به تعبیر کلی‌تر هر گروه از انسان‌ها با برخورداری از چه درجه‌ای از استقلال به صورت جامعه‌ای واحد در خواهند آمد؟ با این همه ضابطه‌ی حکومت واحد و استقلال سیاسی برای وحدت و تشخیص هر جامعه با ارزش و معتبر تلقی می‌شود و اکثریت قریب به اتفاق جامعه‌شناسان هر اجتماعی از آدمیان را که واجد حکومت واحد و استقلال سیاسی باشند با اطمینان خاطر جامعه‌ای واحد و جداگانه می‌دانند.

و اما جوامعی که جدایی زمانی دارند چه باید گفت؟ در این باره نیز آراء مختلف است و چون نقد و نقل اقوال نه ممکن است و نه مطلوب فقط یک نظریه بیان می‌شود که مورد اتفاق همه است.

بر طبق این نظریه اگر ساخت اجتماعی خاص از انسان‌ها که در سرزمینی معین زندگی می‌کنند و جامعه‌ی واحدی جداگانه تشکیل می‌دهند تغییر مهمی پدیدار شود می‌بایست بعد از آن تغییر مهم آن جامعه را جامعه‌ای جدید و متمایز دانست. مشکل عمده‌ی این نظریه این می‌شود که از کجا بفهمیم آیا فلان تغییر اجتماعی مهم بوده است یا نه؟ برای رفع این اشکال گفته‌اند تغییری مهم است که همه یا اغلب نهادهای جامعه را دگرگون کند. تغییراتی که در ساخت اجتماعی جامعه‌های زمین‌دار (فئودال) بریتانیا و فرانسه پدید آمد و آن‌ها را به جوامعی سرمایه‌دار (کاپیتالیست) مبدل کرد. به همین جهت جامعه‌ی سرمایه‌دار بریتانیا را باید جامعه‌ای غیر جامعه‌ی زمین‌دار قبل از آن دانست. (درباره‌ی فرانسه هم همین‌طور) بر این اساس اتحاد شوروی هم جامعه‌ای است متفاوت با روسیه‌ی

تزاری و جامعه‌شناسان در تعریف دامن‌ی شمول اصطلاح نهاد و نیز تعیین تعداد نهادهای جامعه اختلاف دارند و اختلاف موجب می‌شود ملاکی برای تمایز هم‌مکان و غیر هم‌زمان ارائه کرده‌اند کفایت عملی را نداشته باشد.^۱

ارتباط فرد و جامعه چه تأثیری در تغییر شخصیت فرد دارد؟

یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی ارتباط فرد و جامعه است که جامعه در تکوین و تغییر شخصیت فرد چه تأثیری دارد و میزان این تأثیر تا چه حد است؟ آیا فرد به کلی متأثر از جامعه است و تابع آن یا نسبت به آن استقلالی هم دارد؟ اگر فرد استقلالی دارد این استقلال در چه جهت یا جهاتی است؟ و تأثیر و تبعیت از جامعه در چه جهت یا جهاتی است؟ و اینکه فرد در پیدایش و تحول جامعه هم تأثیری دارد یا نه؟ اگر دارد چه مقدار است؟ و اهمیت آن چه اندازه است؟ آیا تأثیر جامعه بر فرد بیشتر است یا تأثیر فرد بر جامعه؟ آیا انسان است که جامعه و تاریخ را می‌سازد یا جامعه و تاریخ انسان را می‌سازد؟

دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان پس از مطالعات و تحقیقات و مباحثات فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که نه فرد یکسره از جامعه متأثر است و نه جامعه یکسره از فرد؛ بلکه باید از تأثیر متقابل فرد و جامعه سخن گفت.

به مقتضای آراء و نظریات جامعه‌شناسان جامعه وجود و وحدت و شخصیت حقیقی و مستقل از افراد دارد و روحی واحد و جداگانه دارد. افراد انسانی در حکم اعضای هستند که پیکر جامعه را می‌سازند و ماهیت انسانی انسان که چیزی جز حیوانی اجتماعی نیست فرآورده‌ی جامعه است و همان‌گونه که اعضای بدن آدمی هویت مستقلی ندارند، فرد هم هویت مستقلی ندارد؛ بلکه وابسته و تابع جامعه است و همه‌ی آنچه را که به عنوان یک انسان دارد از آن دریافت کرده است مگر

^۱ همان، صفحه‌ی ۱۴

مواردی که جنبه‌ی فیزیکی و زیستی دارد. و ما به چنین تأثیر عظیم و قاطعی قائل نیستیم^۱، چون فرد را در جامعه اصیل می‌دانیم و این فرد است که با همزیستی و همکاری با دیگر افراد جامعه را پدید می‌آورد و تحولات آن را اعم از خوب و بد و مطلوب و نامطلوب شامل می‌شود. در عین حال چون هر فردی کمابیش از سایر افراد تأثیر می‌پذیرد می‌توان از تأثیر جامعه بر فرد نیز دم زد. از آنجا که جامعه وجود، وحدت و شخصیت حقیقی ندارد و چیزی بیش از مفهوم اعتباری نیست که از وجود افراد انسانی و ارتباطات آنان انتزاع می‌شود، تأثیر جامعه بر فرد فقط به معنای تأثیر اکثریت افراد جامعه بر فرد یا افراد خاص خواهد بود.

این عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و تحول شخصیت فرد عبارتند از فطریات که شامل ادراکات و شناخت‌های فطری و نیز تحرکات و گرایش‌های فطری (یعنی میل‌های غریزی و فطری) و وراثت محیط، تربیت، گذشت زمان (سن)، عوامل غیبی و ماوراء الطبیعی از قبیل وحی و الهام (این عامل به طور مستقیم عمومیت ندارد) و از همه مهم‌تر اراده و اختیار. و حدود این عوامل شخصیت‌ساز در جای خود به اثبات رسیده که نمی‌تواند در فطریات فرد تغییر ایجاد کند و تأثیر جامعه بر فرد به دو گونه دانستنی‌ها را به فرد می‌آموزد:

- ۱- آن‌هایی که جنبه‌ی ابزاری دارند مانند زبان و خط و اعتباریات صرف.
 - ۲- آن‌هایی که در تکوین شخصیت آدمی تأثیر دارند مانند علوم و معارف حقیقی و علوم و معارفی که اعتبار آن را دارای منشأ حقیقی می‌شناسانند.
- علاوه بر این جامعه در به فعلیت رساندن قوای فطری فرد سهمی به سزا دارد و یکی از راه‌های مهم انتقال فرهنگ جامعه به فرد است که همان تقلید رفتاری است البته آگاهانه و هدف‌دار که با انگیزه‌های مختلفی می‌توان صورت پذیرد و ممکن است دستخوش آفاتی هم بشود.

^۱ همان، صفحه‌ی ۱۶۰

از میان عوامل تأثیرگذار دو عامل مهم در شکل‌گیری و تحول شخصیت انسان دخالت دارند که عبارتند از وراثت و محیط. در تأثیر و اهمیت وراثت یعنی آنچه آدمی از پدر و مادر و اجداد گرفته و به هنگام زادن با خود به دنیا می‌آورد، در پایه‌گذاری و شکل شخصیت انسان نمی‌توان شک کرد. وراثت سبب می‌شود که افراد آدمیان هم از حیث چگونگی شکل ظاهر بدن مانند: رنگ، مو، بلندی و کوتاهی قد، فربهی، لاغری و هم از حیث چگونگی ساختمان و کارکرد اعضاء درونی از قبیل شش‌ها، معده، قلب، مغز، سلسله‌ی اعصاب و غده‌ها با هم فرق پیدا کنند. امروزه معلوم گردیده که غده‌ها و موادی که در خون ترشح می‌کنند چه تأثیر عظیمی بر اشتهای ما برای غذا و رفع عطش و در سوخت و ساز بدن، صحت و سلامت مزاج، در عواطف و هیجانات و خلاصه در بدن و فعالیت‌های روانی و زندگی مادی و معنوی ما دارند. مثلاً ترشح بیش از اندازه‌ی یکی از این غدد (تیروئید) سبب تندخویی و بی‌اختیاری حرکات و واکنش‌ها و در نتیجه باعث بی‌ثباتی و یکنواخت نبودن رفتار شخص می‌شود و کمی ترشح باعث آثار روانی مختلف و سبب سستی، بی‌قیدی و وارفتگی می‌شود. دومین عامل تأثیرگذار محیط است که بر دو قسم داخلی و خارجی است:

الف - مراد از محیط داخلی درون رحم مادر در مدت بارداری است. چون تغذیه‌ی جنین که سبب رشد و نمو او می‌شود از خون مادر است سن مادر، وضع مزاجی و روانی او، نوع غذاهایی که مصرف می‌کند و کم و بیش قند و کلسیم و مواد شیمیایی خون او و ... در چگونگی رشد و نمو جنین تأثیر بسزا دارد. پس از تولد محیط تأثیر در شکل شخصیت کودک دارد که یا واقعیت و فعلیت یافتن بعضی از استعدادهای بالقوه‌ی ارثی را تأیید و تسهیل می‌کند یا برعکس برای آن‌ها مزاحمت ایجاد می‌کند.

ب - محیط خارجی نیز دو قسم است. (طبیعی و جغرافیایی، محیط انسانی و اجتماعی) شکی نیست که آب و هوا و چگونگی غذاها که انسان می‌خورد خصوصاً در سال‌های نخستین زندگی در چگونگی رشد و نمو و حتی در شکل و وضع بدن، اعمال بدنی و قیافه‌ی او تأثیر فراوان

دارد. و اینکه آدمی در کدام مناطق مختلف کره‌ی زمین (گرمسیر، سردسیر، معتدل) تولد و نشو و نما یابد، در منطقه‌ی واحد، دشت یا صحرا یا کوهپایه یا روستا و یا شهر و ... زندگی کند در چگونگی رنگ و شکل بدن و اعضا تأثیر دارد. آنچه شباهت کودک را به پدر و مادرش آسان‌تر می‌کند علاوه بر وراثت، آب و هوا و غذاهایی است که آنان بدان خو گرفته‌اند و بر او تحمیل می‌شود زیرا جز سازگاری با محیط طبیعی و جغرافیایی چاره‌ای نیست.¹

دوم محیط انسانی و اجتماعی. این محیط خود محیط‌های بسیاری را از جمله خانواده، آموزشگاه-ها و شغل و حرفه، انجمن‌ها و احزاب، مجالس و محافل علمی و مذهبی، مطبوعات، سینما، رادیو، تلویزیون و ... شامل می‌شود. از این میان اهمیت محیط خانواده به عللی چند نسبتاً بیشتر و چشم‌گیرتر است. اینکه محیط خانواده پر از حرکت و جنب و جوش یا قرین به آرامش و فاقد جنب و جوش و حرکات بسیار باشد یا وضع اقتصادی خانواده متعادل نباشد (بسیار فقیر یا بسیار غنی)، چگونگی امر و نهی پدر و مادر و گفتار و رفتار آنان با یکدیگر، حرکات، احساسات و عواطفی که در مواجهه با پیشامدهای زندگی ابراز می‌کنند، هماهنگی و حسن تفاهم یا سازگاری و احیاناً جدایی آنان، پرهیزگاری و شرافت یا فرومایه و نادرست بودن و خلاصه هر آنچه در محیط خانواده می‌گذرد بادوام‌ترین آثار را در کودک به‌جای می‌گذارد و شخصیت او را پایه‌گذاری می‌کند. اگر خانواده از آرامش و اوضاع و احوال مناسب برخوردار بود سبب می‌شود ساختمان زیستی کودک متعادل گردد و این تعادل باید محفوظ بماند. در صورتی که محیط خانواده نامناسب و نامطلوب باشد سبب می‌شود کودک تعادل زیستی خود را از دست بدهد.

نوزادان که از حیث وراثت و فطرت با هم فرق دارند بر اثر اختلاف محیط‌هایی که در آن‌ها نشو و نما می‌کنند و تربیت‌هایی که می‌یابند فرق‌های بیشتری نیز می‌کنند. اوضاع و احوال موجود در

¹ جامعه و تاریخ، صفحه‌ی 163

خانواده تأثیرش در صفات روانی و اخلاقی کودک به هیچ روی کمتر از تأثیر آن در بدن و مزاج او نیست. پس محیط خانواده و رویارویی‌های کودک با والدین و سایر اطرافیان خصوصاً در سال‌های اول زندگی بر طبق قانون تداعی معانی و انعکاس شرطی و اصول مسلم تقلیدپذیری در تن و روان او اثرات عمیق و وسیعی می‌گذارد، به شخصیت او رنگی مخصوص می‌زند و وی را صاحب ملکات و صفاتی می‌نماید که شاید در تمام عمر او را ترک نکند و بعدها محیط‌های گوناگون دیگر مانند آموزشگاه‌ها و نوع تعلیم و تربیت، شغل و حرفه، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و مؤسسات، ازدواج و تشکیل خانواده، شخصیت همسر، باشگاه‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، مجالس و محافل علمی و دینی، گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی، قوانین و مقررات مملکتی، کتب، رسالات، روزنامه‌ها، مجلات، رسانه‌های صوتی و تصویری و ... همه بر تشکیل و تغییر شخصیت فرد تأثیر فراوان می‌گذارند.

عوامل مؤثر در رشد و تعالی جامعه

یکی از ابزارهای مناسب رشد و تعالی انسان‌ها که همواره مورد توجه نظام‌های مختلف تربیتی قرار داشته تعلیم و آموزش است و نقش برنامه‌های آموزشی در مورد صعود یا سقوط انسان‌ها چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد، زیرا تاریخ تعلیم و تربیت گواهی می‌دهد که انسان‌ها چه به صورت فردی و یا جمعی در نتیجه‌ی برنامه‌های جامع آموزشی نسبت به استعدادها و امکانات وجودی خویش کسب معرفت نموده و به دنبال آن مراحل رشد و تعالی را یکی پس از دیگری طی کرده‌اند و در مقابل افراد و ملت‌هایی بوده‌اند که از استعدادها و توانایی‌های خود آگاهی نداشته‌اند و تعلیمات صحیح و آموزش‌های مفید و لازم نسبت به آن‌ها انجام نگرفته و در نهایت به فقر فکری و جهل علمی که یکی از موانع بزرگ رشد انسان محسوب می‌شود دچار شده‌اند. فلسفه‌ی ارسال

رسل و انزال کتب چیزی جز تعلیم و تربیت نیست که رسول اکرم (ص) فرمود: بالتعلیم ارسلت^۱. من برای تعلیم و آموزش برانگیخته شده‌ام. (منظور از آموزش معنای عام آن شامل آموزش‌های مستقیم کلاسیک و غیرمستقیم و عمومی است.)

در اینجا معنای غیرمستقیم و عمومی منظور است که در قرآن اشاره شده که فرمود: {فاقص القصص لعلمهم یتفکرون^۲} (ای پیامبر سرگذشت قبلی‌ها را برای این بی‌خبران بخوان، شاید حوادث تکان‌دهنده‌ی تاریخ آنان را به فکر وادار نماید.) این آیه ارجاع به تاریخ مکتوب و گوش دادن به حوادث پیشینیان از زمان معلمان تاریخ است و مراجعه به تاریخ مجسم سیر و سیاحت در روی زمین و مطالعه‌ی آثار عبرت‌انگیز گذشتگان است. فرمود: {قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبة المکذبین^۳} (ای پیامبر به این مردم بگو در روی زمین گردش کنند تا پایان کار دروغ‌گویان را با دقت بنگرند.) یکی از رسالت‌های نماز جمعه رسالت علمی و آموزشی آن است.

رابطه‌ی فرد و اجتماع همانند رابطه‌ی اجزاء بدن است.

رابطه‌ی فرد و اجتماع همانند رابطه اجزاء بدن می‌باشد که تحت قوه‌ی عقل است و فواید مرکب تمام اجزاء غیر از فایده یک جزء بدن است و حفظ هر یک از اجزاء سلامتی تمام اجزاء را به دنبال دارد. مثلاً مراعات نظافت هر جزء بدن موجب سلامتی و قدرت وجود و نفس انسان است.

^۱ بحارالانوار، جلد ۱، ص ۲۰۶

^۲ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۶

^۳ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱

اعتبار و تربیت افراد در اسلام و هدایتشان، نسبت به سعادت حقیقی متضمن سعادت کل بشر و اجتماع است که فرمود در آیه شریفه‌ی ۵۴ فرقان: (و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً) که ایجاد انسان‌ها از آب (نطفه) از دو طریق نسبی (اولاد پسر) و سببی (اولاد دختر) و داماد است.^۱

یا (انی لا اضع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض) خداوند عمل هیچ کس را ضایع نمی‌کند چه مرد و چه زن بعض شما از بعض دیگر هستید و مثل هم .

از یکدیگرید و فرقی بین شما نیست.^۲ و لذا تربیت به آداب و اخلاق در بین ادیان برای همه است و وضع احکام شرعی هم مثل نماز و روزه و حج و انفاق برای حفظ اساس اجتماع است و هیچ اجتماعی بی نیاز از غرض مشترک در رسیدن به سعادت حقیقی نیست و قرب و منزلت افراد بدون فرق عندالله است . (ان الله لا یظلم الناس شیئاً)^۳ یا (ان الله لا یظلم مثقال ذرة)^۴

بنابراین شعار اسلام با حفظ وحدتش منوط است به پیروی از عقل و عمل به دستورات شرع مقدس است. به این معنی که سعادت او در گرو اعتدال و کنترل قوای جسمی است که از معرفت الله و عبودیت جدا نشود و وضع قوانین در اسلام بر اساس مراعات عقل در پیروی از حق است و منع شدید از افساد عقل نموده تا خدشه‌ای به کرامتش وارد نشود و تضمین تمام اعمال اعم از اخلاق و معارف اسلامی را به عهده اجتماع گذاشته است و نیز حکومت و ولایت بر مردم را. (توسط انسان‌های برگزیده)

^۱ آیه ۵۴ سوره فرقان

^۲ آیه ۱۵۹ سوره آل عمران

^۳ آیه ۴۴ سوره یونس

^۴ آیه ۴۰ سوره نسا

مراد از سعادت اجتماع در مکتب اسلام قدرت عده و غده نیست (کمیت و کیفیت) بلکه سعادت را در مجموع روح و بدن و برخورداری از معارف اسلامی می‌داند که تضمین کننده حیات دنیوی و اخروی است.

قطعاً برخورداری از لذائد و اشباع غرایز حیوانی سعادت آور نیست بلکه ملالت آور و شقاوت آور است.^۱

نتیجه اینکه اسلام به شأن اجتماعی به گونه‌ای اهتمام ورزیده که در هیچ‌یک از ادیان و قوانین ملل متمدن دیگر نمی‌توانیم مثلش را پیدا کنیم.

اسلام بهترین دستورات شرعی را مثل نماز، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و ... تقوای دینی را بر اساس روح اجتماعی بنیان گذاشته است.

اسلام هدف اجتماع اسلامی را نیک‌بختی واقعی (نه ادعایی) را نزدیکی به خداوند و منزلت در پیشگاه او قرار داده است و این هدف در اجتماع مانند مراقبت باطنی است و سرشت و اندرون آدمی بر این مراقبت جدی مخفی نمی‌ماند. و این هدف ضامن حفظ احکام نامبرده است.

البته قوای حکومتی که شعائر عمومی و حدود دین را حفظ می‌نمایند و نیز فریضه‌ی عمومی دعوت به خیر {کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر}^۲ که امر به معروف و نهی از منکر است باید به نیروی باطنی ذکر شده اضافه گردد.

^۱ اقتباس از کتاب جامعه و تاریخ، ص ۱۸۷

^۲ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰

به این ترتیب مشاهده می‌شود که اجتماع علاوه بر نظارت ظاهری که حافظ و نگهدارنده است از حیث اندرون هم نگهبان دارد و اگر چیزی از انحرافات اجتماع از رهبران و جمعیت امر به معروف و نهی از منکر پنهان ماند از دید رقیب باطن مخفی نخواهد بود.

مرحوم علامه شهید مطهری (ره) نظر خود را در این خصوص این‌گونه بیان می‌فرماید: زندگی سالم اجتماعی آن است که افراد قوانین و حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند، عدالت را امری مقدس به حساب آورند و به یکدیگر مهر بورزند و هر یک برای دیگری آن را دوست بدارد که برای خود دوست می‌دارد و نپسندند چیزی را که برای خویش نمی‌پسندند و به یکدیگر اطمینان داشته باشند. ضامن اعتماد آنان کیفیات روحی آنان باشد. هر فردی خود را متعهد و مسئول اجتماع بشمارد حتی در نهان خانه‌ها همان تقوی و عفاف از آن‌ها بروز کند.^۱

اجتماع و تحولات آن

انسان موجودی اجتماعی است، بدین معنی که ماهیت اجتماعی دارد و نیز نیازها، بهره‌ها و برخورداری‌ها، کار و فعالیت‌های او ماهیت اجتماعی دارد که جز با تقسیم این امور در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست. و حیات اجتماعی هم یک حقیقت است همان‌طور که مرگ جمعی یک حقیقت است. (کل من علیها فان)^۲

اصل اینکه انسان موجودی اجتماعی است احتیاج به بحث نیست و باید در اجتماع و با جمع زندگی کند اما از لحاظ طبع و سلیقه و هوش یکسان نیستند و هر کدام دنبال جذب و جلب منفعت

^۱ مجموعه آثار، مرتضی مطهری، جلد ۲، صفحه ۴۷

^۲ هر انسانی در روی زمین محکوم به فناست.

سوره‌ی الرحمن، آیه‌ی ۲۶

خود و رفع و دفع ضرر و زیان خود می‌باشند. باید ضوابط و مقرراتی بر زندگی اجتماعی حاکم باشد تا انسان‌ها با تصادم و تعارض روبرو نشوند و اگر تصادم و تعارض پیدا شد با شیوه‌های مناسب طبق ملاک و معیار معینی حل گردد.

بحث معضلات و نابسامانی‌های اجتماعی با عنوان آسیب‌ها و چالش‌ها و نیز راه و رسم برخورد طبیبانه با پدیده‌های مخرب اجتماعی از ضروریات زندگی اجتماعی به‌شمار می‌آید زیرا برای پاسداری از سلامت و سعادت جامعه باید نسبت به آسیب‌ها، آسیب‌شناسی اجتماعی و حساسیت لازم را به وجود آورد چرا که جامعه هم مثل افراد مبتلا به بیماری می‌شود که بایستی توسط طبیبان حاذق و پزشکان بصیر معاینه و برای نارسایی‌ها طی نسخه‌ای داروی مناسب ارایه شود تا با استفاده از آن داروها بیماری شفا و دردها درمان پیدا کند.

انسان از دوران قدیم به این نکته توجه داشته است که زندگی جمعی شرایط و لوازم خاص خود را دارد و برای تسهیل در امور جمعی ذهنش معطوف به مسایل و پدیده‌های گوناگون اجتماعی بوده است، لذا برای مهار و هدایت هر کدام از آن‌ها راه‌حل‌هایی طراحی و ارایه نموده است.

پدیده‌ی اجتماعی واقعی‌تری است که گفتار و رفتار بخش‌های مهم جامعه را به شکل یک جریان و به گونه‌ای فراگیر تحت تأثیر قرار می‌دهد و در سبک و سیاق زندگی جمعی انسان‌ها دگرگونی ایجاد می‌کند و چون پدیده‌ای از مقولات قابل تشکیک است دارای شدت و ضعف، گستردگی و محدودیت است. بر این اساس برخی پدیده‌ها جنبه‌ی قومی و برخی ملی و برخی هم فراملی و جنبه‌ی جهانی پیدا می‌کنند. لذا پدیده‌های اجتماعی را به گونه‌های مختلف تقسیم و طبقه‌بندی کرده‌اند تا با تعیین حدود و ثغور و شناخت نقاط اشتراک و افتراق روش تحقیق آسان‌تر و دستیابی به نتیجه سریع‌تر انجام پذیرد.

جامعه‌شناسان عوامل مؤثری که نقش اصلی را در تحولات اجتماعی بر عهده دارند برشمرده‌اند که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- محیط طبیعی: اولین نقش مربوط به عوامل طبیعی و شرایط اقلیمی است زیرا جوامع بشری همواره سعی دارد روابط اجتماعی و سبک زندگی خویش را با مقتضیات محیط طبیعی اطراف خود هماهنگ سازد، به عنوان مثال پدیده‌هایی مثل زلزله، طوفان، خشکسالی، گرما و سرمای هوا و فقدان یا وفور منابع طبیعی هرکدام در تعیین و تغییر زندگی انسان‌ها نقش مؤثری دارند.

۲- جمعیت: عامل جمعیت از عوامل مهم به‌شمار آمده به طوری که بیش از عوامل دیگر در تحولات اجتماعی نقش دارند زیرا تراکم جمعیت باعث پدید آمدن تراکم اخلاقی می‌گردد و با نزدیک شدن انسان‌ها به یکدیگر روابطشان افزایش و متنوع و تشدید می‌گردد و در نتیجه موجب به وجود آمدن تحرک عمومی شده که خود باعث خلاقیت و در نهایت پیشرفت تمدن جامعه خواهد شد.

۳- تکنولوژی: تکنولوژی از عوامل دیگری است که دگرگونی‌های وسیع و عمیقی در جامعه ایجاد نموده است. البته پدیده‌ی تکنولوژی را نمی‌توان از سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی جدا کرد زیرا در ایجاد و رشد پدیده‌ی تکنولوژی عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز دخالت دارند. استفاده‌ی گسترده از تکنولوژی ارتباطی و رسانه‌ای به ویژه تلویزیون و کامپیوتر در چند دهه‌ی اخیر روابط خانوادگی و مناسبات را به صورت چشمگیری تغییر داده است.

۴- ایدئولوژی: عامل ایدئولوژی در طول تاریخ نقش گسترده‌ای در تحولات اجتماعی انسان‌ها به وجود آورده و می‌توان آن را به عنوان یکی از نیرومندترین محرک دگرگونی‌ها برشمرد. به تعبیر شهید عالی‌مقام علامه مطهری: {امروز دیگر جای تردید نیست که مکتب و ایدئولوژی از ضروریات

حیات اجتماعی است.^۱}. بنابراین در هر جامعه‌ای یک ایدئولوژی بنیادی وجود دارد که از مجموعه-ی باورها و ارزش‌ها به وجود آمده است. ایدئولوژی‌ها ممکن است در خدمت تحفظ وضع موجود باشند، اما اگر این باورها و ارزش‌ها دیگر با نیازهای جامعه سازگار نباشند خود نیروی محرک دگرگونی می‌شوند همچون نظام‌های کمونیستی و سوسیالیستی.

۵- رهبری: از عوامل به وجود آورنده‌ی تحولات اجتماعی که نقش مؤثری داشته است رهبران و نوابغ بوده‌اند. این‌گونه افراد که از توانایی‌ها و استعدادهای برجسته‌ای برخوردارند با هنر رهبری خویش افراد بی‌شماری را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را به راه و آرمان‌های خود جلب نموده‌اند و از این طریق موجبات دگرگونی اجتماعی را فراهم ساخته‌اند. پیامبران بزرگ الهی و شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخی مانند بودا، ماهاتما گاندی و در دوران ما شخصیتی همچون امام خمینی (قدس الله سره الشریف) از انسان‌های فرهمندی بوده‌اند که رهبری جنبش‌های بزرگی را به عهده گرفتند و تحولات عظیمی را به وجود آورده‌اند.^۲

تنظیم رفتارهای اجتماعی

در گذشته و حال این موضوع همواره ذهن متفکران علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته است که برای تنظیم و تعدیل رفتارهای اجتماعی باید از چه اهرم‌هایی بهره گرفت تا نتایج بهتر و جامع-تری بدست آوریم زیرا ناسازگاری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی به عنوان یکی از معضلات جامعه‌ی بشری خسارت‌های فراوانی را بر منابع ارزشمند جامعه تحمیل نموده و برای مربیان و مدیران جامعه مشکلاتی به وجود آورده‌اند و برای اینکه هنجارها و رفتارها در جامعه از مرز تعادل خارج نشوند

^۱ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، صفحه‌ی ۵۶

^۲ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۱۴۴

بحث مراقبت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و بیش از همه رهبران اداره‌کننده‌ی امور جامعه باید نسبت به این امر حساسیت بیشتری از خود نشان دهند.

نظم در حد گروه‌های انسانی به معنی آرامش، انتظام و اطاعت است، زمانی در ارتش یا مدرسه نظم برقرار می‌شود که اطاعت از مافوق صورت پذیرد. نظم اجتماعی نیز از همین دیدگاه مورد نظر است و به معنی اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهد.

این نظم بخشی در رفتارهای اجتماعی اعم از افراد یا گروه‌ها از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد من جمله:

۱- ایجاد فضای مناسب (فضاسازی): همان‌طور که بیان شد یکی از عوامل مؤثر در خلق و خوی انسان‌ها در جهت بخشی رفتار محیط اجتماعی است یعنی همان فضایی که انسان را احاطه کرده و شخصیت انسان در آن ساخته و پرداخته می‌شود. فرهنگ حاکم بر محیط اجتماعی تأثیر شگرفی در تکوین شخصیت انسان‌ها دارد و از همین بابت برخی از دانشمندان معتقدند تأثیر محیط اجتماعی بر انسان‌ها تا آن اندازه مؤثر است که بسیاری از رفتارهای انسان‌ها در حقیقت پاسخی به محیط اطراف خود می‌باشد. این مصلحان بر این باورند که برای کنترل و تنظیم رفتارهای انسان‌ها باید به اصلاح محیط پرداخت.

تنظیم مناسبات اجتماعی و تغییر روابط انسانی، تثبیت ارزش‌ها و دست‌کاری شرایط و مقتضیات محیطی موجب خواهد شد تا بسیاری از حالات و رفتارها به تناسب و تغییر شرایط تغییر کند و در جهت تثبیت و تنظیم رفتارها عمل نماید.^۱

^۱ همان، ص ۱۴۶

اینکه در تعلیمات اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از فرایض مهم دینی (فریضه‌ی عظیمه) مطرح می‌شود و بر هر فرد مسلمان واجب است تا آمر به معروف و ناهی از منکر باشد به همین خاطر است که جلوی آلودگی روحی و روانی افراد در محیط اجتماعی گرفته شود. امام صادق (ع) در مورد سالم نگه داشتن محیط می‌فرماید: در معاشرت و هم‌نشینی با افراد تا آنجا مجاز هستید که آن نشست سلامت محیط را در معرض خطر قرار ندهد.^۱

۲- مراقبت اجتماعی (کنترل غیر رسمی): از ابزارهای تنظیم رفتارهای اجتماعی که در پاسداشت سلامت جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند مراقبت اجتماعی است که نوعی کنترل غیر رسمی است و مردمی به‌شمار می‌آید. در جامعه‌ی اسلامی بر اساس تعالیم آسمانی اسلام چنین مراقبت‌هایی با تعبیر {کلهم مسئول} و یا {المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض} به عنوان تکلیف بر مسلمانان واجب و لازم شده است تا پدیده‌های مخرب اجتماعی دامن جامعه را آلوده نسازد. این‌گونه مراقبت‌ها و کنترل‌های غیر رسمی که افراد را به انجام رفتارهای یکسان مجبور می‌سازد از طریق اقناع انجام می‌پذیرد یعنی شرایطی در ذهن آنان به وجود می‌آورند که مجبور به پذیرش هنجارهای رفتاری یا تکیه بر آزادی و یا رعایت آن وادار می‌نماید. وسایل مختلف اقناع عبارت است از تبلیغ، تمجید، تشویق و توجه دادن به منابع و استعانت از ارزش‌های اخلاقی.

^۱ لا ینبغی للمؤمن أن یجلس مجلساً یعضی الله فیه و لا یقدر علی تغییره.

برای انسان شایسته نیست در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا شود و او قدرت جلوگیری نداشته باشد.

اصول کافی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۷۴

^۲ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱

روش برخورد با پدیده‌های اجتماعی

با توجه به پیچیدگی‌هایی که جامعه‌ی انسانی دارد نمی‌توان به سادگی با پدیده‌های اجتماعی برخورد کرد و یا برای آنان حکم واحدی صادر کرد زیرا با همه‌ی پیشرفت‌هایی که بشر امروز در جهت کشف مجهولات داشته است هنوز نتوانسته پیچیدگی‌های روح و روان انسان را شناسایی کند. ابزار و وسایل علمی موجود نارساتر از آن است که به وسیله‌ی آن‌ها لوح پر از نوشته‌ی جان انسان را بخواند. لذا گویاترین معرفی از انسان همان است که آقای الکسیس کارل فرانسوی گفته است: انسان موجود ناشناخته.

از این جهت که عوامل و اسباب مختلفی در ایجاد تحولات پدیده‌های اجتماعی دخیل و سهم هستند باید در برخورد با پدیده‌ها به نگرشی جامع و اطلاعاتی مناسب مسلح بود و از روش‌های مطمئن بهره گرفت تا در پذیرش و طرد و تغییر آن پدیده موفقیت لازم را بدست آورد. در چند مورد راه و رسم برخورد بیان می‌شود:

۱- شناخت و تحلیل پدیده: اولین گام در جهت برخورد با پدیده‌ها باید برداشت و شناخت از آن پدیده باشد. کارشناس مسائل اجتماعی یا یک مصلح و رهبر جامعه باید همانند یک پزشک پدیده را مورد معاینه قرار دهد و از منظر یک محقق عالم‌الاجتماع با روش‌های موجود در حوزه‌ی مسائل اجتماعی آن پدیده را تحلیل کند و هیچ نقطه‌ی ابهامی باقی نگذارد. مثلاً هرگاه تکدی‌گری به عنوان یک پدیده و جریان اجتماعی درآمد نخست باید آن را شناسایی و تحلیل و تعریف کرد. یعنی در این مرحله آثار شوم و مخرب این پدیده را نسبت به جامعه و فرهنگ عمومی چه از لحاظ اخلاقی و فرهنگی و چه از لحاظ اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد و نیز باید مشخص کرد که این پدیده از نوع تغییرات است یا تحول یا رویداد.

۲- بعد از شناخت، ماهیت، ابعاد و عمق آن پدیده باید شناسایی شود و ریشه‌ها، علل و عوامل به وجود آورنده بدست آید. به عنوان مثال امروزه پدیده‌ی مهاجرت بی‌رویه و غیر هدایت‌شده جوامع مختلف بشری را با معضلات بسیاری روبرو ساخته است و از این جهت مشکلات و خسارت‌های فراوانی بر اجتماعات بشری تحمیل شده است مثل مهاجرت روستاییان و جوامع کوچک به شهرهای بزرگ و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تولد شهرک‌های متعدد. محققان و مربیان جامعه سلسله عللی که موجب به وجود آمدن پدیده‌ی مهاجرت است را مورد بررسی قرار می‌دهند که آیا عدم توازن رشد جمعیت یا امکانات کشور در بخش اشتغال موجب ظهور این پدیده گردیده و یا عدم توزیع درآمدها یا ایراد اصلی ناشی از ساختار نظام اداری است؟ آیا تمرکز ثروت و گسترش فقر و یا یک امر فرهنگی موجهی این مهاجرت شده است؟ باید عوامل اصلی ریشه‌یابی و شناسایی شود.

۳- تدبیر و تغییر: در مرحله‌ی بعد نوبت به تدبیر و مدیریت می‌رسد که برای به سامان درآوردن نابسامانی‌ها و هنجار کردن ناهنجاری‌های اجتماعی باید طرح و نقشه‌ی درمان آن پدیده‌ی مخرب در قالب یک تئوری ترسیم و بعد در مرحله‌ی عمل پیاده شود.

انتهی جمع و پدیده‌های مخرب اجتماعی

رسالتی که از جانب خدای متعال و رسول مکرم اسلام بر عهده‌ی علما و روحانیت اعم و انتمی جمع به طور اخص گذاشته شده است تکلیف این قشر شریف را هرچه سنگین‌تر می‌کند زیرا از نگاه دین نگهبانی از مرزهای ایمان، پاسداری از حریم شخصیت انسانی بر عهده‌ی عالمان است که ساده و پیش‌پا افتاده نیست. نمونه‌های فراوانی را تاریخ به ثبت رسانده که عالمان آگاه و آگاهان دانا برای انجام مسئولیت نگهبانی تا سرحد ایثار جان خویش پیش رفته‌اند.^۱

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۱۵۱

امام صادق (ع) فرمود: عالمان پیرو مکتب ما مرزبانانی هستند که هجوم و نفوذ شیطان و شاگردانش بر مرزهای ایمان و عقیده را مراقبند^۱. امامان جمعه به عنوان پاسداران مرزهای فکری و اعتقادی خدمتگزاران دلسوز مردم باید نسبت به پدیده‌های مخرب اجتماعی حساسیت نشان دهند و با کمک و یاری مسئولان و اراده‌ی راه‌کارهای مؤثر و مناسب جلوی خسارت‌های جبران‌ناپذیر این-گونه جریان‌های مخرب را بگیرند.

نقش ائمه‌ی جمعه نقش رهبری و هدایتی است و از موضع یک رهبر دینی و اجتماعی باید با پدیده و جریان‌های اجتماعی برخورد نماید که در برخورد با پدیده‌های اجتماعی به این نکات باید توجه داشت:

۱- بیان گردید که اولین قدم، شناخت پدیده است که آیا این پدیده از نوع تحول اجتماعی است یا تغییر اجتماعی و اگر از نوع تغییر است آیا تغییر در تعادل است یا در ساخت یا اینکه پدیده یک رویداد است. تا مرحله‌ی شناسایی انجام نگرفته و ابعاد موضوع روشن نشده پیرامون آن اظهار نظر نکنند، زیرا هر اظهار نظری کامل نخواهد بود.

۲- آنان که می‌کوشند تحولات اجتماعی را تنها به یک عامل نسبت دهند به نتیجه‌ی مطلوب دست پیدا نخواهند کرد. باید توجه داشت که پدیده‌های اجتماعی که تحولات را به دنبال دارند پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که نمی‌توان آن‌ها را بر مبنای عامل واحدی توجیه و تفسیر کرد. همیشه باید عوامل متعدد و مختلف را در دگرگونی‌های اجتماعی مد نظر قرار داد.

^۱ الامام صادق (ع): علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی الابلیس و عفاریتہ یعنونهم عن الخروج علی ضعفائ شیعتنا و أن یسلط علیهم ابلیس و شیعتہ.

- ۳- پس از شناخت ریشه‌ها و عوامل و طبقه‌بندی آن‌ها و مشخص کردن نقش هر یک از عوامل اصلی و فرعی باید راه و رسم برخورد با آن عوامل را شناسایی و طراحی نمود.
- ۴- از ویژگی‌های رهبران فرهمند این است که با توجه به واقعیت‌های موجود و شناخت توانایی‌ها و ظرفیت‌ها کارها را رهبری می‌کنند. بنابراین راه‌حل‌هایی که برای درمان بیماری‌های اجتماعی ارائه می‌شود بایستی واقع‌بینانه باشد و با توجه به مقدورات و امکانات پیشنهاد گردد.
- ۵- چون مردم ما دیندار و جامعه‌ی ما دین‌مدار است از نقش و تأثیر دین در اصلاح نابسامانی‌های اجتماعی باید بهره گرفت. البته بهره‌گیری از عامل دین راه‌کارهای ظریف و لطیف خاص خود را دارد.
- ۶- هر یک از مسئولان که برای اصلاح امور اجتماعی اقدام می‌کنند پیش از هر اقدامی باید تعریف جامع و مانع از مسئولیت خویش داشته باشند. بر همین اساس ائمه‌ی جمعه نیز از این قاعده مستثنی نیستند زیرا اگر حد و حدود مسئولیت و مقدار و میزان توانایی‌ها مشخص نگردد چه بسا ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها و احیاناً خیانت‌های دیگران به گردن آنان گذاشته شود.^۱

راه‌کارهای کلی

برای برخورد با پدیده‌های مخرب و ویرانگر اجتماعی یک سلسله راهکارهایی به صورت کلی و عمومی وجود دارد که تا حدود زیادی می‌توان آن‌ها را راه‌کارهای کلیدی نامید که در مهار بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی به کار می‌آیند. این راهکارها هم جنبه‌ی پیشگیری دارند، بدین معنی که با بکارگیری آن‌ها می‌توان جلوی ظهور و بروز پدیده‌های مخرب را تا حد زیادی گرفت و هم جنبه‌ی درمانی و اصلاحی، یعنی از طریق اجرای آن‌ها بسیاری از نابسامانی‌ها را به سامان رسانید که به چند نمونه که بیشتر جنبه‌ی فرهنگی دارند اشاره می‌شود:

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۱۵۲

۱- فضا سازی: چنان که اشاره شد یکی از عوامل بسیار مؤثر در شکل گیری و رشد شخصیت انسان فرهنگ حاکم و ناظر بر محیط اجتماعی است. محیط ظرفی است که انسان را احاطه کرده و بستری است که نهال وجود او را بارور می سازد. حیات اجتماعی انسان ها مولود محیط اجتماعی است و به هر میزان که محیط از سلامت و تعادل بیشتری برخوردار باشد، حیات و حرکت اجتماعی نیز نشاط و کمال بهتری خواهد داشت.

اینکه در برخی از روایات اسلامی پیشوایان معصوم (ع) از زمان و آثار زمان سخن به میان آورده اند و مردم را به زمان و نقش آن در سعادت یا شقاوت انسان توجه داده اند منظور در سیاق چنین بیانی زمان به معنی گذشت شب و روز و عبور لحظه ها نیست بلکه منظور همان محیط اجتماعی است که بر پایه ی یک سلسله مناسبات اجتماعی که همه ی اجزاء و افراد جامعه را چون دانه های تسبیح به یکدیگر مرتبط نموده شکل گرفته است.

علی (ع) فرمود: مردم به زمان و فرهنگ حاکم بر زمانشان شباهت بیشتری دارند تا به پدرانشان^۱. در کلام دیگر حضرت فرمود: چون محیط اجتماعی ناسازگار و ناپاک شود بازار فضیلت ها بی رونق گردد و هر کس بخواهد حرمت فضائل را نگه دارد زیانکار خواهد شد و بدی ها و پستی ها رواج گیرد و سودآوری دارد^۲.

راهکار جلوگیری از پدیده های مخرب اجتماعی

^۱ قال علی (ع): الناس بزمانهم أشبه منهم بأبائهم.

ناسخ التواریخ، حالات علی (ع)، صفحه ی ۸۶۹، به نقل حدیث جلد ۲، صفحه ی ۱۰۷

^۲ قال علی (ع): إذا خبث الزمان كسدت الفضائل و ضرت. و نقصت الرذائل و نفعت.

آثار الصادقین، جلد ۷، صفحه ی ۴۰۵

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۲۰، صفحه ی ۲۷۰

رهبران و مریبان دلسوز و آگاه نسبت به محیط اجتماعی و تحولاتی که در محیط انجام می‌گیرد به شدت حساسیت داشته و دارند زیرا همیشه تلاش آنان این بوده است که از طریق آماده‌سازی محیط دستیابی به هدف را تسهیل کنند. فضا سازی از راه‌های مختلف انجام می‌گیرد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- جریان‌سازی: برای فضا سازی و ایجاد دگرگونی‌های ذهنی جامعه باید هدایت‌گران و مبلغان در حوزه‌ی فرهنگ عمومی موج‌های مثبت ایجاد نموده و عموم مردم را نسبت به آن رویدادها حساس کنند تا آنجا که مردم نسبت به آن موضوع عکس‌العمل مناسب از خود بروز دهند.

قانون امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب فردی و اجتماعی در حقیقت قانونی است علاوه بر پاسداری از مرزهای فکری، اخلاقی و عقیدتی جامعه رسالت فضا سازی را در جهت رشد و تعالی انسان‌ها بر عهده دارد و با ارائه‌ی همه‌جانبه‌ی آن می‌توان فضایی را به وجود آورد که عرصه‌ی اجتماع از آلودگی‌های آزاردهنده پاک و نابسامانی‌ها به حداقل برسد. با امر به معروف و نهی از منکر امنیت عمومی ایجاد می‌گردد (تأمن المذاهب)، و کسب و کار در مجرای صحیح قرار می‌گیرد (و تحل المكاسب)، حقوق افراد تأمین می‌شود (تردّ المظالم)، رفتارهای مردم در ترازوی تعادل سامان می‌یابد (و یستقیم الامر)، و در نهایت سرزمین‌ها عمران و آباد می‌شود (و تعمر الارض).^۱

خوبی‌ها و خوبان را حمایت کردن و بدی‌ها و بدان را طرد نمودن از دستورالعمل‌های دیگر اسلامی است که هرگاه به عنوان یک جریان اجتماعی تجلی کند فضای معطری را به وجود می‌آورد. قرآن کریم این دستورالعمل اجتماعی را با عنوان تعاون بر برّ و تنفر از اِثم بیان کرده است: {تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان}.^۲

^۱ وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۳۹۵

^۲ باید همدیگر را بر نیکوکاری و تقوی کمک کنید و بر گناه و ستمگری کمک‌کار یکدیگر نباشید.

از آموزه‌هایی که در تعالیم شیعه توصیه گردیده و شیعیان در طول تاریخ بر اساس راهنمایی پیشوایان معصوم خود عمل نموده‌اند و نتایج بسیار بالایی را در فضا سازی بدست آورده‌اند احیاء امر ائمه (ع) است به معنی زنده نگه داشتن آن حوادث و جریان‌ها و پدیده‌هایی است که جنبه‌ی فرهنگی و عقیدتی از یک طرف و جنبه‌ی اجتماعی گسترده از طرف دیگر دارد و با زنده نگه داشتن آن دین زنده نگه داشته شده مثل مراسم پرشور عاشورا که حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) این-گونه مراسم تعزیه‌داری را مصداق احیاء امر ائمه معرفی فرمودند. نکته‌ی قابل توجه این است که ابزار ادبیاتی که برای تبلیغ و ترویج معارف اسلامی بکار گرفته می‌شود و نیز سطح فکر و میزان معلومات مخاطب ثابت نیست و لذا جریان‌سازان باید مفاهیم اسلامی و فرهنگی را با زبان روز و ابزارهای متناسب با زمان عرضه کنند تا شاهد تأثیر بیشتری باشند.

۲- تعظیم شعائر: از عواملی که در جریان‌سازی اجتماعی و ایجاد فضای مناسب نقش مهمی را ایفا می‌کند تعظیم شعائر است و شعائر به معنی نشانه و علامت است. بنابراین شعائر به علامت‌ها و نشانه‌های برجسته و بارزی گفته می‌شود که سرشار از مفاهیم دینی و اسلامی باشد و انسان‌ها از دیدن آن‌ها متوجه خداوند متعال شوند.

یکی از شعائر الهی مناسک حج است اعم از صفا و مروه، طواف، رمی جمرات، قربانی و ... که هر یک نشانه‌ای است و انسان را به سوی توحید ناب رهنمون می‌سازد.

اذان فریاد بلند توحید است در جامعه‌ی اسلامی و انسان‌ها را به عبودیت ذات اقدس خدای متعال فرا می‌خواند.

نماز جمعه، نمازهای عیدین (قربان و فطر) و تجلیل از اسوه‌های انسانیت و پیشوایان معصوم (ع) با توجه به شیوه‌ی اجرای آنان از شعائر الهی هستند که هر کدام نام و یادشان اعتلای کلمه‌ی توحید

را به همراه دارد به ویژه بزرگداشت شهیدان و تکریم نسبت به سید و سالار شهیدان کربلا و برپایی مراسم عاشورا که هر یک از این گونه موارد نقش فراوانی در فضا سازی جامعه دارند.

۳- ایجاد تنفر عمومی نسبت به زشتی‌ها: پدیده‌های زشت و مخرب وقتی در جامعه ظهور و بروز پیدا می‌کنند که شکل‌ها و شیوه‌های مناسب مورد حمایت قرار بگیرند. به عبارت دیگر امکان دوام و بقای یک پدیده‌ی زشت وقتی است که زمینه‌های اجتماعی مناسب فراهم شده باشد بنابراین در تجزیه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی نخست باید بسترهای رویش یک نابسامانی را در جامعه شناسایی کرد و بعد با روش‌های منطقی آن را از بین برد تا زمینه‌ی رشد و رویش آن از بین برود. یکی از راه‌های مؤثر در مهار نابسامانی‌ها و کنترل جریان‌های مخرب اجتماعی ایجاد تنفر عمومی نسبت به زشتی‌ها و ناهنجاری‌هاست. هرگاه چنین حساسیتی به عنوان فرهنگ بر مناسبات اجتماعی انسان‌ها در جامعه سایه افکند و به اصطلاح قبح اجتماعی تقویت گردید به طور طبیعی جریان‌های اجتماعی در مرز تعادل قرار خواهند گرفت و تا حدود زیادی سلامت جامعه حفظ خواهد شد. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی هر کس باید در پاسداری از مرزهای عقیده و اخلاق به عنوان یک وظیفه‌ی دینی و اجتماعی کوشا و متعهد باشد.^۱

محیط اجتماعی به منزله‌ی کشتی است و تمام افرادی که در کشتی نشسته‌اند هم سرنوشت مشترک دارند و هم حقوق مشترک. لذا هر عمل اجتماعی بایستی با توجه به حقوق و سرنوشت مشترک افراد جامعه انجام گیرد و از همین بابت است که انسان مسلمان وظیفه دارد تا نسبت به هرگونه ناهنجاری و نابسامانی که در زمره‌ی منکرات قرار می‌گیرد عکس‌العمل مناسب از خود بروز بدهد؛ حتی اگر با یک اخم و چهره در هم کشیدن باشد. علی (ع) فرمود: کم‌ترین مرحله‌ی انکار اعلام بیزاری از آن است که هرگاه با معصیت‌کاران روبرو شدید با چهره‌ای عبوس و درهم‌کشیده با

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۱۴۴

آن‌ها برخورد کنید.^۱ ایجاد تنفر عمومی به عنوان یکی از عوامل بازدارنده‌ی اجتماعی در برخورد با ناهنجاری‌ها تا حدود زیادی به تقویت ارزش‌های اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. به عنوان مثال در هر جامعه‌ای که شرم و حیا که یکی از سجایای اخلاقی است وجود داشته باشد بسیاری از پدیده‌های زشت و ناهنجاری‌های آزاردهنده را در سطح جامعه مشاهده نخواهیم کرد چرا که حیا مانع از شکستن هنجارهاست.

علی (ع) فرمود: حیا جلوی کار ناپسند و زشت را می‌گیرد.^۲

یکی از روش‌های دشمنان دین به ویژه مهاجمان فرهنگی در عصر ما این است که قباح و حرمت بسیاری از کارهای زشت در جامعه شکسته شود و افراد نسبت به انجام زشتی‌ها و بی‌اعتنایی به قداست‌ها تجری پیدا کنند زیرا در جامعه‌ی دینی مناسبات و روابط اجتماعی بر اساس تعالیم و ارزش‌های دینی شکل می‌گیرند و اگر این مناسبات در هم بریزند و ارزش‌ها شکسته شوند تهاجم در عرصه‌ی فرهنگی موفق خواهد شد.

کدامیک از نهادهای اجتماعی تأثیر بیشتری در رشد جامعه دارد؟

یکی از نهادهای مهم اجتماعی نهاد تعلیم و تربیت است. در باب اینکه تأثیر کدام یک از نهادهای اجتماعی در بقا و استكمال و رشد جامعه بیشتر است آراء مختلفی است از جمله مکتب مارکس که می‌گوید مهم‌ترین تأثیر را نهاد اقتصاد در جامعه دارد و زیربناست و سایر نهادها روبنا محسوب می‌شوند و تابع تغییرات نهاد اقتصادند. دلیل برتری نهاد تعلیم و تربیت این است که بشر زمانی از حد حیوانیت فراتر خواهد رفت و به صفت انسانی متصف خواهد شد که بر اساس تعقل و ساخت‌های

^۱ قال علی (ع): أدنی الإنکار أن تلقی اهل المعاصی بوجه مكفرة.

^۲ قال علی (ع): الحياء یصدّ عن فعل القبیح.

منتخب‌الغرر، ص ۱۸۵ و آثارالصادقین، ج ۸، ص ۱۱۶

عقلانی بنا شود و زندگی بر پایه‌ی غرایز حیوانی انسانی نخواهد بود و بدون شک تنها نهادی که مستقیماً و بی‌واسطه با تعقل و ادراک عقلی انسان‌ها سر و کار دارد نهاد آموزش و پرورش است. فقط همین نهاد است که می‌تواند آدمیان را از نظر فکری و فرهنگی رشد دهد. خلاف آنچه اغلب متفکران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان می‌پندارند هدف اعلا‌ی زندگی اجتماعی برآورده شدن نیاز-های بدنی و تأمین منابع و مصالح دنیوی انسان‌ها نیست. در مقام ارزیابی نهادها و تعیین درجه‌ی اهمیت هر یک از آن‌ها نباید فقط به تأثیر چشم‌دوخت که هر نهادی در زمینه‌ی رفع حوائج مادی و دنیوی تأثیر دارد، این کاری است که بیشتر متفکران علوم اجتماعی انجام می‌دهند حتی دین به گمان آنان یکی از نهادهای اجتماعی برای حفظ یا افزایش همبستگی اجتماعی و رسمیت بخشیدن به وقایع مهم شخصی یا برای تثبیت مناسبات اجتماعی است. زندگی اجتماعی برای رفع نیازهای مادی و معنوی باید مقدمه‌ای برای اینکه هم شمار بیشتری از آدمیان خداپرست شوند و هم خداپرستان در مسیر خداپرستی خود پیشرفت افزون‌تری بیابند که سوره‌ی مبارکه‌ی نور آیه‌ی ۵ فرمود: {وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخفّنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً} یعنی استقرار دین و نظم و امنیت و آرامش همه مقدمه برای توسعه‌ی کمی و کیفی خداپرستی است و ایمان و توحید باید نهادهای اجتماعی را از چهارچوب تنگ مادیت و دنیازدگی بیرون آورند.

¹ خدا کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده که یقیناً در روی زمین آنان را جانشین کند، همان‌طور که پیش از آنان جانشین نمود و آئینی را که برای آنان پسندیده است استقرار بخشد و از پی ترس آرامش جایگزین کند تا خدا پرستیده شود و شریک برای خدا گرفته نشود.

نهاد آموزش در صدر اهمیت است.

نهاد آموزش و پرورش را باید رجحان داد و بر صدر نشاند. زیرا فراهم آمدن زمینه‌ی رشد و استكمال معنوی آدمیان بیش از هر چیز مرهون این نهاد است و این نهاد آراء و عقاید هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی صحیح را به مردم تعلیم می‌دهد و آنان را بر طبق ارزش‌های پسندیده‌ی اخلاقی و حقوقی پرورش می‌دهد و بدین طریق خداپرستی و استكمال معنوی انسان‌ها را گسترش می‌دهد.

نهاد آموزش و پرورش می‌تواند سایر نهادها را تثبیت یا تحکیم و تقویت یا اصلاح نماید و جامعه را به هدف‌های متوسط و عالی‌اش نزدیک‌تر کند. به همین جهت اگر تعلیم و تربیت جامعه‌ای صورت صحیح نداشته باشد دیر یا زود سایر نهادها دستخوش بی‌نظمی و اخلال می‌شوند و تمامی امور و شئون زندگی در معرض فساد و نابودی قرار می‌گیرند.

به وسیله‌ی آموزش و پرورش آگاهیانیدن مردم از احکام و قوانین اجتماعی و حقوقی و تشویق و ترغیب آنان به پیروی از مقررات و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی و دولتی امکان‌پذیر می‌شود.^۱

بدین‌سان تبیین و توجیه این امر وقتی آسان می‌شود که بدانیم خدای متعال وظیفه‌ی پیامبر گرامی اسلام را در تلاوت آیات الهی بر انسان‌ها و تزکیه‌ی آنان و تعلیم کتاب و حکمت به آنان یعنی تربیت آنان، خلاصه می‌فرماید.^۲ تعلیم و تربیت است که انسان‌ها را از هدف اعلای زندگی فردی و اجتماعی آگاه می‌سازد و چنان می‌پرورد که در مسیری به آن هدف منتهی می‌شود گام بردارند و سایر نهادها مثل: خانواده، اقتصاد، حقوق و حکومت چیزی جز مقدمه و وسیله نیستند که زمینه‌ساز سیر و سلوک معنوی آدمیان را هموار نمایند.

^۱ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، استاد مصباح، ص ۳۰۱

^۲ آیات ۱۵۱ و ۱۲۹ سوره بقره و آیه ۱۶۲ سوره آل عمران

نتیجه‌ی عملی از بحث اینکه قدم اول در بهبود اوضاع و احوال مختلف هر جامعه‌ی نابسامان و بی‌تعداد و فاسد اصلاح نظام تعلیم و تربیت آن است؛ همان‌طور که نخستین گام در به تباهی کشاندن هر جامعه فاسد نمودن نظام آموزش و پرورش آن است و پژوهش‌های تاریخی در باب علل ترقی و انحطاط جامعه‌ها به خوبی گواه صدق این مدعاست. مطالعه و تحقیق در تاریخ کشورهای اسلامی از جمله آندلس (اسپانیای فعلی) نشان می‌دهد که دشمنان عزّت و سعادت مسلمین برای اینکه آزادی و استقلال امت اسلام را نابود و امت را وابسته و طفیلی خود کنند، قبل از هر چیز در سد استوار و محکم فرهنگ آنان رخنه کردند و بعد از آنکه نظام و فرهنگ آنان را موافق با اهداف و مقاصد خود دگرگون کردند با سهولت و سرعت هر چه تمام‌تر به نیت شوم خود جامعه‌ی عمل پوشیدند و مسلمین را به تباهی و سقوط کشاندند.

با این حال آیا وقت آن نرسیده کسانی که در پی اصلاح اوضاع و احوال جامعه‌ی خود هستند به صلاح تعلیم و تربیت افراد جامعه بیش از هر کار دیگری اهتمام کنند و فریب نظریات الحادی را نخورند.

در عین اینکه تأثیر دیگر نهادها را منکر نمی‌شویم بر اولویت، تقدم و اصالت تعلیم و تربیت تأکید داریم. جامعه‌ای که به اندازه‌ی کافی از تعلیم و تربیت برخوردار نشده باشند؛ حتی اگر به فرض همه‌ی مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی‌اش رفع شده باشد باز هم از اینکه گمراه شود و به بیراهه گرفتار شود مصون نیست پس داشتن بهترین نظام اقتصادی به معنای داشتن بهترین و سعادتمندترین جامعه نیست.

و نهاد آموزش و پرورش در جامعه‌ی اسلامی وظیفه‌ای بسیار مهم‌تر و سنگین‌تر از آموزش و پرورش دیگر جوامع دارد که یا بدین التفات ندارند یا آن را نهادی در کنار نهادهای دیگر می‌دانند و قلمرو آن را جدای از قلمرو خانواده، اقتصاد، حقوق و حکومت می‌انگارند. ناگفته پیداست که مقصود از نهاد آموزش و پرورش تنها آن کاری نیست که سازمان‌ها و مؤسّسات دیگر مثل

کودکستان و دبستان و مدارس راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه و فرهنگ جامعه صورت می‌گیرد. بنابراین کارهایی که در قالب رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات و خطبه‌های نماز جمعه خصوصاً و آداب و مراسم ملی و شعائر و مناسک دینی و مذهبی و سخنرانی‌ها و تظاهرات سیاسی و فعالیت‌های هنری و ... انجام می‌گیرد همه در چهارچوب آموزش و پرورش واقع است.

آسیب‌پذیری انسان در زندگی

باید پذیرفت که هر موجودی در نظام هستی خطرهایی او را تهدید می‌کند و انسان با ابعاد وجودی متفاوت به طریق اولی و بیشتر از همه در معرض خطر و تهدید است. چرا که عامل و مختار است و دارای تفکر و اندیشه. پس ضرورت دارد که انسان به اطراف خود به دقت بنگرد و خطرهای را بشناسد تا در مسیر رشد و ترقی به سوی سعادت و کمال مانعی او را تهدید نکند و بکوشد تا زندگی مطلوب و مقبولی داشته باشد.

امام صادق (ع) از جد بزرگوارش حضرت محمد (ص) روایت جالبی که بسیار آموزنده است نقل می‌نماید.^۱ پیامبر رحمت با آن همه عظمتش در سایه‌ی بندگی و عبودیت و در اثر تلاش و مبارزه با نفس اماره و به‌کارگیری گوهر گرانبهای عقل و اندیشه به مقام عصمت رسیده‌اند و در عین حال در برابر آسیب‌ها و خطرات متنوع گویی احساس خطر می‌کنند. به همین جهت هر روز از شش آفت به خداوند پناه می‌برند که عبارتند از:

۱- شک و تردید

۲- شرک به خدا

^۱ کان رسول الله (ص) تيعوذ في كل يوم من ست. من الشك و الشرک و الحميه و الغضب و البغى و الحسد

خصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۶

۳- اسباب خشم

۴- غضب

۵- ظلم و ستم

۶- حسد

با این بیان رسول خدا از شر این شش خصلت به خداوند پناه می‌برند و از او کمک می‌طلبند که مبادا آسیب و خطری متوجه آن بزرگوار گردد. همه‌ی این شش مورد قابل دقت و تحلیل است آفت شک و دودلی در هر چیز من جمله در مورد خدا و صفات جلال و جمال او، در مورد قیامت، در مورد نبوت و امامت و همه‌ی ارزش‌ها و اصول و قداست‌های دینی و الهی.

کسی که گرفتار این بیماری شود در زندگی متوقف و حالت ایستایی پیدا می‌کند و یا به عقب باز می‌گردد و راه سعادت و کمال و نجات را گم می‌کند. این تیپ انسان‌ها تا آخر عمر نتیجه نمی‌گیرند حتی در کسب و کار و انتخاب شغل و همسر شک و تردید دارند و نمی‌توانند تصمیم بگیرند و راه صحیح را انتخاب کنند لذا باید به خدا پناه برد.^۱

خطر شرک به خداوند

بلای شرک به قدری آسیب آفرین است که در قرآن و روایات به ظلم عظیم و بزرگ از آن تعبیر شده است تا جایی که مشرک هرگز آمرزیده نمی‌شود. قرآن در هشدار از شرک می‌فرماید: به یاد آور هنگامی را که لقمان به پسرش در حالی که او را پند و اندرز می‌داد گفت: ای پسرک هرگز به خدا شرک موزر چرا که شرک به او بیداد و ظلمی سهمگین است.^۲

^۱ پایه‌های روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام، ص ۱۹۸

^۲ سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۳

دقت در این کریمه‌ی نورانی نشانگر نفرت اسلام و قرآن از شرک و کفر است که از آن دو به ظلم عظیم و بیداد سهمگین تعبیر شده است.^۱

کنترل خشم و غضب

یکی از عواملی که سبب می‌شود تا انسان محبوبیت خویش را در پیشگاه خداوند از دست بدهد و منفور بارگاه خدای متعال گردد خشم و غضب است که سرچشمه‌ی بسیاری از گناهان کبیره و جنایات است. چه بسا بنیاد خانواده‌ها در اثر همین صفت خطرناک خشم و غضب به جدایی کشیده و میان دو فامیل، دو برادر، پدر و فرزند، زن و شوهر به جدایی منجر شده که عامل آن خشم و غضب است.

در جواب این سؤال که عامل و ریشه‌ی خشم و غضب چیست و چرا انسان عصبانی و خشمگین می‌شود بحث علمی و روان‌شناسی است که ریشه‌ی آن در قرآن و روایات آمده است و مسأله‌ی مهم و سازنده‌ای است و اگر ریشه‌ی این صفت نکوهیده پیدا شود و عامل آن شناخته گردد انسان بهتر می‌تواند بر آن غلبه کند و خود را معالجه نماید چون در حقیقت تندخویی و خشم و غضب نوعی بیماری است و موجب از کار افتادن ذهن فرد می‌گردد و در آن حال تصمیمات غیر عاقلانه و کار شرارت‌آمیز می‌شود. امام صادق (ع) فرمود غضب کلید هر شری است^۲ و رسول اکرم (ص) به کسانی که تقاضای موعظه می‌کردند سفارش می‌فرمود از خشم و غضب جلوگیری نمایید و ریشه‌ی آن را حضرت عیسی (ع) سه عامل معرفی نموده‌اند: ۱- تکبر و خودبینی ۲- سرکشی و خودکامگی ۳- تحقیر و کوچک شمردن مردم.^۳

^۱ پایه‌های روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام، محمدتقی ناطقی، صص ۱۹۸-۲۰۰

^۲ مکارم‌الاخلاق، ج ۱۲، الغضب مفتاح کل شر

^۳ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۷، حدیث ۹، قال الحواریون و ما بدء الغضب قال الکبر و التَّجَبُّر و تحقیر الناس.

ظلم و ستم

ظلم و ستم مفهومی عمومی و قابل اطلاق بر مجموعه عملکردهای ناصواب بشر نسبت به خود و دیگران و خداوند است. لذا ظلم را به ۳ دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند و حکم مخصوص هر یک را ذکر نموده‌اند. ظلم بنا بر فرمایش امام باقر (ع) که فرمود: ظلم و ستم سه گونه است: ۱- ظلمی که خدا می‌آمرزد. ۲- ظلمی که خداوند نمی‌آمرزد. ۳- ظلمی که خداوند از آن طرف‌نظر نمی‌کند. اما آنکه نمی‌آمرزد شرک است و ظلمی که خداوند می‌آمرزد ستمی است که انسان به خودش می‌نماید و ظلمی که از آن صرف‌نظر نمی‌شود حقوقی است که مردم نسبت به یکدیگر دارند^۱، چون این ظلم حق الناس است که رفع آن منوط است به رضایت طرف مقابل.

نقش حسد و خشم و غضب در اضمحلال ایمان

حسد نوعی نارضایتی و ناراحتی از دارایی و توانایی دیگران است و بودن این نعمت‌ها بدست دیگران برای حسود رنج‌آور است که همواره آرزوی نابودی آن نعمت‌ها را دارد. امام باقر (ع) بین حسد و خشم و غضب وحدتی بیان فرمودند و این‌گونه آن را ترسیم کردند.

تندی و شتاب‌زدگی خشم و غضب مرد را کافر می‌سازد و حسد ایمان را می‌خورد همان‌طور که آتش هیزم را می‌خورد.^۲ روحیه‌ی حسادت در فرد باعث رفتاری می‌گردد که به مرور انسان را به مقدرات الهی بدبین ساخته و آرام آرام شخص را نسبت به خداوند و دستورات او بی‌اعتنا می‌سازد. این خطرات از درون انسان مشتعل است و به جامعه سرایت می‌کند.^۳ لذا هم پیشگیری لازم است و هم شناخت و انسان بدون تعلیم و تربیت دینی در معرض آسیب و خطر نابودی است.

^۱ میزان‌الحکمه، ج ۷، ص ۲۴۵۱، ح ۱۱۴۱۶

^۲ میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۸۶، ح ۳۹۳۸

^۳ اقتباس از کتاب اخلاق دینی و اندیشه‌ی شیعی، محمد نصر اصفهانی، ص ۳۸۱

آسیب‌شناسی

هر انسانی به طور فطری در زندگی مادی و دنیوی خود خواسته‌هایی دارد. و اینکه بهترین این خواسته‌ها کدام است و چه راهی برای رسیدن به آن خواسته‌ها بهترین و نزدیک‌ترین راه است؟ امام صادق(ع) کلامی را فرمودند که برای جامعه درس‌های ارزشمندی به دنبال دارد. ایشان فرمودند: هر انسانی در این دنیا چهار خواسته دارد: ۱- دوست دارد غنی و بی‌نیاز باشد. ۲- از آسایش فکری و آرامش برخوردار باشد. ۳- غم و غصه نداشته باشد. ۴- در جامعه و بین مردم عزیز باشد.^۱

این چهار خصلت و خواسته‌ی فکری و طبیعی هر انسانی در نظام خلقت است و اگر کسی بگوید من این‌ها را نمی‌خواهم تعارف بیجا می‌نماید یا دروغ می‌گوید زیرا هر انسانی می‌خواهد بی‌نیاز باشد و غم و غصه نداشته باشد و از آسایش بهره‌مند و در میان مردم و جامعه خوشنام و عزیز باشد. اما راه رسیدن به این خواسته‌ها؛ امام صادق(ع) فرمود رمز بی‌نیازی قناعت است، خرج و هزینه را خوب بسنج و کاری کن که درآمد و سود با هزینه بخوانند که اگر روح قناعت در انسان پدیدار شد به گنج بزرگ و به ثروت تمام‌نشدنی دست یافته است.^۲ و راه رسیدن به عدم اضطراب و نگرانی این

^۱ مطلوبات الناس فی الدنيا الفانیة اربعة:

الغنى و الدعة و قله الاهتمام و العز

فاما الغنى فموجود فى القناعة فمن طلبه فى الكثر المال لم يجده

و اما الدعة فموجود فى حضة المحما فمن طلبها فى ثقله لم يجدها

و اما قله الاهتمام فموجود فى قله الشغل فمن طلبها فى كثرة لم يجدها

و اما العز موجود فى خدمت الخالق فمن طلبه فى خدمت مخلوق لم يجدها

خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۷

^۲ پایه‌های روابط اجتماعی، ص ۲۱۶

است که خود را اسیر قیودات خشک زندگی نکند که هر صبحی لوازم منزل عوض شود و دنبال مدل جدید باشی و و اگر می‌خواهی غم و غصه نداشته باشی از چند شغل داشتن پرهیز و به یک کار مفید بسنده کن و شغل‌های زیاد باعث دلشادی و سعادت نمی‌شود. و اما عزت و عظمت اگر می‌خواهی در جامعه عزیز باشی بدان عزت در بندگی خداست که خداوند فرمود: هر کسی سرافرازی می‌خواهد باید آن را از خدا بخواهد.^۱

اسلام دارای دیدگاه بلندی است و به همه‌ی نژادها و قشرهای جامعه توجه دارد و در تأمین نیاز- های زندگی آنان برنامه‌ریزی بلند و والایی دارد. یکی از این برنامه‌ها تنظیم رابطه در چهار موضوع که زندگی مطلوب و سعادت دو جهان را به دنبال دارد عبارت است از:

۱- رابطه شناخت خداوند و وظیفه‌ی ما در برابر او

۲- شناخت خود و وظیفه در ساختن خود

۳- رابطه‌ی انسان با مردم و افراد جامعه

۴- در رابطه با شناخت پدیده‌های آفرینش و وظیفه‌ی او در قبال آنان

اگر هر کدام از چهار موضوع نادیده گرفته شود اسلام و ایمان فرد مسلمان کامل نیست. توضیح این بیان را از عالم آل محمد (ص) حضرت امام صادق (ع) استفاده می‌نمایم. فرمود: خداوند به آدم (ع) پیام فرستاد که ای آدم همه‌ی علم و دانش در چهار جمله برایت فراهم می‌نمایم. پس نیک بنگر و درس بگیر. آدم (ع) عرضه داشت خدایا این چهار برنامه کدامند؟ خداوند فرمود: یکی ویژه و مخصوص من است و دیگری مخصوص تو و سومی در رابطه‌ی متقابل میان من و تو و چهارمی رابطه‌ی متقابل میان تو و مردم. آدم گفت: خدایا، آن چهار برنامه را به روشنی برایم بیان فرما تا آن‌ها

^۱ من کان یريد العزه فالله العزه جميعاً

سوره‌ی فاطر، آیه ۱۰

را بشناسم و وظیفه‌ی خویش را بدانم. خداوند فرمود: اما آنچه ویژه‌ی من است اینکه تنها مرا بپرست و برای من همتا و شریک نگیری و آنچه ویژه‌ی توست اینکه من به عملکرد تو پاداش دهم که از هر چیز دیگر بدان نیازمندتری و برایت کارسازتر باشد و آنچه بین من و تو است اینکه تو دست نیایش به درگاه من برداری و من خواسته‌ی تو را برآورم و آنچه بین تو و مردم است اینکه هر چه برای خود می‌پسندی همان را برای مردم بخواه.^۱ منظور این است که حضرت آدم از خداوند توضیح خواست که بداند چه باید کرد. لذا آمد که آنچه باید نسبت به خداوند فکر کنی بندگی داست یعنی عبادت فقط برای خدا باشد نه هوا و هوس پس در گرو کسی نباش و در گرو خدا باش زیرا تو بنده‌ی خدایی و به او بیندیش و تفکر کن. و آنچه هم مال خود انسان است جزا و پاداش در فردای قیامت است مطابق عملی که انجام داده است. امروز هر چه توانستی عمل کنی فردای قیامت پاداش را از خدا طلب نما یعنی به کسی که عملی انجام نداده مزد نمی‌دهند و انشای نانوشته را نمره نمی‌دهند. لذا می‌فرماید ای انسان به خودت فکر کن تا در قیامت گرفتار نشوی و نکند از این دنیا با دست خالی بروی و تو محتاج‌ترین فرد به عملت خواهی بود و هیچ‌کس از بستگان و دوستان کاری برای تو نمی‌توانند بکنند مگر عمل خودت. و آنچه باید میان من و تو باشد این است که تو دعا کنی و از من بخواهی و من هم خواسته‌ی تو را برآورم پس از تو دعا و از من اجابت و پل ارتباط بین خدا و بنده دعاست و باید با زبان و قلب پاک باشد نه آلوده به معصیت. و آنچه میان تو و مردم باید

^۱ عن ابی عبدالله (ع) قال اوحی الله عزوجل الی آدم (ع) انی سأجمع لک الکلام فی اربع کلمات. قال یا رب و ما هن؟ قال واحده لی و واحده

لک و واحده فیما بینی و بینک و واحده فیما بینک و بین الناس

فقال یا رب بینهن لی حتی اعملهن. فقال اما التی لی فتعبدونی و لا تشرک بی شیئاً. و اما التی لک فاحزبک بعلمک احوج ما تکنون الیه. و اما التی بینی و بینک فعلیک الدعاء و علی الاجابه. و اما التی بینک و بین الناس فترضی للناس ما ترضاه لنفسک.

خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۶۸

باشد این است که چیزی را که برای خودت می‌پسندی برای جامعه هم بی‌پسندی پس آنچه دوست نداری نسبت به شما رفتار کنند تو هم آن رفتار را با دیگران مکن.^۱

بهترین ابزار برای رسیدن به کمال و سعادت را کتاب زندگی دو جهان قرآن کریم این‌گونه بیان می‌نماید: بگو ای پیامبر، من همانند شما بشری هستم که به من وحی می‌شود که خدای شما تنها خدای یکتاست. هر کسی که به دیدار پروردگارش امید بسته باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد و برای او هم‌تا نگیرد.^۲ کسی که آرزومند است تا خدای خویش را با سربلندی و عزت ملاقات کند و در سایه‌ی رحمت او قرار گیرد باید عمل صالح انجام دهد. کار نیک و سخن و گفتار نیک بهترین ابزار و وسیله برای رسیدن به کمال مطلوب است.

انسان‌ها در جوامع اسلامی برای یک زندگی معقول و مطلوب و سالم در این دنیا و در جهان آخرت به آگاهی و دانشی مخصوص زندگی و چگونگی جوشش با مردم نیازمندند، دانشی که برای تأمین زندگی سالم در این جهان و جهان آخرت ما را راهنما باشد و برای ما معرفت ایجاد کند تا در سایه‌ی آن شناخت و معرفت بتوانیم توان‌ها را ارزیابی و در چگونه استخدام نمودن ابزارها و امکانات مادی و طرز استفاده از آن‌ها و بهره‌برداری برای هر دو جهان آماده شویم. این کار، کار دانش و علم است. چون بحث تربیتی است و آثار فرهنگی و سازنده‌اش بسیار مهم است به کلام امیرالمؤمنین علی(ع) که در این خصوص بیان فرمودند مراجعه می‌نماییم. از علی(ع) سؤال شد دانش و علم کدام است. فرمود: دانش چهار کلمه است یعنی اصول و ارکان علوم و دانش از این چهار قسم بیرون نیست. انسان این آگاهی را پیدا کند که چه مقدار از زمان باید به خدا وابسته باشد

^۱ پایه‌های روابط اجتماعی، محمد تقی ناطقی، ص ۲۲۵

^۲ قل انما بشر مثلکم یوحی الی انما الهمکم اله واحد فمن یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربه احداً

سوره‌ی کهف، آیه ۱۱۰

و تا کجا باید بنده‌ی خدا بوده و بندگی کند. علی(ع) در جواب پرسش فرمود بنگر که چقدر برای زندگی در این عالم احتیاج داری همان مقدار فرمان خدا را ببر.^۱

وابستگی انسان به خداوند به چه مقدار است؟

برای زنده ماندن به هوا و اکسیژن نیازمندیم که از آن خداست و به هر کجای آسمان و زمین و اقیانوس‌ها سفر کنی از آن خداست. کشاورز برای کشاورزی به آب و باران و چشمه‌ساران محتاج است که از آن خداست و نام اجزاء و جوارح که در اختیار داریم از آن خداست و هر چه داریم که از آن خداست. هر اندازه که به خدا احتیاج داری خدا را عبادت کن و بندگی نما. از لحظه‌ای که در شکم مادر به صورت جنین درآمدیم و پیش از آن و بعد از آن در هر لحظه لحظه‌ی زندگی لطف و محبت و عنایت را تا همین دم که داریم نفس می‌کشیم احساس می‌کنیم غرق در نعمت‌های الهی هستیم به قدری که اگر یک لحظه استمرار عنایت او نسبت به ما قطع شود ادامه‌ی زندگی غیرممکن است. چه مطلب مهمی را حضرت علی(ع) با ساده‌ترین بیان طرح فرموده است. نطفه‌های زنده در داخل تخم‌مرغ هم به غذا و هم به هوا و اکسیژن نیاز دارد. اگر یک لحظه هوا نباشد از بین می‌روند. با اینکه تخم‌مرغ یک قلعه‌ی دربسته است که از هر سو و هر جا پوشیده است در عین حال هوا و غذا در آن به قدر لازم و ضروری وجود دارد. در ساختمان تمام موجودات عالم این نیاز از جانب مخلوق است و کرامت از طرف خالق استمرار دارد که انسان هم یکی از این موجودات است که در

^۱ سئل علی عن العلم. فقال اربع کلمات. ان تعبد الله بقدر حاجتك اليه و ان تعصيه بقدر صبرک علی النار و ان تعمل لدنیاک بقدر عمرک

فیها و ان تعمل لآخرتک بقدر بقائک فیها

از علی(ع) پرسیده شد علم چیست؟ فرمود چهار کلمه است. خدا را بقدر نیازت به او عبادت کنی. نافرمانیت به اندازه‌ی تحمل بر آتش جهنم باشد. کار و تلاشت به اندازه‌ی عمر در دنیا باشد. کار و تلاشت برای آخرت به اندازه‌ی بقاء و ماندگاریت در آنجا باشد.

مجموعه ودام، جلد ۲، ص ۳۷

هر لحظه سایه‌ی کرامت خالق بر سر او می‌درخشد پس در تمام لحظات زندگی به خدا نیازمندیم بنابراین بندگی و اطاعت هم باید در تمام لحظات زندگی ادامه یابد.

حضرت در ادامه فرمود: شما چقدر می‌توانید در آتش استقامت کنید و بسوزید به همان اندازه آزادانه نافرمانی کنید. اگر ما یک دقیقه قدرت ماندن در آتش را نداریم پس حق نداریم خدا را معصیت کنیم و این دومین دانشی است که انسان به آن نیازمند است.

سوم چقدر می‌خواهی در این دنیا بمانی (چند سال)؟ به قدر ماندن کار کن. یعنی تمام قدرت و فرصت و هوش برای این دنیا شد. بلکه هم برای زندگی این عالم و هم برای زندگی در جهان آخرت کار کن و هر کدام طولانی‌تر است بیشتر وقت را برای آن صرف کن. روشن است که خانه‌ی آخرت دائمی و زندگی این جهان موقت است. درست مانند مسافری که ده روز یا یک ماه در جایی اقامت می‌کند، به همان اندازه امکانات به همراه می‌برد. امکانات و وسایل زندگی کسی که در شهر خود زندگی می‌کند با اقامت کوتاه‌مدت به مراتب فرق دارد و کسی که ۲۰ روز جایی می‌ماند هرگز به قدر ۲۰ سال امکانات با خود به همراه نمی‌برد.

حضرت فرمود: دانش سوم آن است که انسان بفهمد و این شناخت را پیدا کند که چه فرق است بین زندگی این دنیا و جهان آخرت و در جهان آخرت چه مقدار ابزار زندگی لازم است مطابق آن خانه‌ی خود را آماده و آن را مجهز نماید.

چهارمین سؤال برای خانه‌ی آخرت آن اندازه کار کند که دائمی باشد یعنی اسباب و لوازم دائمی تهیه کن نه موقت. پس نمی‌ارزد انسان برای زندگی موقت و کوتاه حیثیت و شرافت دینی خود را زیر سؤال ببرد و برای همین زندگی کوتاه دروغ، رشوه، خیانت، به درد آوردن دل دیگران، تباه

کردن زندگی این و آن و صدها گناه و خلاف دیگر به همراه ببرد و خانه‌ی آخرت را خانه‌ای تاریک و ظلمانی و به جهنمی سوزان تبدیل کند.

و حضرت علی(ع) هم این چهار دانش را ضروری قلمداد می‌کند. دانش واقعی آن است که آسایش دو گیتی را برای انسان فراهم نماید.

فصل سوم

نماز جمعه از دیدگاه آیات و روایات

نماز گوهری ارزشمند

در بینش اسلامی انسان دارای خصوصیتی است که دیگر موجودات عالم آفرینش از ویژگی‌های آن بی‌بهره‌اند، و به همین دلیل است که به او فضیلت (کرمتا) بخشیده‌اند و ظرف جانش را اسماء الله ساخته‌اند و در شکل به احسن تقویم تکریمش نمودند و بر شمایلش ردای احسن‌الخالقین پوشاندند.

انسان در برابر تمامی زیبایی‌ها و نعمت‌هایی که خالق منان به او عطا نموده خود را مدیون می‌داند و سعی دارد با سپاس و تشکر خویش از منعم مهربان به گونه‌ای ابراز شکر نماید و این سپاسگزاری در آیین حیات‌بخش اسلام در شکل عبادت و عبودیت به انواع و اقسام گوناگون تبلور یافته است.

در قرآن کریم این گونه بیان فرمود: {و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون}^۱

بلکه بر بندگان جودی کنم

من نکردم خلق تا سودی کنم

^۱ سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۶

جن و انس برای عبودیت آفریده شده‌اند.

و بهترین و ارزشمندترین شکل عبودیت و زیباترین نوع سپاسگزاری در برابر معبود نماز است.

نماز اوج خضوع و خشوع بنده و عبد در پیشگاه مولاست.

نماز نوعی انعکاس خواسته‌ها و نیازمندی‌های فقیر در پیشگاه غنی بالذات است و ایجاد و برقراری پیوند یک مخلوق با عالم آفرینش و آفریننده‌ی هستی است.

نماز گشایش دریچه‌ای است از عالم ماده به جهان ماوراء ماده و تفسیری از فلسفه‌ی خلقت بشر.

نماز نفی حاکمیت و طرد سلطه‌ی طاغوتیان و تثبیت حاکمیت الله است و باید مالکیت قادر سبحان و مربی حکیم و عظیم موجودات جهان را در آئینه‌ی نماز مشاهده کرد.^۱

نماز ذکر و یاد خداست و حرکت انسان از خاک به سمت ملکوت و پیوند دادن انسان به خالق، لذا اولین دستور و امر الهی به بنده‌ی خود نماز است که رسول اکرم (ص) فرمود: (اول ما افترض الله علی امتی الصلاة الخمس اول ما یرفع من اعمالهم الصلاة الخمس و اول ما یستلون عنه صلاة الخمس) (اولین واجب و دستور خدا بر امت من نماز پنج‌گانه است (ظهر، عصر، مغرب، عشاء و صبح) و اول چیزی که اعمال ما را بالا می‌برد نماز پنج‌گانه است و اول چیزی که از آن پرسش می‌شود (روز قیامت) نماز پنج‌گانه است).^۲

نماز گوهر بسیار ارزشمندی است که باید در حفظ آن کوشید که سفارش مولای متقیان است که فرمود: (اوصیکم بالصلاة و حفظها فانها خیر العمل و هی عمود دینکم) (سفارش می‌کنم شما را به نماز و

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۲۸

^۲ کنز الأعمال، جلد ۷، حدیث ۱۸۸

حفظ و حراست از آن زیرا بهترین عمل است و پایه و اساس دین شما)^۱ و همواره اشیاء قیمتی در معرض خطر سرقت و دستبرد راهزنان طماع است.

و بیان شد که نماز ارزشمندترین گوهر در دسترس انسان است تا به وسیله‌ی آن به کمال و سعادت برسد، چنین گوهری دزدان نابکاری در کمین آنند تا او را ضایع و سرقت نمایند. و شیطان این دشمن نابکار در کمین است تا این سرمایه‌ی ارزشمند را ضایع و با ایجاد دشمنی و حيله ان را برباید. قرآن کریم می‌فرماید: {انما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر و يصدكم أن ذكر الله و عن الصلاة فهل أنتم منتهون}^۲

نماز پاک‌کننده‌ی زندگی و اعمالی است که نشانه‌ی ایمان به خدا و دوری از آلودگی‌ها که از جان و تنش می‌زداید، از آنجا که نماز سیر انسان به ملکوت است (الصلاة معراج المؤمن) و راز و نیاز با معبود که فرمود: {اقم الصلاة لذکری}^۳. نماز یاد خداست و این یاد یک‌طرفه نیست چرا که خود فرموده: {فاذکرونی اذکرکم و اشکرونی و لا تکفرون}^۴.

^۱ بحار، جلد ۸۲، ص ۲۰۹

میزان‌الحکمة، جلد ۵، ص ۴۶۸

^۲ شیطان قصد دارد به وسیله‌ی شرب خمر و قمار بین شما ایجاد دشمنی کند و یاد خدا و نماز را از شما بگیرد. ایا شما به خواسته‌ی او عمل می‌کنید؟

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۱

^۳ به یاد من نماز اقامه کنید.

سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۴

^۴ یاد من کنید تا یادتان کنم.

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۲

یاد انسان‌ها خدا را مشخص است که توجه یک نیازمند و محتاج به کسی که قادر مطلق است و غنی و بخشنده و همه‌ی انسان‌ها را به سوی فیض خود فراخوانده تا رفع نیاز کنند و خوشه‌ای از خرمن فضل و رحمتش بردارند. {یا ایها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی الحمید}^۱ از این کلام وحی ارزش ذکر و یاد خدا بدست می‌آید که نماز چه سرمایه‌ی جاودانی است که اگر از دست برود چیزی برای انسان باقی نمی‌ماند.

انسان نمازگزار باید به این نکته توجه کند که نماز را ظاهری و باطنی است و سیرتی و صورتی و باید تمام تلاش را بر این موضوع متمرکز نماید و با انجام حرکات و بیان کلماتی خاص به آن دسترسی پیدا کند تا از روایت نماز به درایت آن برسد.

نمازگزار در برابر معبود خود می‌ایستد و با او متواضعانه سخن می‌گوید. در چنین شرایطی باید حضور معبود را در قلب خود شاهد باشد که رسول اکرم (ص) فرمودند: (لا صلاة لمن لا تخیش فی صلاته) (نماز بدون حضور قلب نماز نیست و با فروتنی تمام باید متوجه پروردگار بود).^۲

آنچه مورد قبول تمامی عقلاست این است که خداوند و آفریننده‌ی جهان هستی حکیم است و آنچه از ساحت مقدس او صادر می‌شود بیهوده و عبث نیست زیرا هر حکیمی کارش را با هدف انجام می‌دهد و چون ذاتاً خالق متعال غنی مطلق است هیچ فعلی و کاری نمی‌تواند هدف ذات حق باشد زیرا لازمه‌ی آن این است که بدون آن کار و هدف کامل نبوده و باید با آن هدف کامل شود در حالی که واجب‌الوجود عین کمال و نامحدود است و کمالی خارج از ذات وی فرض نمی‌شود.

^۱ انسان‌ها نیازمند اویند و او غنی و بی‌نیاز

سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۵

^۲ میزان‌الحکمة، جلد ۷، ص ۳۱۰۶

پس باید جهان امکان منزّه از هدف باشد چرا که خود او عین هدف هر موجودی است همان‌طور که عین مبدأ هر موجودی است اما خود جهان دارای هدف وجودی است که به آن نائل می‌شود؛ گرچه عده‌ای از وجودات در بین راه از گزند برخورد ناگوار مصونیت ندارند.

هدف جن و انس در نظام تشریع

هدف انس و جن در نظام تشریع، تکامل عبادی آن‌هاست و اگر انسان که دارای روح مجرد عقلی است آن را شکوفا کند و از همراهان خود سبقت بگیرد خودش هدف بسیاری از موجودات مادون قرار می‌گیرد. هر چند هدف نهایی همه‌ی آن‌ها خداوند است لکن همان‌گونه که در قوس نزول نخستین صادر جوهر عقل است در قوس صعود کامل‌ترین بازگشت‌کننده جوهر عاقل است.

یعنی مواد امکان از عقل شروع می‌شود و به عاقل ختم می‌گردد و این مطلب نه بر پندار عقول عشره و مانند آن است بلکه بر اساس تشکیک وجود است که حکمت متعالیه آن را می‌فهمد و عرفان متعالیه آن را می‌بیند.

عبادت درجات فراوانی دارد که برخی هدف میانگین و بعضی هدف نهایی می‌باشند و چون عقل محدود است و شهود نامحدود، عبادت‌های عملی محدود و عبادت‌های شهودی نامحدود شمرده شده است و سر محدود بودن عبادت‌های عملی آن است که قلمرو تکلیف با انتقال از دنیا به آخرت تمام می‌شود ولی منطقه‌ی شهود همچنان ادامه دارد و تکامل‌های عملی که توسط فعل اختیاری انسان بدست می‌آید در قیامت محو می‌شوند اما تکامل علمی که به افاقه‌ی خدای سبحان بدست می‌آید همواره میسور است، و بسیاری از پرده‌های غیب پس از مرگ برطرف می‌شود تا آنچه نادیدنی بود مشهود گردد.

لذا قرآن کریم هدف آفرینش جهان خلقت را آگاه شدن انسان به قدرت و علم بیکران خداوند می‌داند که فرمود: خداوندی که هفت آسمان را آفرید و مانند آن هفت طبقه‌ی زمین را خلق کرد و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل فرمود تا بدانید که خداوند بر هر چیز توانا و به احاطه‌ی علمی بر همه‌ی امور آگاه است.^۱

گرچه علم حصولی و یقین استدلالی در حد خود کمال علمی به شمار آمده و هدف قرار می‌گیرند لکن نسبت به علم حضوری و یقین شهودی وسیله محسوب می‌شوند که فرمود: حقا اگر به طور یقین می‌دانستید البته دوزخ را مشاهده خواهید کرد، و سپس به چشم یقین می‌بینید. یعنی با علم یقین می‌توان به عین‌الیقین رسید.^۲

بنابراین می‌توان یقین شهودی به معارف را هدف نهایی آفرینش انسان دانست که همواره به عبادت متکی است گرچه نحوه‌ی اعتماد آن بر عبادت در هر نشئه‌ی مناسب با همان نشئه است یعنی در دنیا به متن عبادت‌های تشریعی تکیه دارد و در آخرت به باطن آن که ظاهر می‌شود متکی است. از آنجا که دنیا منزل عوالم بالاست، هرچه در این عالم است نمونه‌ای از آنچه در عالم معناست. احکام و قوانین الهی هم در دنیا که به صورت دین و دستورات عبادی ظهور کرده اسرار و باطنی دارد.

^۱ الله الذی خلق سبع سماوات و من الارض مثلهن یتنزل الأمر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علماً

سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۱۲

^۲ کلا لو تعلمون علم یقین لترون المجیم ثم لترونها عین الیقین

سوره‌ی تکوین، آیه‌ی ۷

عبادت که هدف آفرینش انسان تعیین گردیده دارای حکمتی است و حکمت عبادت غیر از آداب و احکام عبادت است. احکام عبادات و واجباتی است که در کتب فقهی بیان شده از قبیل وضو که چگونه انجام بگیرد و نماز که چگونه خوانده شود و واجبات چیست؟ ارکان نماز کدام است؟ و

و نیز عبادات آدابی دارد که تعدادی از آن‌ها را در کتب فقهی به نام مستحبات و مقداری هم در کتب اخلاقی بیان شده. اما در حکمت عبادت که انسان با سر عبادت محشور می‌شود باید بحث شود که نه در کتب فقهی آمده و نه در کتب اخلاقی و روشن است که آداب نماز غیر از سر و حکمت نماز است و فرموده‌اند حکمت نماز را یاد بگیرید و بدان عمل کنید.^۱ نماز خواندن و وضو ساختن و روزه گرفتن و دیگر تکالیف از احکام الهی است و عمل به هر یک از احکام باید در صدد حکمت آن‌ها نیز باشیم.

نه تنها در عبادات بلکه در القاب و اوصاف معصومین (علیهم‌السلام) هم حکمتی غیر از معانی ظاهری است. ما موظفیم این کلمات را بر زبان جاری کنیم اما باید به دنبال این باشیم که باطن این کلمات و حکمت عبادات و الفاظ چیست؟ شخصی از امام صادق (ع) پرسید: چرا رسول خدا را ابو القاسم (پدر قاسم) می‌نامند؟ فرمود: برای اینکه حضرت فرزندی داشت به نام قاسم و چون پدر قاسم بود می‌گفتند ابو القاسم. راوی عرض کرد این را می‌دانم. کمی روشن‌تر بیان کنید. حضرت فرمود: چون علی بن ابیطالب (ع) قسیم جنت و نار است قاسم است یعنی قسمت‌کننده‌ی بهشت و جهنم در قیامت. آن حضرت به اذن خدا جهنمی‌ها را به جهنم و بهشتی‌ها را به بهشت فرا می‌خواند پس علی (ع) قاسم است و چون خداوند علی (ع) را در همان دوران کودکی به دامان پیامبر (ص) منتقل کرد و از همان اول رسول خدا (ص) معلم و علی (ع) شاگرد بود و هر شاگردی فرزند استاد

^۱ معانی الاخبار، صفحه‌ی ۵۲، حدیث ۳

به‌شمار می‌آید. پس علی (ع) به منزله‌ی فرزند پیمبر است لذا او را ابو القاسم نامیده‌اند. این معنا از حکمت این کنیه است و هر کسی نمی‌تواند این معنا را بفهمد.

بنابراین آنچه از تعبیرات معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان الفاظ عبادات آمده این است که آن حضرات به اندازه‌ی فکر و درک ما سخن گفته‌اند نه اینکه حقیقت نماز و عبادات همین است که ما انجام می‌دهیم بلکه پشت پرده‌ی این الفاظ و معانی حقایقی است که اگر فکر را توسعه بدهیم ماوراء این الفاظ مطالب دیگری را هم کم و بیش می‌فهمیم زیرا رسول اکرم (ص) فرمود: ما موظفیم با مردم به اندازه‌ی فکر و دانش آن‌ها سخن بگوییم^۱.

امام سجاد (ع) بر منبر شام فرمود: انا بن مکة و منی. انا بن زمزم و صفا. من فرزند مکة و منی هستم و فرزند زمزم و صفا هستم. یعنی عباداتی که باید در مکة و منی انجام بگیرد من به آن‌ها رسیده‌ام و آن عبادات مرا به آنجا رسانده است نه اینکه من فرزند سرزمین مکة و منی هستم. آن‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند فرزند آن سرزمین هستند و فرزند منی نیستند. ابراهیم خلیل (ع) که فرزند قربانی می‌کند و اسماعیل (ع) که قربانی می‌شود فرزند منی هستند. سید الشهداء که از مکة برگشت و دیگر به معشر و منا و عرفات نرفت و در کربلا قربانی شد. امام سجاد فرمود من فرزند منی هستم. کسی که حاضر است بهترین شهدا را نثار کند تا دین خدا محفوظ بماند او به حقیقت قربانی رسیده و فرزند منا است گرچه در منا نبوده باشد.

خداوند در بیان حکمت قربانی می‌فرماید که این قربانی ظاهری و باطنی دارد. ظاهر آن به خدا نمی‌رسد بلکه باطن آن برای اوست. گوشت قربانی و کشتن گوسفند و شتر به خدا نمی‌رسد ولی

^۱ إنا معاشر الانبياء أمرنا أن نتكلم أن نتكلم الناس على قدر عقولهم

تقوایی که در قربانی و در درون و حکمت این عبادت است به خدا می‌رسد.^۱ یعنی نیت پاک انسانی که متقی است در هنگام ذبح قربانی شرط است. در جاهلیت وقتی قربانی می‌کردند مقداری از گوشت قربانی را به دیوار کعبه آویزان می‌کردند و مقداری از خون را به دیوار کعبه می‌مالیدند تا قبول شود. اسلام خط بطلان بر این افکار کشید. پس انسان متقی می‌کوشد به باطن عبادات برسد.

چگونه می‌توان به حکمت عبادات راه یافت؟

راه رسیدن به حکمت عبادات آن است که عابد جز معبود را نبیند و رکن اساسی این است که انسان چیزی را جز حق دوست نداشته باشد. در این صورت نگران نیست زیرا چیزی از دست رفتنی است که مورد علاقه نباشد و هر چه مورد علاقه است از دست رفتنی نیست. از این جهت غم و اندوهی به سراغ عابد و عاشق نمی‌آید.

انسان گاهی از گذشته غمگین و از آینده نگران است. اگر کسی از گذشته آینده نجات پیدا کرد دیگر سخن از گذشته و آینده نیست. از زمان بالاتر آمده و روی گذشته و آینده پا گذاشته است و چیزی که قبلاً از دست نداده تا غمگین شود و بعداً هم چیزی را از دست نمی‌دهد تا اکنون ترسناک باشد.

ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) خدا را عبادت می‌کردند چون او را دوست داشتند و اهل عبادت یافته بودند و خداوند آرزوی مشتاقان است. (یا أمل المشتاقین)^۲

^۱ لن ینال الله لحومها ولا دماؤها ولكن ینالها التقوی منكم.

سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۶

^۲ مفاتیح الجنان - قسمتی از دعای روز نهم ماه مبارک رمضان

شوق آن است که انسان را به سوی خدا بکشد نه اینکه هدف بهشت باشد. "أمل" آرزویی است که انسان را بی‌تاب کرده و به تب و تاب وادار نماید. انسان گاهی امیدوار است و گاهی آرزومند. شوقی که متعلقش باطل باشد شوقی کاذب است و شوق صادق آن است که تنها متوجه خدای سبحان باشد به طوری که ابتدا خدا مورد اشتیاق و سپس مورد عشق قرار گیرد.

و فرق این دو این است که شایق کسی است که ندارد و می‌طلبد و عاشق کسی است که رسیده و آن را نگه می‌دارد. انسان تشنه‌ای که به دنبال چشمه می‌رود می‌گویند او مشتاق چشمه است و اما وقتی به آب رسید می‌گویند او عاشق چشمه است.

رسول اکرم (ص) فرمود: بهترین مردم کسی است که عبادت را معشوق خود بگرداند. با عبادت معانقه کند و آن را با تمام وجود لمس کند و خود را برای آن فارغ سازد آنگاه نگران نخواهد بود که دنیا به سختی بگذرد یا به آسانی.^۱

گفته‌اند عشق واژه‌ی عربی است از گیاه خاصی که عشقه نام دارد مشتق شده که در فارسی به آن گیاه پیچک می‌گوییم. این گیاه وقتی به بدنه‌ی درخت چسبید دیگر آن را رها نمی‌کند تا آنکه آن درخت زرد و برگ‌هایش بریزد و سرانجام خشک بشود عاشق به چنین انسانی می‌گویند.

باید عاشق عبادت بود

عبادت کردن مهم نیست. عاشق عبادت بودن مهم است و نماز و باطن آن را دوست داشتن مهم است. جنگ کردن مهم نیست. مهم آن است که جهاد فی سبیل الله را دوست داشته باشد. همه‌ی

^۱ قال رسول الله (ص): افضل الناس من عشق العبادۃ فعانقها و أحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها، فهو لا يبالي على ما أصبح من الدنيا على عسر ام على اليسر.

کافی، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۳، حدیث ۳

جنگ‌آوران جهان محو شدند و نام رزمندگان اسلام در جهان مانده و برای همیشه می‌ماند. مگر در حمله‌ی مغول کشتار وحشیانه کم بود؟ چه انسان‌هایی را که پوست سرشان را کردند و آن‌ها را پر از کاه روی نی‌ها قرار دادند. چرا؟ فقط در کتب تاریخ دفن شدند. چرا این حرف‌ها باقی نماند؟ چون روح و باطنی ندارد دفن می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند.

اما رزم‌آوران اسلامی تاریخ را متوجه خود می‌کنند چون جنگشان دارای روح است و برای دنیا و مقام و برای خود نیست. کسی که برای خاک می‌جنگد خورش به اندازه‌ی خاک می‌ارزد و اگر برای خدا بود ثارالله است و خون او یاد خداست.^۱

نمازگزار و روزه بگیر برای ابد زنده است. و بین کسی که می‌گوید من نماز می‌خوانم و فرمایش سیدالشهدا (ع) که می‌گوید من نماز را دوست دارم فرق بسیار است.

در روایتی امام صادق (ع) فرمودند: اگر برای مؤمن زهد و ورع جمع شد من امید بهشت دارم. من دوست دارم که نماز را با توجه به خداوند بخوانید و چیزی شما را مشغول نکند. پس مؤمنی نیست که قلبش رو به خدا کند جز اینکه خداوند به او روی نماید و دل‌های مؤمنان را جایگاه محبت خود قرار دهد.^۲

^۱ حکمت عبادات، ص ۳۵

^۲ عن الصادق (ع): لا يجمع الله مومن من الورع و الزهد في الدنيا إلا رجوت له الجنة و إني لأحب الرجل المومن منكم اذا قام في الصلاة أن تقبل بقلبه الى الله تعالى و لا يشغله بأمر الدنيا. فليس مؤمن يقبل بقلبه في صلاته الى الله الا قبل الله اليه بوجه و اقبل بقلوب المؤمنين اليه بالمحبة بعد حب الله اليه

امالی مفید، صفحه‌ی ۶۵، مجلس ۱۸

نظر اولیاء خدا به جهان توحیدی و عبرت آموزی است. اولیای خدا وقتی به جهان می‌نگرند نظرشان با نظریه توحیدی همراه است. عبرت می‌گیرند و عبرت گرفتن یعنی عبور از صفات بد به صفات خوب. اگر کسی در برخورد با حوادث روزگار از صفات بد به صفات خوب عبور نکند نمی‌گویند او عبرت گرفته می‌گویند تماشا می‌کرد ولی اگر از صفات بد به صفات خوب عبور کند می‌گویند عبرت گرفت. اینان نظرشان نظر عبرت آموزی است، اهل ذکر هستند، و زبانشان به یاد حق گویا است.

و همان‌طور که خداوند قرآن را که سراسر حکمت است ذکر می‌نامد، ارشاد و تعلیمات اولیاء خدا نیز حکیمانه و حرکتشان میان مردم هم موجب برکت و آموزنده است که انسان چگونه زندگی کند و مجری فیض حق باشد. برکات الهی به وسیله‌ی آنان بر امت اسلامی نازل می‌شود و خط و مشی آنان برکت است در مقابل کسانی که مشی و حرکتشان روی شکم است که فرموده است: (و منهم من یمشی علی بطنه)^۱. یعنی مانند خزندگان تمام تلاششان این است که برای شکم کار کنند.

بعضی اصحاب امام رضا(ع) در قم حضور داشتند. یکی از آنان زکریا بن آدم است. وی نامه‌ای نوشت به امام که رجال علمی و بزرگان قم رحلت کرده‌اند و من با نسل فعلی مأنوس نیستم، اگر اجازه فرمایید می‌خواهم از قم بروم. حضرت فرمودند نه هرگز، تو در قم بمان چون وجود تو برای مردم قم برکت است. خداوند سبحان به برکت تو عذاب را از این مردم برمی‌دارد. همان‌طور که به برکت پدرم موسی بن جعفر (ع) عذاب را از اهل بغداد برمی‌دارد.^۲ این مقام اولیاء خداست که مشی و حیات و قرارشان برکت است.

^۱ سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۴

^۲ زکریا بن آدم از بزرگان اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) است و دارای کتابی در حدیث.

مرحوم شیخ طوسی در رساله‌ی آغاز و انجام که درباره‌ی مبدأ و معاد است که انسان از کجا آمده و به کجا می‌رود و در چه مسیری است هنگامی که معنا را تبیین و صراط را معنی می‌کند می‌فرماید آنچه گفته شد که صراط از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر و برنده‌تر است یعنی هم تشخیص دادن وظیفه و هم راه رفتن بر اساس آن دشوار است. پی بردن به وظیفه مانند عبور از راهی است که از شمشیر تیزتر است و از مو باریک‌تر و بعد از تشخیص وظیفه اگر بخواهد بر طبق وظیفه عمل کند مثل آن است که می‌خواهد از راهی که از مو باریک‌تر است و از شمشیر تیزتر عبور کند.^۱

رسیدن به حکمت عبادت کار آسانی نیست. هم در تشخیص راه و هم در پیمودن راه مشکلات بسیار هست. صراط مستقیمی که در نماز از خدا می‌طلبیم (اهدنا الصراط المستقیم) از مو باریک‌تر است و از شمشیر تیزتر. البته وقتی انسان تشخیص داد و پیمود از فرشته فرشته‌خوتر می‌شود و هم فرشتگان خدمتگزار او و درهای بهشت را باز نموده به استقبال مؤمن می‌آیند و می‌گویند (سلام علیکم طیبم فادخلوها خالدین)^۲

حقیقت نماز

عارف عالی‌مقام مرحوم حاج میرزا جواد ملکی می‌فرماید: آنچه از اخبار فهمیده می‌شود این است که حقیقت نماز به وجود شش معنا کامل می‌گردد:^۳

بحار، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۵۱

^۱ رساله‌ی آغاز و انجام، ص ۳۳

^۲ سلام بر شما، چه عیشی نصیب شما شد. حال در این بهشت ابد در آید و جاودان متنعم باشید.

سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۳

^۳ رسالت و جایگاه نماز جمعه، ص ۴۰

اول: حضور قلب و مراد از آن خالی بودن دل از غیر نماز و حضور دل، نزد افعال و اقوال آن است، در این صورت است که فعل و قول مقرون به علم بوده و چنین نخواهد بود که انسان عملی از اعمال نماز را بجا آورد در حالی که فکرش جای دیگر مشغول است و اگر چنین بود حضور قلب حاصل شده است.

دوم: تفهم و دریافت، و مراد از آن این که قلب انسان نیز معانی اعمال (چه قول، چه فعل) باشد و این امری زاید بر حضور قلب است زیرا حضور قلب به حضور دل نزد الفاظ و صورت افعال تحقق می‌یابد گرچه انسان از حقایق آن الفاظ و اعمال و از معانی تدبر در آن‌ها غافل باشد ولی تفهم و دریافتن درک معانی اعمال و اقوال است.

سوم: تعظیم ذات اقدس حق تبارک و تعالی و بزرگداشت عبادت او است.

چهارم: هیبت است که عبادت از خوف و ترسی است که از تعظیم و اخلاص حاصل می‌شود.

پنجم: رجاء به امر خداوند و قبول اوست.

ششم: حیاء، و آن تأمل در هر چیزی است که مخالف با توحید ذات اقدس حق و معرفت اوست و منشأ آن خود را مقصر دانستن و گناهکار پنداشتن است.^۱

این نماز در صورتی مقبول درگاه ذات احدیت قرار می‌گیرد که در طبقی از نور قرار گیرد و فرشتگان الهی به بارگاه معبود ببرند. اولین شرایط مقبولیت اخلاص است.

علی (ع) فرمودند: انک لن یتقبل من عملک الا ما أخلصت فیه.^۱

^۱ اسرار الصلاة، انتشارات پیام آزادی، ص ۳۰۰

اگر قلبی خاشع بود اعضاء و جوارح نیز خاشع خواهد بود. و خشوع به معنی توجه همه‌جانبه و متواضعانه است که نخست در دل به وجود می‌آید و سپس آثارش را در بدن ظاهر می‌شود که رسول گرامی اسلام (ص) مردی را در حال نماز دید که با ریش خود بازی می‌کند فرمود: (أما انه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه.) (اگر این شخص قلبش خاشع و تواضع داشت با ریش خود بازی نمی‌کرد)^۲ و قرآن کریم رستگاری و فلاح مؤمنان را در این می‌داند که نمازشان همراه با خشوع باشد. (قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون)^۳

نماز یاد خدا نسبت به بنده

۱) اولین اثر یاد خدا این است که خدای متعال نیز انسان را یاد می‌کند. (مرا یاد کنی تا شما را یاد کنم.) از اینکه در این آیه‌ی شریفه یاد خدای متعال، منوط به یاد کردن بنده شمرده شده است، یک نکته‌ی دقیق فهمیده می‌شود و آن عبارت است از تصور دو نوع ذکر از طرف خدا:

الف) ذکر عام ب) ذکر خاص

ذکر عام عبارت از هدایت عام الهی است که شامل تمام موجودات می‌باشد و اختصاص به گروه خاصی ندارد و شاهد آن آثار ذکر عام الهی در پهنه‌ی گیتی می‌باشد. و آن اعطای مواهب و عطایای گوناگون خداوند به تمام ممکنات می‌باشد و این یاد همگانی که فیض مستمر الهی است، هرگز قطع

^۱ غرر الحکم

^۲ بحار الانوار، جلد ۸۴، صفحه‌ی ۲۲۸

^۳ سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۲

نمی‌شود. اما ذکر خاص به بندگان خاص و ذاکر تعلق دارد و یک نوع توجه و لطف از جانب خدای متعال.^۱

(۲) روشنی دل

خداوند ذکر خویش را موجب نورانی شدن و بیداری دل‌ها می‌داند. مردن دل و افسردگی از هولناک‌ترین سیه‌روزی‌هاست.

یکی از مؤثرترین عوامل علاج مرگ دل و احیای دوباره‌ی آن، پناه بردن به ذکر خداست؛ ذکر حق نور است و مداومت در آن، قلب را از تاریکی و ناامیدی و قساوت نجات می‌دهد؛ شفافیت و لطافت و درک و شور و عشق به آن می‌بخشد و گرمی و تپش و نشاط تازه در آن می‌دمد.

(۳) آرامش قلب

سومین اثری که باری یاد خدا بیان می‌شود آرامش دل آدمی است. به تعبیر قرآن طمأنینه و سکون قلب از جمله آثار مستقیم یاد خداست. کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خداست، بدانید تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

یاد خدا داروی معنوی اضطراب و افسردگی است که از نظر روان‌شناسی علل آن ترس، آینده‌ی مبهم، نگرانی از شکست خوردن، ترس از بیماری‌ها و نگرانی از عوامل طبیعی می‌باشد. قرآن مجید تنها نسخه‌ی شفابخش اضطراب را یاد خدا می‌داند و تنها پاسخ ندای فطرت را ذکر یاد خدا می‌بیند. ولی مقصود ذکر قلبی همراه نیست، ممدوح نمی‌شمارد بلکه مذموم می‌داند. درباره‌ی نماز می‌فرماید:

^۱ حکمت عبادات، ص ۲۷۱

نماز را با یاد من اقامه کن. و در سوره‌ی ماعون می‌فرماید: وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند. معلوم می‌شود اگر کسی نماز بخواند، هرچند که ذکر خدا بر زبانش جاری است ولی غافل باشد و نداند چه می‌گوید، کارش زار است.

۴) خشیت و ترس از خدا

از جمله آثار یاد خدا برای مؤمنان، خداترسی و خشیت می‌باشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: {انما المؤمنین الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم} (تنها مؤمنان هستند که هرگاه یاد خدا به میان آید، دل‌هایشان ترسان شود).^۱

۵) بصیرت یافتن و شناخت شیطان

یکی از عوامل اصلی سقوط انسان و سیه‌روزی او، افتادن به دام‌های ناپیدای شیطان است و ذکر حق به انسان بصیرتی می‌دهد که وسوسه‌های پنهان و دام‌های ناپیدای شیطان را به سهولت بشناسد و در دام او نیفتد.

۶) بخشش گناهان

از آثار و ثمرات اخروی یاد خداوند، مغفرت الهی می‌باشد که شامل حال یادکنندگان خدا می‌گردد و اضافه بر آن، خداوند وعده‌ی اجر و پاداش بزرگ نیز به ایشان داده است.

^۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲

(۷) حکمت و علم

یکی دیگر از ثمرات ذکر، پختگی عقل و کمال و حکمت است. ذکر باعث فروزان شدن قوه‌ی ادراک انسان و جوشش فکر و اندیشه می‌شود. جان فرد شایستگی این را پیدا می‌کند که منعکس-کننده‌ی حقایق غیبی در خود گردد و خداوند به اندیشه و عقل این افراد می‌رساند.

(۸) عشق به خداوند آرامش در مدیریت

اگر ما به مرحله‌ای از شناخت خداوند برسیم که روشنایی او ما را احاطه کند، عشق به او ما را دربرگیرد، نیروی او از ما حمایت کند و حضور او مراقب ما باشد، به این درک خواهیم رسید که هر جا هستیم، خداوند نیز آنجاست و ناظر بر عملکرد ماست. زمانی که انسان احساس کند به خدا نیاز دارد، برمی‌خیزد، در را باز می‌کند و می‌گذارد خداوند در دل او ظاهر می‌شود. سپس از اعماق قلب خویش فریاد برمی‌آورد که: خداوند! به تو نیازمندم. نمی‌توانم بی تو زندگی کنم. چقدر زیباست اگر انسان، هر کار کوچکی که انجام می‌دهد، هر اندیشه‌ای که می‌کند، هر کلامی که بر زبان می‌آورد و هر نفسی که می‌کشد را به خداوند تقدیم کند. هرچه بیشتر با خداوند ارتباط برقرار کنید، آرامش روحی‌تان بیشتر می‌شود و شادی و سروری را که خداوند به شما ارزانی کرده است، به وسیله‌ی شما به دیگران نیز منتقل می‌شود.

در حقیقت آرامش حقیقی به کسی تعلق دارد که اتکا به خداوند را آموخته است. چنین کسی تجسم دقیق آرامش است و به دنیایی که غرق در هیاهو، نفاق و نفرت است آرامش می‌بخشد. از وجود چنین فردی است که در بیابان خشک زندگی، باران‌های مسرت‌بخش و شفادهنده فرو می‌ریزد. چنین شخصی معتقد است که همه خوبند و او نیز خوب است، همه وجود دارند و او نیز

وجود دارد، همه هستند و او نیز هست. او همه‌ی کسانی را که نزدش می‌آیند تقدیس می‌کند و خود نیز تقدیس می‌شود.

انواع تأثیرات نماز

تأثیر نماز بر شادابی جسم و روح: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: مؤمن، شوخ و لبخند بر دهان است و منافق بدخلق و گره بر ابرو.

امروزه ضرب‌المثل ایرانی "خنده بر هر درد بی‌درمان دواست." مصداق کاملاً علمی پیدا کرده است. دانش پزشکی در قرن حاضر به وضوح می‌داند، اشخاصی که اصطلاحاً یک لب و هزار خنده گفته می‌شوند، نسبت به آنان که به اصطلاح با خودشان نیز قهرند و نسبت به زندگی بدبین و عبوس هستند، بسیار کمتر دچار بیماری‌های جسمی و روانی می‌شوند. به این ترتیب هر عاملی که شادابی و افسردگی انسان پیش از آنکه تحت کنترل و اراده‌ی او باشد، زیرا فرمان تغییرات مواد شیمیایی در سلسله اعصاب مرکزی انسان است. ضرب‌المثل ایرانی مشهور که منسوب به بزرگمهر می‌باشد، یعنی: "سحرخیز باش تا کامروا باشی." به این ترتیب واضح است، امر واجب نماز صبح با ارزانی داشتن بیداری صبحگاهی به انسان، تقدیم‌کننده‌ی شادابی به جسم سبب پرورش فضائل اخلاقی است. این نکته قابل توجه است که نفس مطمئنه همان نفسی است که مخاطب به خطاب {یا ایته‌ها النفس المطمئنه. ارجعی الی ربک. راضیه مرضیه. فادخلی فی عبادی. و ادخلی جنتی} (ای نفس مطمئنه. به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خوشنودی و هم او از تو خوشنود است، پس در سلک بندگانم درآی و در بهشت وارد شو).^۱ می‌باشد.

^۱ سوره‌ی فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگ‌ترین بلاهای زندگی انسان‌ها بوده و هست و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است.

همیشه آرامش یکی از گمشده‌های مهم بشر بوده و به هر دری می‌زند تا آن را پیدا کند. به طور کلی آرامش و دلهره، نقش بسیار مهمی در سلامت و بیماری فرد و جامعه و سعادت و بدبختی انسان‌ها دارد و چیزی نیست که بتوان از آن به آسانی گذشت و به همین دلیل تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده که موضوع آن‌ها فقط نگرانی، راه مبارزه با آن و طرز بدست آوردن آرامش است.

تاریخ بشر پر است از صحنه‌های غم‌انگیزی که انسان برای تحصیل آرامش به هر چیز دست انداخته و در هر وادی گام نهاده و تن به انواع اعتیادها داده است ولی قرآن با یک جمله کوتاه و پرمغز، مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه را نشان داده و می‌گوید: بدانید که یاد خدا آرامبخش دل-هاست. ایمان به خدا و توجه به آزادگی مؤمن که همیشه با زهد و پارسایی سازنده و عدم اسارت در چنگال زرق و برق زندگی مادی همراه است، به همه‌ی اضطراب‌ها پایان می‌دهد، هنگامی که روح انسان علی‌وار آن گونه وسعت یابد که بگوید: (دنیاکم عندی لا هون من ورقه فی فم جراده تقضمها؛ دنیای شما در نظر من بی‌ارزش‌تر از برگ درختی است که در دهان ملخی باشد که آن را می‌جود).^۱

نرسیدن به یک وسیله‌ی مادی یا از دست دادن آن چگونه امکان دارد آرامش روح آدمی را برهم زند و طوفانی از نگرانی در قلب و فکر او ایجاد کند.. البته منظور در آیه‌ی فوق از ذکر خدا که مایه‌ی آرامش دل‌هاست تنها این نیست که نام او را بر زبان او رد و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گوید، بلکه منظور آن است که با تمام قلب متوجه او و عظمتش و علم و آگاهی و حاضر و ناظر

^۱ نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۴

بودنش گردد، و این توجه مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه سد مستحکمی ایجاد کند، این است حقیقت ذکر که آن همه آثار و برکات در روایات اسلامی برای آن بیان شده است.

امام علی (ع) درباره‌ی یاد حق که روح عبادت است می‌فرماید: (انّ الله سبحانه و تعالى جعل الذكر جلاء للقلوب، تسمع به بعد الوقرة، و تبصر به بعد العشوة، و تنقاد به بعد المعاندة، و ما برح الله _ عزت آلاؤه _ في البرهة بعد البرهة، و في ازمان الفترات، عباد ناجاهم في فكرهم، و كلهم في ذات عقولهم؛ خداوند یاد خود را صیقل دل‌ها قرار داده است، دل‌ها به این وسیله از پس کری، شنوا و از پس ناپینایی، بینا و از پس سرکشی و عناد، رام می‌گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه‌ای از زمان و در زمان‌هایی که پیامبری در میان مردم نبوده است بندگان داشته و دارد که در سر ضمیر آن‌ها با آن‌ها راز می‌گوید و از راه عقل‌هایشان با آنان تکلم می‌کند. در این کلمات خاصیت عجیب و تأثیر شگرف یاد حق در دل‌ها بیان شده است تا جایی که دل قابل الهام‌گیری و مکالمه با خدا می‌گردد).^۱

در جای دیگر خداوند به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: {اذهب انت و اخوک بآیاتی و لا تنیا فی ذکری} (اکنون تو و برادرت با آیات من بروید و در یاد من کوتاهی نکنید).^۲ در این آیه مخاطب موسی و برادرش هارون هستند. در آن زمان که فرمان نبوت موسی (ع) صادر شده و مأمور می‌شوند برای مبارزه با فرعون آماده گردند، می‌فرماید: تو و برادرت با آیات من (کتاب آسمانی و معجزات) به سوی فرعون بروید و در ذکر من کوتاهی و سستی نکنید. دستور به ذکر خدا آن هم بدون سستی به هنگام مبارزه با طغیان‌گری همچون فرعون، بسیار پر معنی است. این امر نشان می‌دهد که ذکر

^۱ نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۲

^۲ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۲

خدا تا چه اندازه در قدرت و قوت و شجاعت و شهامت انسان تأثیر می‌گذارد و به او نیرو و توان برای مبارزه می‌بخشد که در این هنگام به آن دستور داده شده است.

اثر یاد خدا در روح و روان انسان

علمای اخلاق به پیروی از قرآن مجید و روایات اسلامی اهمیت فوق‌العاده‌ای برای ذکر به عنوان یکی از شاخه‌های مهم عبادت در پاک‌سازی روح و جان و بیداری و آگاهی و تهذیب نفس قائل هستند و برای هر مرحله از مراحل سیر و سلوک، اذکاری ذکر کرده‌اند مثلاً در مرحله‌ی توبه، توجه به ذکر (یا غفار) و در مرحله‌ی محاسبه‌ی نفس (یا حسیب) و در مرحله‌ی جلب رحمت‌های عالی (یا رحمان) و (یا رحیم) و امثال آن.

این اذکار به تناسب حالاتی است که انسان دارد و مسیرهایی که می‌پیماید؛ ولی به عنوان ذکر مطلق که در هر حالی خوب است، نه به عنوان قصد ورود. ذکر خدا از بزرگ‌ترین عبادات و بهترین حسنات است و در برابر تهاجم و سوسه‌های نفس و نفوذ شیطان به انسان مصونیت می‌بخشد. پرده‌های خودخواهی و غرور را که بزرگ‌ترین دشمن سعادت انسان است می‌برد، او را از خواب غفلت بیدار می‌کند و از خطراتی که سعادت وی را تهدید می‌کند آگاه می‌سازد. ذکر خدا مانند دانه‌های حیات‌بخش باران است که بر سرزمین روح و قلب انسان می‌بارد و انواع بذره‌های فضیلت و تقوا را شکوفا و بارور می‌سازد و هر اندازه درباره‌ی اهمیت این عبادت سخن گفته شود باز کم است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: {الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} (آنها هدایت‌شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است، آگاه

باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۱ در این آیه، سخن از تأثیر یاد خدا در آرامش دل‌هاست، آرامشی که می‌تواند انسان را از لغزش‌ها برهاند و به فضائل اخلاقی بیاوراند. سپس به صورت یک قاعده‌ی کلی بیان می‌کند و می‌افزاید: (آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.) این آرامش فوق‌العاده به خاطر آن است که نگرانی‌ها گاه به خاطر آینده‌ی تاریک و مبهمی است که در پیش دارد، مثلاً از احتمال زوال نعمت‌ها یا گرفتاری در چنگال بیماری و درماندگی و ناتوانی و مانند آن ناشی می‌شود و گاه گذشته‌ی تاریک زندگی، فکر او را به خود مشغول می‌دارد و نیز دنیاپرستی و دل‌باختگی نسبت به دنیا، سوءظن‌ها و توهم‌ها و ترس و وحشت از مرگ، هر یک از این‌ها می‌تواند عاملی برای نگرانی و سلب آرامش انسان شود. بخل و حسد و حرص و طمع و مانند آن‌ها نیز از عوامل نگرانی انسان است. یاد خدا، همان خداوندی که جواد و کریم و رحمان و رحیم و خالق و رازق و بخشنده و بنده‌نواز است، خداوندی که حل هر مشکلی در برابر قدرتش آسان و هر امر پیچیده‌ای در برابر اراده‌اش ساده است، یاد چنین پروردگاری مایه‌ی آرامش دل‌هاست.

تأثیر نماز بر احساس امنیت روانی

خداوند متعال می‌فرماید: پس کدام یک از دو دسته‌ی مردم سزاوار به امنیتند (بگوئید) اگر می‌دانید. (بگو): کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را به ستم نیامیخته‌اند.^۲

هر چند که در پزشکی و زیست‌شناسی امروزی، واژه‌ی استرس به معانی متفاوتی به کار می‌رود، چنانچه با دقت کافی و استناد به شواهد آماری به مکان‌هایی که استرس‌های متعدد زندگی، افراد را به آنجا می‌کشاند (مکان‌هایی مثل مطب پزشکان، بیمارستان‌های جسمی و روانی، قبرستان

^۱ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

^۲ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۸۲

جوانمرگ‌ها، زندان‌ها و ...) سری بز نیم متوجه می‌شویم که تعداد مذهبی‌ها در مقایسه با غیرمذهبی‌های حاضر در این قبیل جاها بسیار متفاوت است. یا مثلاً آمار بیماران بستری در بیمارستان‌ها که با نماز بیگانه‌اند به طرز باورنکردنی بیش از اشخاص مقید به نماز است. این موضوع نه فقط در کشورهای مسلمان بلکه در سرتاسر جهان عمومیت دارد. دین و مذهب در زندگی به انسان اطمینان و تکیه‌گاه روحی می‌بخشد. با این اوصاف نماز به عنوان برجسته‌ترین چهره‌ی ایمان، نقش بزرگی در ایجاد امنیت روانی و توانایی مقابله با استرس‌ها در انسان ایفا می‌کند.

از رسول اکرم (ص) نقل است که فرمودند: (لا تقم الى الصلاة متكاسلاً و لا متعاساً و لا متثاقلاً؛ در حالت کسالت و خواب‌آلودگی و سنگینی به نماز نایستید)^۱

نماز از علائم ایمان است. رسول گرامی اسلام فرمودند: (الصلاة من شرايع الدين و فيها مرضاة الرب عزوجل و هي منهاج اينبيا و للمصلی حب الملائكة و هدی و ايمان و نور المعرفة و بركة في الرزق؛ نماز از شرايع و احكام دين است و موجب خشنودی خدای متعال و راه و روش انبياء است، فرشتگان دوستش دارند و نماز هدایت‌کننده و نشانه‌ی ایمان است و روشن‌بینی در شناخت و خیر و برکت در روزی)^۲

^۱ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳

^۲ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۹۲ به نقل از خصال صدوق روایت ۱۱، ص ۵۲۲

آیات دال بر فضیلت نماز

{الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلاة و آتوا الزکات و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبت الامور}^۱. یعنی اولین گام بعد از استقرار روی زمین اقامه‌ی نماز است و استحکام رابطه با خداست که خمیر مایه‌ی تمام عزت‌ها و ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی است. و بعد تعدیل جامعه با اعطاء زکات و ایجاد الفت و زدودن فقر از مستمندان و بعد اصلاح امور جامعه با امر به معروف و نهی از منکر که جامعه را پایدار و عزتمند می‌نماید. تا خوی تعدی و تجاوزگری ریشه‌کن شود و جامعه بر پایه‌ی وحدت مستقر گردد. لذا نماز را علامت و نشانه‌ی ایمان به خداوند سبحان بیان فرمودند. طبق آیه‌ی شریفه {والمؤمنین و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمونون الصلاة و یؤتون الزکات و یطیعون الله و رسوله}^۲ مؤمنین از یکدیگر باید کمک به یکدیگر نمایند. اگر این دستورات اجرا بشود و افراد جامعه پایبند به احکام دین بودند زندگی لذت‌بخش و گواراست و نوید این سرافرازی را خدای متعال این‌گونه فرمود: {أقم الصلاة إن الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر و الذکر الله اکبر و الله یعلم ما تصنعون}^۳. خطاب همراه با تأکید به تمام انسان‌هاست که اگر بخواهید از

^۱ آنان که خدا را یاری می‌کنند کسانی هستند اگر روی زمین به آنان تمکن و اقتدار دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات به مستحقان می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت کارها دست خداست.

سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱

^۲ همه‌ی مؤمنین و مؤمنات دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیک وادار و از زشتی‌ها باز می‌دارند و نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می‌نمایند.

سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷

^۳ نماز را به جای آور که همانا نماز اهل نماز خواندن را از هر کار زشتی باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و به آنچه انجام می‌دهند خدا آگاه است.

سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵

آلودگی‌ها به دور باشید خواندن نماز این را تضمین نموده و اضافه بر این نماز یاد خداست که از خود نماز عظمتش بالاتر است و از طریق نماز به این فضیلت می‌رسید.

نقل است از آیت‌الله آقا میرزا جواد تهرانی که فرموده: دوست دارم خداوند به نقطه‌ای دوردست تبعیدم نماید و کسی آنجا نباشد و من هم کاری نداشته باشم و فارغ از همه چیز باشم تا بتوانم دو رکعت نماز با توجه در پیشگاه خدای متعال بخوانم.^۱ آنان که عمل کردند و لذت خواندن نماز را چشیدند و ارزش و عظمت نماز را فهمیدند چه خوب استفاده کردند من جمله حضرت آیت‌الله امام خمینی (ره) طبق نقل حجة الاسلام انصاری بعد از عمل جراحی امام فرمود اگر خوابیدم اول وقت نماز بیدارم کن و امام خواب رفتند و من حیقم آمد ایشان را بیدار کنم و چند دقیقه بعد از اذان چشم باز نمودند و فرمودند وقت نماز شده؟ گفتم بله. فرمودند چرا صدایم نکردی؟ گفتم چند دقیقه‌ای بیشتر نگذشته است. فرمود مگر نگفتم اول وقت بیدارم کن و بعد به فرزندشان حاج احمد آقا فرمودند از اول عمرم تا به حال نماز اول وقت خواندم. چرا الآن که پایم لب گور است نماز تأخیر افتاد.^۲

فضیلت نماز جماعت

دین اسلام بر مبنای وحدت و انسجام جامعه استوار است و کلید موفقیت و پیروزی است و هر مشکلی در سطح جامعه با وحدت قابل حل و دفع می‌باشد و نیز حراست و پاسداری از منافع عمومی از طریق وحدت جامعه است که حیات و بقا و بالندگی یک امت را به همراه دارد و نماز جماعت پایه و اساس این موفقیت‌هاست.

^۱ هزار و یک نکته درباره‌ی نماز، ص 14، شماره‌ی 26

^۲ همان، ص 16، شماره‌ی 31

امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه تحیت و الثنا در ضمن کلامی علت نماز جماعت را این گونه بیان فرمودند، قال الرضا (ع): (انما جعلت الجماعة لئلا يكون الاخلاص و التوحيد و الاسلام و العبادة لله الا ظاهراً مكشوفاً مشهوراً لأنّ في اظهاره حجة على اهل الشرق و الغرب لله وحده).^۱

نماز جماعت از آن جهت وضع شده است تا اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند آشکار و هویدا باشند و شهرت یابند و آنقدر تأکید در اقامه‌ی نماز جماعت توسط پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام شده که اقامه‌ی نماز در خانه و فرادا که فقط رفع تکلیف می‌کند اما تأثیری بر آن مترتب نیست مثل روایت مشهور: (قال علی (ع): لا صلاة لجار المسجد الا في المسجد الا ان يكون له عذراً و به علة و قيل له من جار المسجد، يا امير المؤمنين قال من سمع النداء، نماز همسایه‌ی مسجد صحیح نیست مگر خواندن در مسجد، مگر عذر و علتی داشته باشد. به آن حضرت گفته شد یا امیرالمؤمنین چه کسی همسایه‌ی مسجد است؟ فرمودند کسی که صدای اذان را بشنود).^۲

رسول اکرم (ص) فرمودند: (من فارق جماعة المسلمين فقد خلع رتبة الاسلام، کسی که از نماز جماعت مسلمین جدا شود رشته‌ی اسلام را از گردن باز کرده است).^۳

(قال رسول الله (ص): من صلى الخمس في جماعة فظنوا به خيراً، کسی که پنج نماز را در جماعت بخواند به او گمان خیر داشته باشید).^۴

^۱ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۱۴۰

^۲ آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۱۴۹ نقل از جامع احادیث شیعه، ج ۶، ص ۴۴

^۳ امالی صدوق، ص ۳۳۳

^۴ میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۱۴۰

به این دو روایت توجه شود تا بدانیم از دست دادن جماعت چه خسارتی به دنبال دارد:

(قال رسول الله (ص): صلاة الرجل في جماعة خير من صلاته في بيته اربعين سنة قيل يا رسول الله (ص) صلاة اليوم؟ فقال صلاة واحدة، نماز خواندن انسان در جماعت بهتر است از ۴۰ سال نماز که در خانه خوانده شود. عرض کردند یا رسول الله (ص) نماز یک روز؟ فرمودند: نه یک نماز.^۱)

امام صادق (ع) از پدرانش علیهم السلام نقل کرده پیامبر خدا (ص) بر همسایه‌های مسجد شرط کرد در مسجد حاضر شوند، فرمود: جماعتی که به نماز جماعت حاضر نمی‌شوند باز گردند و یا دستور می‌دهم مؤذن اذان گوید، پس به مردی از اهل بیت دستور می‌دهم و او علی (ع) است که خانه‌ی جماعتی که در جماعت حاضر نمی‌شوند با انبانی از هیزم بسوزانند.^۲

ولو اینکه حضور در نماز جماعت واجب نیست و سنت مؤکد است به علت فواید آن و زیان ترک جماعت این همه ترغیب و سفارش شده است.

(عن زرارة و الفضیل قالوا قلنأ الصلاة في جماعة فريضة هي؟ فقال (ع) الصلاة فريضة و ليس الاجتماع بمفروض في الصلوة كلها و الکنها سنة. من ترکها رغبة عنها و عن جماعة المؤمنین من غير علة فلا صلاة له، از زراره و فضیل نقل شده که گفتند: به او عرض کردیم نماز خواندن در جماعت فريضه و واجب است: فرمود: نماز فريضه و واجب است در تمام نمازها جمع شده و به جماعت واجب نیست ولكن

^۱ وسائل شیعہ، ج ۵، ص ۳۷۴

^۲ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ص ۴۲۲ نقل از وسائل شیعہ، ج ۵، ص ۳۷۴

سنت است و هرکس از روی اعراض از آن نماز، جماعت را بدون علت ترک کند برای او نماز نیست.^۱

بنابراین شیوهی جوانمردی بنا به فرمایش علی (ع) است که قرآن را بخواند و با علما و دانشمندان هم‌نشین شود و نماز خود را به جماعت اقامه کند.

(قال علی (ع): مروة الحضر قراءة القرآن و مجالسة العلماء و النظر في الفقه و المحافظة على الصلاة في الجماعات، نقل شده از علی (ع) که فرمود: جوانمردی با حضور در وطن قرآن خواندن، هم‌نشینی با علما و نگریستن در احکام دین و مواظبت بر نماز خواندن در جماعات است.)^۲

و آخرین سخن در این مبحث کلام نورانی رسول خدا (ص) است که فرمود: دست خداوند بر سر آن جماعت نمازگزار است.

(قال رسول الله (ص) يد الله على الجماعة فإذا اشتد شاز منهم اختطفه الشيطان كما يختطفه الذنب الشاة الشاذة من الغنم، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: دست خداوند بر سر جماعت است، هرگاه از آن‌ها کسی از جماعت جدا شد شیطان او را می‌رباید همان‌طور که گرگ وارد گوسفندان شده و از رمة گوسفندان را می‌رباید.)^۳

امید که این سنت اسلامی و انجام این فریضه به صورت جماعت زندگی ما را نورانی و برکات جماعات کشور و دین و عزت ما را از خطرات تفرقه مصون بدارد.

^۱ وسائل شیعہ، ج ۵، ص ۳۷۱

^۲ بحار، ج ۸۸، ص ۱۰

^۳ کنزالأعمال، ص ۲۰۷

و نقل است که: عبدالله ابن مسعود روزی دیر آمد و کبیره الاحرام را درک نکرد و به این منظور یک بنده آزاد کرد و به پیامبر (ص) عرضه داشت یا رسول الله (ص) من تکبیره الاحرام نماز جماعت شما را درک نکردم و به این خاطر بنده ای آزاد کردم. آیا جبران ثواب فوت شده را بدست می آورم؟ رسول الله فرمودند: نه. گفت: یا رسول الله بنده ای دیگری هم می خرم و آزاد می نمایم. آیا جبران ثواب فوت شده می شود. رسول اکرم (ص) فرمودند: خیر ای ابن مسعود. اگر آنچه در زمین است در راه خدا انفاق کنی ثواب فوت شده را درک نخواهی کرد.

عن عبدالله ابن مسعود (إنه فاتته تكبيرة الافتتاح يوماً فاعتق رقبة و جاء الى النبي (ص) فقال يا رسول الله (ص) فاتني تكبيرة الافتتاح يوماً فاعتقت رقبة هل كنت مدرکاً فضلها؟ فقال لا ابن مسعود ثم اعتق اخرى هل كنت مدرکاً فضلها؟ فقال: لا يا ابن مسعود ولو انفق ما في الارض جميعاً لم تكن مدرکاً فضلها.^۱

رسول خدا در طول حیات شریف خویش بر نماز جماعت مواظب و پاینده بوده و از جماعت حتی در بیماری شان تخلف نکرده اند مگر به ندرت و نیز صحابه ی بزرگوار آن حضرت بر نماز جماعت سخت پاینده بوده اند و از جماعت تخلف نمی کردند مگر شخص معذور یا منافق که نفاق آن معروف و شناخته شده بود. چنانکه از عبدالله ابن مسعود روایت شده که فرمود: ما را به حالتی می دیدی که هیچ فردی از نماز جماعت تخلف نمی کرد مگر منافقی که نفاق آن شناخته شده بود یا بیماری و چنان بود که حتی بیمار با تکیه بر شانه های دو مرد به سختی راه می رفت تا به نماز جماعت می آمد و رسول خدا (ص) سنت های حسنه را تعلیم ما فرموده و از جمله ی آن سنت ها نماز در مسجد بود که در آن اذان گفته می شد.

^۱ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ص ۳۹۷

نماز جماعت ارتباطی است که در میان نمازگزاران و امام (امام و مأوم) برقرار می‌شود. این جماعت با یک تن همراه امام در همه‌ی نمازها منعقد می‌شود مگر در نماز جمعه که ۴ نفر و با امام که می‌شوند ۵ نفر منعقد می‌شود.

(عن النبی (ص): الصلاة جماعة ولو على رأس زوج، پیامبر اکرم فرمودند: ملازم و مراقب نماز جماعت باشید ولو بر روی نوک نیزه)^۱

لذا رسول اکرم نسبت به ترغیب مسلمین به اقامه‌ی جماعت فرمودند: کسی که از جماعت رویگردان شود در دام گروه‌گرایی‌ها و دسته‌بندی‌ها و خطبازی‌های شیطانی سخت گرفتار می‌گردد همچون گوسفند جدا شده از گله که نصیب گرگان می‌شود.

قال رسول الله (ص): (إن الشيطان ذئب الانسان كذئب الغنم يأخذ الشاة القاصية و الناحية فإياكم و الشعاب و عليكم بالجماعة و العامة و المسجد، شیطان گرگ است همانند گرگ گوسفندان که همواره میش‌های دورافتاده و کناره‌گیر را می‌گیرد. پس از دسته‌بندی‌ها پرهیزید و بر شما باد حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد)^۲

و فرمود رسول گرامی اسلام: کسی که از نماز جماعت سرباز زند و نمازش را فرادا بخواند از عدالت ساقط و غیبتش جایز است و روشن است فردی که عادل نباشد در زمره‌ی فاسقان است و کسی که فاسق است غیبتش جایز است و پناه می‌بریم به خدا که جامعه‌ی ما چقدر از این سنت

^۱ آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۱۳۷

^۲ کنز الأعمال، ج ۷، ص ۵۸۱، حدیث ۲۰۳۵۵

اسلامی فاصله گرفته است که سال‌هاست نماز را به فرادا در خانه می‌خوانند و رغبتی به شرکت در نماز جماعت ندارند.

قال رسول الله (ص): (لا غيبة الا لمن صلى في بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعة المسلمين و جب على المسلمين غيبته و سقطت بينهم عدالته و وجب هجرانه و اذا رفع إلى امام المسلمين انذره و حذره فإن حضر جماعة المسلمين و إلا احرق عليه بيته و من لزم جماعتهم حرمت عليهم غيبته و ثبتت عدالته، کسی که در خانه‌اش نماز می‌خواند و از جماعت ما اعراض کرده غیبت او جایز است و هر کس از جماعت مسلمین اعراض کند بر مسلمانان واجب است غیبت او را بنمایند و در میان آنان عدالت او ساقط می‌شود و واجب است از او دوری نمایند و چون امر او را به پیشوای مسلمانان برسانند (شکایت او را به حاکم شرع کنند) حاکم او را بترساند و بیم دهد. پس اگر در جماعت مسلمانان حاضر شد و گرنه خانه‌ی او را بسوزانند و کسی که در جماعت مسلمین حاضر شود غیبتش حرام است و عدالت او ثابت است).^۱

آن‌قدر مسئله مهم است که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام با همسایگان مسجد شرط فرمودند که ملزم هستند به نماز جماعت شرکت کنند والا با اعلان عمومی نماینده‌ی مخصوص را مأمور سوزاندن آن منزل می‌نمودند.

^۱ بحار، ج ۸۸، ص ۳۸

عن الصادق (ع) عن آبائه قال: (اشترط رسول الله (ص) على جيران المسجد شهود الصلاة و قال لينتهين اقوام لا يشهدون الصلاة او لامرن مؤذناً يؤذن ثم يقيم ثم آمر رجلاً من اهل بيتي و هو على (ع) فليحرقن على اقوام بيوتهم بحزم الحطب لانهم لا يأتون الصلاة)^۱

اثبات مشروطیت نماز یومیه به جماعت

با استناد به آیات قرآن کریم، احادیث متواتر و سنت عملی پیامبر اکرم و صحابه و اهل بیت علیهم السلام مشروطیت جماعت در نمازهای واجب روزانه اثبات شده است و حتی برخی مشروعیت آن را از ضروریات دین دانسته‌اند. به نظر برخی فقها از برخی احادیث بر می‌آید که آغاز تشریع نماز به صورت جماعت بوده است. در برخی احادیث درباره‌ی نخستین نماز جماعت آمده است که پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) با هم در حال نماز خواندن بودند که ابوطالب و فرزندش جعفر از آنجا گذشتند. ابوطالب به جعفر گفت که در کنار پسرعمویت نماز بگذار. در این هنگام پیامبر پیش رفتند و امامت نماز را به عهده گرفتند.

نماز جماعت علاوه بر آثار عبادی و اخلاقی، یعنی اظهار اخلاص بیشتر، بروز و ظهور همگانی عبادت خدا، همیاری برای انجام دادن کارهای نیک و دوری از گناهان، فواید سیاسی و اجتماعی بسیاری دارد، از جمله هویت یافتن جامعه‌ی اسلامی، آگاهی بیشتر مردم از یکدیگر، ایجاد الفت و ارتباط بیم مسلمانان و تحقق برادری دینی در پرتو انضباط خاص.

بنا بر روایات متعدد شیعه و اهل سنت، فضیلت نماز جماعت چند برابر نماز فرادا است. محدثان اهل سنت و شیعه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که هر رکعت نماز جماعت ۲۵ برابر نماز فرادا

^۱ بحار، ج ۸۸، ص ۸

پاداش دارد. در برخی احادیث اهل سنت این فضیلت ۲۷ برابر و در برخی دیگر بیست و چند برابر نقل شده است. برخی احادیث، حضور نیافتن در نماز جماعت را جز در موارد خاص مکروه دانسته‌اند و شماری دیگر بر حضور در نماز صبح و عشاء تأکید بیشتری داشته‌اند. در روایات اهل سنت و شیعه، نماز جماعت سنت پیامبر اکرم (ص) خوانده شده است و گفته‌اند اگر کسی بدون عذر آن را ترک کند، به نماز واقعی دست نمی‌یابد. همچنین احادیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که در آن‌ها کسانی که در نماز جماعت حاضر نشوند به مجازات تهدید شده‌اند. البته به نظر خوئی تهدید در این قبیل احادیث متوجه منافقان صدر اسلام بوده است که از دستورهای حضرت سرپیچی می‌کرده‌اند. به گفته‌ی برخی دیگر این احادیث در ابتدای ظهور اسلام که مسلمانان به سبب تعداد اندکشان نیاز به وحدت و همبستگی داشتند صادر شده و حکم آن‌ها بعدها منسوخ گردیده است.

هر چند مذاهب درباره‌ی مشروعیت نماز جماعت اتفاق نظر دارند درباره‌ی واجب یا مستحب بودن آن و نیز چگونگی وجوب آن اختلاف دارند. حنبلیان و برخی از حنفیان نماز جماعت را واجب عینی دانسته‌اند و از جمله به آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی بقره و ۱۰۲ سوره‌ی نساء و نیز احادیث بسیاری که به نماز جماعت فرمان داده یا برای ترک‌کنندگان آن مجازاتی مقرر کرده است، استناد کرده‌اند. به اعتقاد حنبلیان، در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی نساء به اقامه‌ی نماز جماعت در حالت اضطرار و حرج، تکلیف و بر آن تأکید شده است. پس از راه اولویت می‌توان وجوب آن را در حالت عادی اثبات کرد. به گفته‌ی احمد بن حنبل اقامه‌ی نماز به جماعت شرط صحت آن نیست. به نظر فقهای مذاهب دیگر، آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی نساء تنها مشروعیت نماز جماعت را اثبات می‌کند، نه وجوب عینی آن را.

گروهی از شافعیان نماز جماعت را برای مردان جایز شمرده که در حال سفر نباشند و واجب کفایی دانسته و بر پا داشتن آن را در هر شهری، چه کوچک و چه بزرگ، لازم شمرده‌اند. به عقیده-ی آنان در صورت خودداری همه‌ی اهالی شهر از بر پا داشتن نماز جماعت حاکم اسلامی باید با آنان نبرد کند. مشابه این رأی به حنفیان نیز نسبت داده شده است. بیشتر حنفیان و مالکیان و برخی شافعیان معتقدند که خواندن نماز به جماعت در تمامی نمازهای واجب به جز نماز جمعه از مستحبات مؤکد برای همه‌ی کسانی است که بدون مشقت توان حاضر شدن در آن را دارند و در این باره به احادیث راجع به فضیلت و سنت بودن نماز جماعت استناد می‌کنند. نظر فقیهان امامی نیز استحباب مؤکد نماز جماعت است.

به نظر مشهور فقهای امامی نماز عید فطر و نماز عید قربان در صورت وجود همه‌ی شرایط وجوب (از جمله حضور امام معصوم)، باید به جماعت خوانده شوند. رأی حنفیان و حنبلیان نیز همین است ولی مالکیان و شافعیان به جماعت خواندن نمازهای عید را مستحب دانسته‌اند. همچنین به نظر همه‌ی مذاهب اسلامی، در نماز جمعه جماعت بودن شرط صحت نماز است.

بیشتر فقهای اهل سنت به جماعت خواندن تمامی نمازهای مستحب را مجاز می‌دانند. مالکیان و حنفیان به جماعت خواندن برخی نوافل در غیر نمازهای مستحبی ماه رمضان و نیز نماز آیات را مکروه دانسته‌اند. فقیهان امامی به جماعت خواندن نمازهای مستحب، جز نماز باران (استسقاء) را مشروع ندانسته و همه‌ی اقسام نمازهای جماعت مستحب از جمله نماز تراویح را بدعت شمرده‌اند. البته به نظر برخی از آنان برگزاری نماز عید فطر و عید قربان به جماعت در عصر غیبت جایز و مستحب است.

فقیهان اهل سنت به جماعت خواندن نماز را در موارد وجوب برای زنان و بردگان و افراد معذور واجب و حتی مستحب نمی‌دانند، هر چند نماز جماعت آنان را صحیح می‌شمارند. برخی فقهای اهل سنت شرکت در نماز جماعت را برای زنانی که خروج آنان از خانه ممکن است مفسده‌ای در پی داشته باشد، از جمله زنان جوان، مکروه یا ممنوع دانسته‌اند.

شیوه‌ی برگزاری نماز جماعت در نمازهای واجب در همه‌ی مذاهب اسلامی تقریباً یکسان است. در این نماز، امام جماعت به نمایندگی از نمازگزاران در رکعت‌های اول و دوم سوره‌ی حمد [و سوره] را می‌خواند و نمازگزاران ضمن پیروی از امام در حرکات و اعمال نماز بقیه‌ی ذکرهای نماز را در این دو رکعت و همه‌ی رکعت‌های بعد با صدای آهسته می‌خوانند. نمازگزار (مأموم) نباید در افعال نماز به عمد از امام جماعت پیشی بگیرد. به نظر مشهور فقهای امامی و برخی مذاهب اهل سنت، پیروی نمازگزاران از امام جماعت در افعال نماز شرط صحت آن نیست، هر چند برخی فقها این امر را شرط صحت و شماری دیگر آن را شرط جماعت بودن نماز می‌دانند. اگر نمازگزاران صدای قرائت (خواندن حمد و سوره) امام را نشنوند، می‌توانند خودشان ذکر رکعت‌های اول و دوم را بگویند. به نظر فقهای شیعه و اهل سنت، در نماز جماعت لازم نیست امام قصد جماعت نماید، ولی مأموم باید قصد پیروی از امام و جماعت (اقتداء) را داشته باشد و نماز خود را تابع نماز امام قرار دهد.

فقهای شیعه و اهل سنت برای اقامه‌ی صحیح نماز جماعت، رعایت شرایطی را لازم دانسته‌اند، از جمله: (۱) حضور حداقل دو نفر در نماز جماعت، که یک نفر از آنان امامت را بر عهده بگیرد. این شرط در مورد نمازهای جمعه و عید به گونه‌ی دیگری مطرح می‌شود. (۲) یکسان بودن نماز امام جماعت با نمازگزاران از نظر وجوب یا استحباب (در نمازهای مستحبی که می‌توان به نماز جماعت خواند)، به نظر مشهور در فقه امامی؛ اما به نظر بیشتر مذاهب اهل سنت اقتدای نمازگزار در نماز

واجب به امام جماعتی که نافله می‌خواند، مجاز نیست. همچنین برخی مذاهب اهل سنت اتحاد در جنس و نوع نماز را نیز شرط دانسته‌اند؛ از این رو مأموم مثلاً نمی‌تواند نماز عصر خود را با نماز ظهر امام یا نماز قضای خود را با نماز ادای امام یا بالعکس ادا کند. ۳) تقدم نداشتن جایگاه نمازگزاران بر محل امام جماعت ۴) نبودن مانع میان صف اول و امام جماعت، به گونه‌ای که نمازگزاران بتوانند امام را ببینند. ۵) اتصال صفوف نماز جماعت به یکدیگر ۶) بلندتر نبودن جایگاه امام جماعت از دیگر نمازگزاران؛ از این رو معمولاً در مساجد سطح محراب پایین‌تر از سطح مسجد ساخته می‌شود.

به نظر مشهور فقهای حنفی و امامی، هر فرد بالغ، عاقل و حلال‌زاده‌ای که نماز را به شکل درست و با قرائت صحیح ادا کند و واجد صفت تقوا و دوری از گناهان کبیره (به اصطلاح فقهی شرط عدالت) باشد دارای شرایط امامت نماز است. در مواردی که افراد متعددی حائز این شروط باشند، ملاک‌هایی مانند میزان تقوا، علم، سن و داشتن روی نیکو برای گزینش فرد برتر مطرح شده است. همچنین این شرط مطرح شده که امام جماعت نباید برای امامت خود مزدی دریافت کند و این شرط نشان‌دهنده‌ی اهمیت مقام معنوی امام جماعت در اسلام است.

نکته‌ی مهم درباره‌ی شروط مذکور اختلاف نظر مذاهب اسلامی درباره‌ی شرط عدالت امام جماعت است. فقهای حنفی و شیعه و برخی شافعیان بر این شرط بسیار تأکید کرده و صریحاً نماز جماعت با امام فاسق را باطل دانسته‌اند، اما فقهای دیگر مذاهب اهل سنت بیشتر بر اصل اقامه‌ی نماز جماعت تأکید کرده‌اند. امامت شخص فاسق را به ویژه در نماز جمعه و نماز عید جایز می‌دانند، حتی به گفته‌ی شافعی جایز است که مسافر به فردی اقتدا کند که در اصل مسلمان بودن او تردید دارد، البته اگر بعداً مسافر از مسلمان نبودن او اطمینان یابد باید دوباره نمازش را به جای آورد. مالکیان معتقدند امام نباید مرتکب فسقی شود که به صحت نماز خلل وارد کند، مثلاً نباید

نمازش را بدون وضو یا بدون قرائت سوره‌ی حمد به جای آورد، اما ارتکاب فسق‌های خارج نماز، مانند شراب‌خواری یا زنا موجب بطلان امامت او نمی‌شود، هرچند اقتدا کردن به چنین شخصی مکروه است.

به نظر همه‌ی مذاهب فقهی زن نمی‌تواند برای نمازگزارانی که در میان آنان مرد وجود دارد امام جماعت باشد، اما بر پایه‌ی فقه شافعی و حنبلی و نظر برخی فقه‌های شیعه امامت او برای جماعت زنان مجاز است. حنیفیان و مالکیان مرد بودن امام جماعت را همواره شرط می‌دانند.

مباحث دیگری نیز درباره‌ی نماز جماعت در منابع فقهی مطرح شده است، مانند امامت کودک ممیز، استخلاف (جانشینی شخصی به جای امام جماعتی که از ادامه‌ی نماز ناتوان و معذور است)، وجوب یا استحباب اذان و اقامه در نماز جماعت، جایز بودن یا نبودن تبدیل نماز جماعت به فرادا و موارد دیگر.

فضیلت جمعه و احادیث شیعه

روز جمعه از ایام ممتاز هفته با عنوان سیدالایام بیان گردیده که اعظم‌الایام عندالله و افضل من یوم فطر و یوم اضحی است.

در روایات متعدد و معتبر آمده من جمله روایت ابی لبابه‌ی ابن عبدالمنذر از رسول اکرم (ص) که: قال رسول الله (ص): (یوم الجمعة سید الایام و اعظم عند الله عزوجل من یوم اضحی و یوم الفطر، روز

جمعه سرآمد همه‌ی روزهاست و نزد خداوند متعال عظیم‌تر و بزرگ‌تر از روز عید قربان و فطر است.^۱

امام باقر (ع) فرمود: (ما اطلعت الشمس بیوم افضل من یوم الجمعة، یعنی خورشید در روزی بهتر از جمعه طلوع نکرده است)^۲

رسول اکرم (ص) فرمود: خداوند متعال از بین ایام و روزها جمعه را اختیار کرد و از بین ماه‌ها رمضان را و از بین شب‌ها لیلة‌القدر را و از بین انبیاء مرا و... چون این روز افضل ایام است و حسنات در آن ثواب مضاعف دارد.^۳ جابر جوفی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت باقر (ع) فرمودند: (الخیر و الشر یضاعف فی یوم الجمعة، خوبی و بدی پاداش چند برابر دارند).^۴ فلذا امام باقر (ع) توصیه فرمودند: (الاعمال یضاعف یوم الجمعة فاکثروا فیها من الصلاة و الصدقة و الدعاء، روز جمعه پاداش اعمال چند برابر است پس نماز و صدقه و دعا را افزون کنید).^۵

در تشبیهات عجیبی نسبت به این فریضه از سخنان گهربار رسول اکرم (ص) آمده من جمله الصلاة معراج المؤمن.^۶ عروج مؤمن از عالم ناسوت به عالم ملکوت به وسیله‌ی نماز دارای معانی و مضامین

^۱ صلاة الجمعة و العیدین، ص ۹۵

^۲ اصول کافی، ج ۳، باب ۴۱۴، ص ۱

^۳ اکمال‌الدین، باب ۸۱، ص ۳۲

^۴ ثواب‌الأعمال، حدیث ۱۷۱، ص ۲۲

^۵ بحار، ج ۸۹، ص ۳۶۵

^۶ اعتقادات، مجلسی، ص ۲۹

بسیار بلندی است یا این روایت نبوی که رسول اکرم (ص) فرمود: (علم الاسلام الصلاة، علامت و پرچم اسلام نماز است).^۱

امام صادق (ع) در ترغیب به پیشی گرفتن از یکدیگر به سوی نماز جمعه فرموده‌اند: (فضل الله الجمعة على غيرها من ايام و انکم تتسابقون إلى الجنة على قدر سبقکم إلى الجمعة، خداوند جمعه را بر سایر روزها برتری داده و همانا شما به همان اندازه که جهت حضور در نماز جمعه از یکدیگر سبقت می‌گیرید در وارد شدن به بهشت جلوتر خواهید بود).^۲

و رسول اکرم (ص) نماز جمعه را از بهترین کسب معارف و رمز موفقیت و آموزش مؤثر در جامعه معرفی نموده و می‌فرمایند: (إن الله فرض عليكم الجمعة في مقامی، هذا في یومی، هذا في شهری، هذا في سنتی هذه فمن تركها في حیاتی او بعد موتی استخفافاً بحقها فلا جمع الله شمله و لا بارک الله في أمره، الا لا صلاة له، الا لا حج له، الا لا صدقة له، الا لا بركة له، الا أن يتوب فإن تاب تاب الله عليه، هرکس نماز جمعه را در زمان حیات یا در ممات من از روی سبک شمردن و بی‌اعتنایی ترک کند خداوند کار-های او را قبول نمی‌کند و هر کاری کند برکت نخواهد داشت و بی‌اثر خواهد بود و حج و صدقه-اش و احسان‌های او قبول نیست مگر توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه‌پذیر است).^۳

ترغیب در ترک سفر در روز جمعه از سخنان امیرالمؤمنین علی (ع) است که فرمودند: (و لا تسافر في يوم الجمعة حتى تشهد الصلاة الا فاصلا في سبیل الله و في أمره تعذر به)^۴ علی (ع) در نامه‌ای به حارث

^۱ کنزالاعمال، حدیث ۱۸۸۷، ص ۲۷۸

^۲ صلاة الجمعة و العیدین، ص ۹۵

^۳ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰

^۴ نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۹

همدانی فرمودند: در روز جمعه، تا در نماز جمعه حاضر نشده‌ای مسافرت مکن، مگر آنکه سفر تو برای جهاد در راه خدا باشد یا برای کاری که چاره‌ای جز انجام آن نیست.

مردم مسلمان ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ارزش و اهمیت نماز جمعه به خوبی پی بردند و دانستند که این مراسم باشکوه سیاسی و عبادی برای وحدت و پیوند مسلمانان چقدر با- ارزش است.

اساساً خداوند متعال برای آنکه مسلمانان با یکدیگر پیوند و همبستگی بیشتری پیدا کنند و نسبت به همدیگر الفت و محبت داشته باشند با شرایط ویژه‌ای امر به برگزاری نماز جمعه فرموده است. در مراسم نماز جمعه مسلمانان در یک محل گرد می‌آیند، با یکدیگر نزدیک و متحد می‌شوند، مشکلات زندگی خود را بازگو می‌کنند و به چاره‌جویی مسائل یکدیگر می‌پردازند، و شخصی فاضل و دانشمند و دلسوز به عنوان امام جماعت آنان را برای حل مشکلات فردی و اجتماعی راهنمایی می‌کند.

این مراسم باشکوه الهی و اسلامی که هفته‌ای یک بار روزهای جمعه انجام می‌گیرد آنقدر ارزش و اهمیت دارد که خداوند متعال و رسول اکرم (ص) بارها مسلمانان را به شرکت در آن سفارش و ترغیب کرده و حتی سوره‌ای نیز در قرآن کریم به همین نام نازل شده است.

امام (ع) برای نشان دادن اهمیت نماز جمعه تأکید بسیار کرده است تا جایی که می‌فرماید حتی کسی که می‌خواهد به مسافرت برود اگر سفرش در روز جمعه باشد، باید سفرش را آنقدر عقب بیندازد که وقت نماز جمعه فرا رسد و پس از شرکت در آن مسافرت خود را آغاز کند مگر آنکه بخواهد برای جهاد در راه خدا و دفاع از اسلام به جنگ کفار برود یا از انجام ندادن آن زیانی جبران‌ناپذیر ببیند، مانند کسی که برای انجام معامله‌ای ناچار است سر ساعت معین در شهر دیگری

باشد و در غیر این صورت معامله به هم می‌خورد و زیان غیر قابل جبرانی می‌بیند که معاش خانواده‌اش را مختل می‌کند.

مرحوم محمد ابن علی کراجکی در حدیثی از محمد بن مسلم می‌گوید: بعد از نقل آیه‌ی شریفه‌ی (حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی)^۱ فرموده: مقصود از صلاة‌الوسطی نماز ظهر است که در همان وقت خداوند نماز جمعه را واجب فرمود و در آن روز ساعتی است که هیچ بنده‌ی مسلمانی در آن لحظه از خداوند خیری را نمی‌خواهد مگر اینکه خداوند به او عطا می‌فرماید.

این فقیه بزرگوار در نامه‌ای به فرزندش در رابطه با نماز ظهر روز جمعه می‌نویسد ای فرزند عزیزم برای نماز ظهر این روز شرافت بزرگی است و آن اولین نمازی است که بر سرورمان رسول خدا (ص) واجب شده است که همان نماز وسطی است و خداوند فرمان به حفظ آن داده است.

جناب ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه در کتب معانی‌الخبار نظرشان این است که نماز وسطی همان نماز ظهر است و با نقل روایاتی از سوی فریقین (شیعه و سنی) درباره‌ی صلاة‌الوسطی آورده است که خلاصه‌ی آن‌ها این است (نماز وسطی همان نماز ظهر و نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبر واجب فرموده) و در معنی وسطی آمده چون میان دو نماز (روز) (صبح و عصر) قرار گرفته و یا در میان روز (نیمه‌ی روز)

وی در کتب مدینه‌العلم با نقل روایتی از امام صادق (ع) اظهار می‌دارد که حضرت فرموده نماز وسطی همان نماز ظهر و نخستین نمازی است که خداوند بر پیغمبرش واجب فرموده و در شگفتم چگونه تعظیم نماز و اینکه این همان نماز وسطی است بر بعضی مخفی مانده با اینکه اولاً اتفاق نظر

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳۸

دارند که اولین نمازی است که واجب شد، ثانیاً نماز جمعه‌ای است که واجب است در آن وقت واقع شده است، ثالثاً وقت استجاب دعا در آن قرار گرفته است، رابعاً آن هنگام وقت گشودن در-های آسمان و وقت نماز اواین است (اواب به معنی بسیار رجوع و توبه‌کننده به سوی خداست)، خامساً در روایت نماز عصر بر آن عطف شده که منظور از نماز وسطی همان نماز پیش از عصر می‌باشد و خداوند مؤمنین را به سوی آن دعوت فرمود که کارها را رها کنید و به سوی انجام آن بشتابید.

خداوند توفیق انجام این فریضه را مخصوصاً و بهره‌مندی از برکات آن را به ما عطا فرماید.

صلاة الجمعة و احادیث اهل السنة

لازم است ابتدائاً از خود جمعه و فضیلت آن سخنی به میان آید که روایات متعددی به یک مضمون بیان گردیده در صحیح مسلم که اکتفا به این روایت می‌شود که ابو کرب و اصل ابن عبدالعلی نقل می‌کند از ابن فضیل و او از مالک اشجعی تا حدیفة بن یمان از رسول خدا (ص): قال رسول الله (ص): أضل الله عن الجمعة من كان قبلنا فكان لليهود يوم السبت و كان للنصارى يوم الاحد فجاء الله بنا فهدانا الله ليوم الجمعة فجعل الجمعة و السبت و الاحد و كذلك هم تبع لنا يوم القيامة نحن الآخرون من اهل الدنيا و الاولون يوم القيامة المقضى لهم قبل الخلائق الزهري أخبرني عبد الرحمن الآعرج أنه سمع ابا هريره يقول قال رسول الله (ص): خير يوم طلعت فيه الشمس يوم الجمعة فيه خلق آدم و فيه أدخل الجنة و فيه أخرج منها، فضیلت جمعه قبل از اسلام بر مردم پوشیده بود و در یهود شنبه داشتند و نصاری یکشنبه. خداوند جمعه را بر این امت آشکار کرد ولو امت اسلام بعد از یهود و نصاری است. پس برتری امت اسلام بر سایر امت‌ها به یوم‌الجمعه (روز جمعه) است که نه یهود جمعه داشتند و نه نصاری و بهترین روز که خورشید در آن می‌تابد جمعه است و در این روز آدم (ع) آفریده شده و نیز داخل

در بهشت گردیده و روز جمعه از بهشت بیرون گردید و نیز توبه نمودن و پذیرفتن توبه در روز جمعه صورت گرفته است. امت اسلام ولو آخرین امت هستند اما با داشتن جمعه اولین هستند. در فضیلت و در محشر و دخول در بهشت هم اولند)

و آخرین کلام در این خصوص به نقل از عایشه همسر پیامبر (ص) که رسول خدا فرمودند: (اذا سلمت الجمعة سلمت الايام، سلامتی و بهره‌مندی از جمعه سلامتی و بهره‌مندی از بقیه‌ی ایام را به دنبال دارد.)

و رسول اکرم (ص) طبق نقل آیاس ابن بکیر فرمودند: (من مات يوم الجمعة كتب الله له اجر شهيد و وقى فتنة القبر، فوت و مردن در روز جمعه دارای اجر و پاداش شهید است بدون ترس و امان از وحشت در قبر).^۱

اولین نماز جمعه طبق نقل از منابع روایی اعم از اهل سنت یا شیعه در مدینه یا قبا یا محله‌ی بنی سالم نزدیک مدینه نماز جمعه برگزار گردیده یا در محله‌ی هزم‌النبت توسط اسعد ابن زراره، روایات در این مورد به شرح ذیل است.

حدثنا محمد بن يحيى قال: حدثنا سعيد بن ابى مریم قال: أنبأنا عبدالله بن عمر عن نافع قال: إن اهل القباء كانوا يجمعون مع رسول الله (ص) الجمعة، اولین گروهی که نماز جمعه را با رسول خدا در روز جمعه اقامه کردند اهل قبا بودند).^۲

^۱ مصادر الفریقین، ص ۲۴۵ نقل از صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱۲

^۲ صلاة الجمعة و العیدین مصادر الفریقین مصادر الفریقین، ص ۲۵۲ نقل از سنن ابی داود، حدیث ۲۰۲، ص ۱۱۱۱

عبدالرحمن ابن كعب ابن مالك مى گوید: كه پدرم كعب ابن مالك هرگاه صدای اذان جمعه را مى شنید (اذا سمع النداء يوم الجمعة) طلب رحمت مى كرد برای اسعد ابن زراره (ترحم يسعد بن زراره) به پدرم گفتم چرا هر وقت ندای جمعه را مى شنوی طلب رحمت به اسعد ابن زراره مى کنی. گفت: (أنه اول من جمع بنا في هزم النبیت) كه محلی است كه يك میلی (از يك مایلی مدینه) ظاهراً قبل از ورود پیامبر بوده، پس كعب بن مالك مدعی است اقامه ی نماز جمعه در مدینه توسط اسعد بن زراره بوده است^۱ و صلاة جمعه باید جماعت خوانده شود و اقل آن از لحاظ افراد باید ۵ نفر باشد با امام جمعه و کمتر از این نمی شود نماز جمعه را اقامه كرد. و در روایات از شیعه من جمله محمد ابن مسلم عن محمد ابن علی عن ابيه عن جده عن النبي (ص) فی الجمعة قال: (اذا اجتمع خمسة ائدهم الامام فلهم ان یجمعوا) گرچه عبدالرحمن ابن كعب به پدرش كعب ابن مالك مى گوید وقتی اسعد ابن زراره نماز جمعه را اقامه مى كرد چند نفر بودید؟ او گفت ۴۰ نفر، البته این دلیل بر مقدار وجوب نمی شود.

امام صادق (ع) فرمودند: (تجب الجمعة على سبعة نفر المسلمين (المؤمنين) و لا تجب على أقل) كه باید ۷ نفر باشند. (منهم الامام و القاضی و المدعی حقا و المدعی علیه و الشاهدان و الذين يضرب الحدود بین یدیه الامام) یعنی شخص امام و قاضی او كه قضاوت مى كند و مدعی و مدعی علیه و شاهدان و مجری حدود ۷ نفر مى شوند.

در روایت ابن ابی یفور از امام صادق (ع) آمده، قال: (لا تكون جمعة ما لم يكون القوم خمسة، اگر مردم و گروه به ۵ نفر رسیدند نماز جمعه مى شود خواند و الا اقامه نمی گردد).

^۱ سنن ابی داود، حدیث ۱، باب ۶۴۴، ص ۱۰۶۱

امید اینکه در این نظام اسلامی و در این زمان مصیبت غیبت از این فریضه‌ی مهم و اثرگذار استفاده و جهت بیان حقایق و ارشاد و راهنمایی جامعه‌ی اسلامی به نحو مطلوب صورت گیرد و زمینه‌ی ظهور ولی عصر ارواحنا فداه فراهم شود.

فصل چهارم

نماز جمعه و مصالح اجتماعی

جایگاه و اهمیت نماز جمعه

از مقایسه‌ی بین نماز جمعه و دیگر عبادات اسلامی و حتی سایر نمازها می‌توان فهمید که اهمیت نماز جمعه در چیست و چرا نماز جمعه در بین سایر عبادات اسلامی از ویژگی‌هایی برخوردار است که با اندک تأملی می‌توان به کنه حقیقت آن دست یافت. مختصری از آن ویژگی‌ها که بیان‌گر اهمیت نماز جمعه است به صورت فهرست بیان می‌شود:

۱- نماز جمعه همانند بسیاری از عبادات جنبه‌ی خصوصی و فردی ندارد بلکه از شئون اسلامی به‌شمار می‌آید و همین اهمیت ویژه‌ای به این عبادت بخشیده است. در حقیقت جماعت جمعه را به مرکزیت نظام و محوریت امت پیوند می‌زند و در هر جمعه نمازگزاران با شرکت خود این پیوند را استحکام بخشیده و در تجدید این بیعت شرکت می‌کنند. همان‌طور که حاکم اسلامی اجرای حدود و صدور فرمان جهاد فی سبیل الله و تصدی امور مربوط به حج و اخذ مالیات اسلامی و تعیین مصارف آن را به عهده دارد به همین منظور باید به عنوان وظیفه‌ی حکومتی نماز جمعه را نیز اقامه کند. چنانکه حضرت علی (ع) فرمود: طبق قانون خداوند و اسلام بر مسلمانان واجب است پیش از آنکه برای خود امام و حاکمی انتخاب کنند دست به هیچ کاری نزنند، حاکمی

که دارای صفاتی چون عفت، پرهیزگاری، آگاه به قضاوت و سنت پیامبر (ص) باشد تا حقوقشان را بگیرد و مراسم حج و جمعه‌ی آن‌ها را اقامه کند و مالیات اسلامی را جمع‌آوری نماید.^۱

۲- نماز جمعه به امام جمعه مربوط است زیرا امام جمعه یا حاکم اسلامی است یا منصوب از ناحیه‌ی او، بنابراین امامت در نماز جمعه مانند امامت در نماز جماعت نیست که هرکس قرائتش صحیح و عدالتش محرز باشد بتواند به عنوان امام جماعت جلو ایستاده نماز را اقامه کند. علاوه بر شرایطی در امام جماعت باید لحاظ شود در امامت جمعه نصب و اجازه نیز شرط اصلی است. بسیاری از مذاهب اهل سنت به استثناء ابوحنیفه نماز جمعه را مانند دیگر نمازها وجوبش را به وجود حاکم نمی‌دانند. ابوحنیفه می‌گوید وجود حاکم یا نائیش شرط وجوب نماز جمعه است و الا اقامه نمی‌شود.^۲

۳- عبادت و سیاست در نماز جمعه در هم آمیخته‌اند و نقطه‌ی التقاء احکام عبادی و سیاسی اسلام می‌باشد که در هر هفته تمرین و در نماز جمعه به نمایش گذاشته می‌شود. از این جهت که امام جمعه باید به محوریت نظام و امامت امت به طور مستقیم مرتبط باشد و در خطبه مسائل روز امت اسلامی را بیان نماید و این موجب گردیده تا در هم آمیختگی عبادت و سیاست بیش از هر چیز جلوه کند.

^۱ قال علی (ع): الواجب فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین أن لا یعملوا عملاً و لا یقدموا یداً و لا رجلاً قبل أن یختاروا لأنفسهم اماماً عقیفاً و رعاً عارفاً بالقضاء و السنّة یجبی فیئهم و یتقیم حجّهم و جمعّهم و یجبی صدقاتهم.

بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه‌ی ۱۹۶

^۲ بشرط وجود السلطان و نائیه. و یسقط الوجوب مع عدم وجود احدهما.

مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه‌ی ۱۳

۴- نماز جمعه از لحاظ صوری دارای ویژگی‌هایی است که همه‌ی آن‌ها می‌توانند دلایلی بر میزان اهمیت و عظمت این فریضه‌ی عبادی سیاسی باشند زیرا این نماز همانند نمازهای یومیه نیست که هر کس به هر گونه‌ای که خواست انجام دهد بلکه دارای ضوابط و شرایط و تشریفاتی است که در انجام این نماز وجود دارد و نشانه‌ی اهمیت آن است از جمله:

- ۱- دو خطبه دارد که امام جمعه ایراد می‌نماید و از اجزاء نماز محسوب می‌شود.
- ۲- باید با جماعت برگزار شود و انجام آن به صورت فرادا صحیح نیست.
- ۳- تا شعاع شش کیلومتری نباید نماز دیگری برگزار گردد.
- ۴- تعداد افرادی که جماعت جمعه را تشکیل می‌دهند نباید کمتر از پنج نفر باشد.
- ۵- امام جمعه مستحب است در هنگام قرائت خطبه‌ها بر اسلحه یا عصا تکیه کند و عمامه بر سر و عبا بر دوش با تمیزترین لباس‌ها و معطر به بوی خوش و با وقار و متانت خود را بیاراید.
- ۶- امام جمعه از لحاظ روحی باید شجاع و دارای فکر و اندیشه‌ای توانا و بلیغ و فصیح باشد.

این نکات و شرایط ذکر شده میزان و درجه‌ی اهمیت نماز جمعه را مشخص می‌نماید و توجه ما را به این نکته معطوف می‌دارد که این نماز در نظام عبادی سیاسی اسلام جایگاهی ویژه دارد.^۱

نماز جمعه در نظام اسلامی طراحی و تشریح گردیده تا از یک طرف حاکمیت را امداد برساند و خط و مشی‌ها و آرمان‌ها و سیاست‌های ولی امر مسلمین را تبیین نماید و هر جمعه ارتباط امام با مردم را از طریق مسجد و محراب و نماز و عبادت برقرار نماید و از طرف دیگر پیوند مردم را با محوریت نظام اسلامی حفظ و مستحکم گرداند. پس نماز جمعه ارتباط متقابل امام و امت و

^۱ با رهبری در سنگر نماز جمعه، صفحه‌ی ۱۱۰

حاکمیت و مردم را به عهده دارد و از جدایی و افتراق بین مردم و حاکمان جامعه به شدت جلوگیری می‌کند.

البته این نگرش برای نماز جمعه کارکردی دوسویه قائل است بدین معنا که اگر تقویت و تأیید حاکمیت را از وظایف خود می‌داند به همین اندازه منافع و مصالح اجتماعی را نیز مد نظر دارد. زیرا یکی از ویژگی‌های حاکمیتی که بر محور امامت شکل می‌گیرد عدالت است و اصل عدالت اقتضا می‌کند تا مصالح و منافع جامعه و مردم در هیچ شرایطی نادیده گرفته نشود. لذا امام جمعه در خطبه‌ها از یک سو خواسته‌ها و سیاست‌های نظام را به مردم ابلاغ می‌کند و از سوی دیگر دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم را به سمع و نظر عوامل حاکمیت می‌رساند.^۱

امام رضا (ع) نسبت به رسالت عظیم نماز جمعه و خطیب آن سخنی ارزشمند فرمودند که به آن اشاره می‌شود: در جامعه‌ی اسلامی روز جمعه روز همگانی است و این همگانی و عمومیت که وحدت و یکپارچگی شکوهمندی را به وجود می‌آورد در نماز جمعه به نمایش گذارده می‌شود. (لان الجمعة مشهد عام). نماز جمعه یکی از امکانات حاکمیت اسلامی است و حاکم اسلامی که مدیریت جامعه را بر عهده دارد باید از این امکانات الهی در جهت سازندگی و تربیت جامعه حداکثر بهره را بگیرد. (أن یكون سبب الی موعظتهم). خطیب جمعه باید در خطبه‌های خود مصالح دینی و دنیای مردم را با بیانی رسا و کلامی بلیغ بیان نماید و آن‌ها را نسبت به آنچه خیر دنیا و آخرتشان در آن است آگاه گرداند. (و توفیقهم علی ما اراد من مصلحة دینهم و دنیاهم).^۲

^۱ اقتباس از کتاب رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۱۸۶

^۲ وسائل شیعیه، جلد ۵، صفحه ۳۹ و بحار، جلد ۶، صفحه ۷۳

امام جمعه و مصلحت نظام و مردم

یکی از آداب خطبه و خطابه این است که خطیب جمعه باید بر وفق مصلحت سخن بگوید؛ مصلحت نظام اسلامی، مصلحت جامعه و مردم. ابو حامد غزالی متوفی ۵۰۵ ه.ق در تعریف مصلحت می‌گوید: جلب منفعت و رفع ضرر در معنی اصطلاحی هم می‌گوید: منظور ما از مصلحت جلب منفعت و رفع ضرر دنیوی و حفظ مقاصد بشری نیست بلکه منظور حفظ مقاصد شرع است که در پنج مورد اهم آن‌ها خلاصه می‌شود: حفظ دین، جان (نفس)، مال، عقل، نسل.

برخی دیگر عرض (حفظ نوامیس) را نیز اضافه کرده‌اند و در توضیح گفته‌اند: حد مرتد برای حفظ دین است و حد قصاص برای حفظ نفوس است و حد زنا برای محافظت از نسل و حد سرقت برای حفظ مال و حد شراب و مسکرات برای حفظ و سلامتی عقل و حد قذف برای محافظت بر عرض و نوامیس وضع شده است.

علما و اندیشمندان اسلامی فرموده‌اند: آنچه که در حمایت از این پنج یا شش اصل دخالت دارد مصلحت است و آنچه که بر خلاف آن‌هاست مفسده است. فقها مصلحت را به اعتبارهایی تقسیم کرده‌اند که ما در صدد بیان اقسام نیستیم مگر به این مقدار که مصلحت را به دو قسم ثابت و متغیر بیان کنیم.

۱- مصلحت ثابت مصلحتی است همیشگی که با مرور

زمان و تحولات ایام دستخوش تغییر و تحول نمی‌گردد. این مصالح وقتی به عنوان ملاک احکام قرار گیرند آن احکام همه ثابت و لایتغیر می‌شوند زیرا ملاک و مصالح احکام ملاک و مصالحی دائمی است و احکام هم ثابت هستند (در وجوب و حرام) و حلال و حرام همیشه ثابت هستند مگر در شرایط خاص تغییر یابند.

مصلحت متغیر مصلحتی است که ثابت نبوده و به

اقتضای زمان و مکان موجود می‌شود. لذا احکام متغیر در اسلام به واسطه‌ی همین مصالح یا مفاسد وجود پیدا می‌کنند و وقتی آن مصلحت منتفی شد یا به مصلحت دیگر تبدیل شد حکم قبلی تغییر می‌یابد و بر این اساس خطیب جمعه با ایراد خطبه‌های پرمحتوا و بحث‌های اعتقادی، علمی و فکری نمازگزاران را با معارف الهی آشنا می‌سازد و از این طریق رشد فکری و فرهنگی را در جامعه تقویت می‌کند. در حقیقت مصلی کلاس و نمازگزاران علاقمندانی برای کسب معارف دین و افزایش اندوخته‌های علمی که با دقت و ادب گوش به فراگیری سپرده‌اند هستند. چرا که خطبه‌ی نماز جمعه یک منبر معمولی نیست که خطیب از محفوظاتش استفاده کند؛ بلکه مطالب باید نقد تازه و قوی و متین باشد و مورد سؤال و احتیاج مردم.

رسالت تبیین و تحلیل مسائل سیاسی در نماز جمعه

کسانی هنوز اصرار و بر این باور دارند که دین از سیاست جداست و رجال دینی نباید از موضع دین در سیاست و سیاست‌مداری به معنای مصطلح آن وارد شوند. این گروه معتقدند که دین‌داران باید راه مسجد و محراب را در پیش گیرند، مواعظ و نصایح خود را درباره‌ی مرگ و قیامت و بهشت و جهنم و مسائل زنانه (حیض و نفاس) و آنچه جنبه‌ی فردی دارد محدود نموده و اداره‌ی امور دنیوی باید به دنیاداران واگذار شود. حالا ریشه‌ی این تفکر از کجا و چگونه به جامعه‌ی اسلامی سرایت کرده و یا چه افراد و گروه‌هایی در جهت ترویج آن سرمایه‌گذاری کرده و می‌کنند جای بحث نیست و همین اندازه متذکر می‌شویم که این تفکر با هدف قربانی کردن دین و مبارزه با جنبه‌های پویای ستم‌ستیزی و عدالت‌گستری ادیان الهی امثال جهاد، شهادت، حکومت، امر به معروف، نهی از منکر، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت دیگران، ارتباط معاش و معاد و آمیختگی دنیا و آخرت شکل گرفته است. استعمارگران غربی با استناد به برخی خرافات ادیان

تحریف شده و عملکرد نامعقول و غیرمنطقی کلیسای قرون وسطی زمینه را برای رواج چنین تفکری فراهم آوردند و از این طریق به اهداف شوم خود که همان چپاول منابع سرشار کشورهای مورد نظر بود دست یافتند.^۱

آیین انسان ساز اسلام چنین تفکری را مردود و منحرف می داند، زیرا این تفکر بر بخش عظیمی از احکام حقوقی، سیاسی، اقتصادی و حتی عبادی اسلام خط بطلان کشیده و آن ها را از محدوده دینی خارج می سازد زیرا برخی از احکام عبادی اسلام مانند نماز و حج که رابطه ی خاص بندگان خدا را با آفریدگارشان تنظیم و تحکیم می بخشند عاری از عنصر سیاست نیستند.

اهل لغت کلمه ی سیاست را این گونه معنا کرده اند: السّیاست استصلاح الخلق بارشادهم الی الطریق المنجی فی العاجل و الاجل^۲. سیاست و سیاستمداری یعنی همت گماشتن بر اصلاح امور مردم و هدایت آنان به راهی که در دنیا و آخرت موجب رشد و رهایی آنان گردد.

آیا ادیان آسمانی و فلسفه ی ارسال رسل و انزال کتب جز برای تنظیم اداره ی امور دنیا و آخرت مردم بوده است. اگر مسائلی همچون ارتباط با هم نوع در تمام اقسام آن مثل اقتصاد، تأمین نیازهای مادی، فرهنگی و آنچه مربوط به روح و روان است را جزء امور دنیایی که مقدمه ای برای آخرت می باشد بدانیم دیگر حقی نداریم که سیاست را از دیانت جدا کنیم.

در حدیثی از علی بن موسی الرضا آمده پیرامون اوصاف امامان معصوم (علیهم السلام) که می - فرماید: ألامام مضطلع بامر الله عزوجل و ناصح لعباد الله حافظٌ لدین الله^۱. امام کسی است که بر رهبری

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۷۰

^۲ اقرب الموارد، کلمه ی سوس

توانا، در سیاست دانا و پیروی از او واجب است. امام قیام‌کننده به امر خدا، خیرخواه و نصیحت‌کننده‌ی بندگان خدا و حافظ و نگهبان دین خداست.

با توجه به این مختصر مطالب ذکر شده امت اسلامی نباید از آنچه در جهان می‌گذرد بی‌اطلاع و نسبت به حکومت‌های خرابکارانه و دشمنان و معاونت‌ها و کمک‌های دوستان خود بی‌تفاوت باشد، زیرا نظام اسلامی بر این اساس استوار است که مردم با جدیت هر چه بیشتر نسبت به اخبار و رویدادهای زمان خود و مسائل مستحدثه اعم از مثبت و منفی حساسیت نشان بدهند. بدین صورت که ابتدا رویدادها را بدانند و به اصطلاح معرفت سیاسی، اجتماعی خویش را کامل نمایند و سپس با معیارهای ارزشی آن‌ها را مورد تحلیل قرار داده و در مقابلشان موضع‌گیری کنند.

تأکید نظام تربیتی اسلام بر این است که هرگاه مسلمانی بخواهد در چنبره‌ی چرخ حوادث دوران گرفتار نگردد باید خود را با معلومات مورد نیاز زندگی و متناسب با زمان مسلح نماید و تحولات جاری زمان را به خوبی بشناسد. پیشوای ششم ما امام صادق (ص) فرمود: العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس^۲.

نماز جمعه بهترین جایگاه برای مسائل سیاسی

اسلام بهترین و مناسب‌ترین جایگاه را برای بیان مسائل سیاسی، نماز جمعه می‌داند زیرا نماز با وجود ویژگی‌های خاص خود در جهت روشنگری اذهان موفق‌تر و تأثیرگذارتر بر فرهنگ عمومی

^۱ اصول کافی، کتاب الحجّة، ج ۱، ص ۳۸۹

^۲ کسی که به مقتضای زمان خود آگاه باشد مورد هجوم مشکلات قرار می‌گیرد.

بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۲۶۹

بیشتر است. نماز جمعه از طرفی به امامت امت ارتباط پیدا می‌کند و شأن حکومتی دارد و از طرف دیگر با خطابه و خطبه آغاز می‌شود و خطیب جمعه که از طرف ولی امر مسلمین خطبه را می‌خواند علاوه بر حمد و ثنای الهی و توصیه به تقوی حوادث واقعه را متذکر می‌گردد و نسبت به حوادث آتیه هشدار می‌دهد. همان‌طور که حضرت رضا (ع) فرمود: یخبرهم بما ورد علیهم من الافاق و من الاحوال التي لهم فيها المصرة و المنفعة^۱. امام جمعه در خطبه نمازگزاران را از حوادث خوب و بد که در اطراف و اکناف جهان و در ارتباط با مسلمانان اتفاق افتاده باخبر می‌سازد.^۲

امام خمینی (ره) در کتاب شریف تحریر الوسیله ضمن بیان احکام نماز جمعه می‌فرماید: برای خطیب در نماز جمعه سزاوار است ضمن خطبه درباره‌ی مصالح دین و دنیای مسلمانان سخن گفته و جریانات و وقایع کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و مسائلی را که سود و زیان آن به مسلمانان برمی‌گردد و همچنین مسائلی را که به زندگی و آخرت و امور سیاسی و اقتصادی آنان مربوط می‌شود و در استقلال و سرنوشت و موجودیت اسلامی آنان تأثیر دارد تشریح کند و کیفیت رفتار و روابط با سایر ملت‌ها را بیان نماید و از دخالت کشورهای ظالم و استعمارگر خصوصاً در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان که منجر به استعمار و استثمار آنان می‌شود هشدار بدهد.

به طور کلی نماز جمعه و خطبه‌های آن مانند مراسم حج و نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) از بزرگ‌ترین سنگرهای سیاسی اسلام است و متأسفانه مسلمانان از وظایف مهم سیاسی اسلام غفلت نموده‌اند. با اینکه اسلام دین سیاست است و هرکس در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و

^۱ وسائل‌الشیعه، جلد ۵، ص ۴۰

^۲ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۷۳

اقتصادی اسلام کم‌ترین مطالعه‌ای داشته باشد می‌داند که اسلام از سیاست جدا نیست و هرکس چنین ادعایی کند قطعاً جاهل است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

متغیر بودن مصلحت و مفسده مبتنی بر صدور احکام است.

روایات متعدد از معصومین (علیهم‌السلام) رسیده که مصلحت و مفسده مبتنی بر صدور احکام متغیر می‌باشند.^۱

مصلحت‌شناس در حقیقت یک تحلیل‌گر است زیرا برای کشف مصالح باید اطلاعات گردآوری شده، پالایش و در کنار یکدیگر قرار گیرند و با درایت و نگاهی جامع حاصل کار ارائه شود. معمولاً مجموعه‌ای از اطلاعات و نتیجه‌ی چند تحلیل به شکل مصلحت جلوه‌گر می‌شود.

بعضی مصلحت را با منفعت مترادف و به یک معنی می‌دانند. البته نیمی از این سخن صحیح است و نیم دیگر غلط، زیرا هر مصلحتی با منفعت همراه است اما هر منفعتی نمی‌تواند با مصلحت همراه باشد چرا که بعضی از منافع بر خلاف مصالح هستند. خطیب جمعه باید منافعی را دنبال کند که با مصالح در تضاد نباشد و نیز مصالح جمع را بر فرد و عموم را بر گروه مقدم بدارد اگر ملاک احکام ثابت و شناخته‌شده باشد.

جمله‌ای از حضرت امام خمینی (ره) که فرمود: حکومت اصولاً قائم به تصرفاتی است که در امور نوعی مردم به عمل می‌آید و در موارد تعارض و برخورد با حقوق فردی و احیاناً جمعی حفظ نظام و مقررات حاکم به مصلحت عمومی مقدم است. در جایی که شرایط و تعارض دو حکم در یک مصداق قرار گیرند و مصالح و مفساد موجود در آن ارزیابی شوند و ملاک و مصلحت اقوی

^۱ دکتر سید محمد ناصر تقوی، انتشارات امیرکبیر، حکومت و مصلحت، ص ۱۷

بدست آمد، تصمیم‌گیری و نظر کار ساده‌ای نیست؛ خصوصاً در امور اجتماعی و سیاسی بالاخص برای مدیران و کارگزاران عالی‌رتبه‌ی نظام حکومتی که اداره‌ی زندگی مردم را در سطح عمومی بر عهده دارند دشواری دوچندان می‌شود و این کار تنها از عهده‌ی افراد کارشناس مجرب و بصیر ساخته است.^۱

و همواره در اداره‌ی امور هر جامعه مصلحت‌اندیشی‌های کلان از آن مدیریت‌های کلان آن جامعه است و مأموران و کارگزاران نظام موظف به اجرای قانون می‌باشند و هیچ مسئول اجرایی حق ندارد به بهانه‌ی مصلحت‌اندیشی اجرای قانون را متوقف نماید. قطعاً مجریان در محدوده‌ی اجرا سیاست‌های اجرایی را معین می‌کنند و رعایت مصالح اجرایی نباید متضاد با قانون و مصالح عمومی باشد. در نظام اسلامی مرجع تشخیص مصلحت و بیان مصالح مسلمین بر عهده‌ی حاکم و ولی‌امر مسلمین است.^۲

و از ویژگی‌های دیگر خطیب جمعه توانمندی او بر مصلحت‌شناسی است و باید خطبه را بر مبنای مصلحت دین و دنیای مردم ایراد نماید؛ چرا که او هم از طرف حاکم و ولی‌امر مسلمانان نماز را اقامه می‌کند و هم مدافع مصلحت مسلمانان است که در روایتی از فضل‌بن شاذان آمده: لان الجمعة منهد عام فأراد أن يكون لامام سبب الى موعظتهم و ترغيبهم في الطاعة و ترهيبهم من المعصية و فعلهم

^۱ همان، ص ۱۸۵

^۲ همان، ص ۱۸۴

و توفیقهم علی ما ارادوا من مصلحت دینهم و دنیا هم و یخبرهم بما واد علی من الافات و من الاحوال التي لهم فيها المضرّة و المنفعة.^۱

برکات نماز جمعه

نماز جمعه یکی از برکات انقلاب اسلامی است. مؤمنین در روزهای جمعه به سوی نماز جمعه می‌شتابند تا روح خویش را در زلال معرفت و ذکر حق شستشو داده و تجدید پیمان اخوت با هم و میثاق با رهبری نمایند.

هر چیزی را سید و سروری است مثل پیامبر (ص) که سرور و گل سرسبد کائنات است و علی ابن ابیطالب (ع) سیدالاصیاء است و امام حسین (ع) سیدالشهداء است و حضرت زهرا سیده النساء العالمین است و روز جمعه هم سید و سرور روزهای هفته است و به خاطر این ویژگی رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: (إن يوم الجمعة سید الايام یضاعف الله فیہ الحسنات و محواً فیہ سیئات و یرفع فیہ درجات و یرفع فیہ دعوات و یکشف فیہ الکربات و یقضی فیہ الحوائج العظام، همانا روز جمعه سرور روزهاست و خداوند متعال در آن روز حسنات را مضاعف و گناهان را محو می‌نماید و درجات را بالا می‌برد و دعاها را مستجاب و گرفتاری‌ها را برطرف می‌نماید).^۲

^۱ نماز جمعه محل اجتماع همگان است و خداوند خواسته است تا امام (جمعه) فرصت و راهی برای اندرز دادن به مردم و ترغیب آنان به اطاعت و بیم دادن از نافرمانی و معصیت داشته باشد و آنان را به رعایت مصالح دینی و دنیایی خویش آشنا سازد و از آفات و یا نهائی که بر آنان وارد می‌شود و حوادثی که موجب سود و زیان آنان است باخبر سازد.

علل الشرایع، جلد ۱، ص ۲۶۵ و عیون اخبارالرضا، جلد ۲، ص ۱۱۱

^۲ اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۴

(ثلاث لو تعلم امتد ما لهم فيهن لضربوا عليهن بالسهم، الاذان و الغدو إلى الجمعة و الصف الاول، سه چیز است که اگر انسان‌ها ثواب آن‌ها را می‌دانستند جهت به دست آوردن ثوابشان به منازعه برمی‌خواستند و سرانجام به قرعه‌کشی می‌پرداختند: اذان، رفتن به سود نماز جمعه و حضور در صف اول نمازهای جمعه و جماعت)^۱

(قال رسول الله (ص): من أتى الجمعة إيماناً و احتساباً استأنف العمل، رسول اکرم (ص) فرمودند: کسی که از روی ایمان و محاسبه و با توجه در نماز جمعه حاضر شود گناهایش پاک شده است و باید اعمال خود را از سر گیرد.)^۲ یعنی همه‌ی کارهای بد او به غیر از حق‌الناس و واجباتی که قضا دارد و یا احیاناً حقوق مالی که باید پرداخت شود از اینکه مواظب نماز جمعه است بخشیده می‌شود زیرا نماز جمعه او را در رحمت ایزد منان قرار می‌دهد.

در مورد استفاده عموم از نماز جمعه وعدم پراکندگی مردم در روز جمعه مسافری هم به نماز ترغیب شده‌اند در این خصوص امام باقر(ع) می‌فرماید: (أيا مسافر صلى الجمعة رغبة فيها و حباً لها اعطا الله مائة جمعة للمقيم. هر مسافری که در جهت عشق و علاقه در نماز جمعه شرکت نماید خداوند به او پاداش یکصد نماز جمعه غیر مسافر را می‌دهد.)^۳ چقدر عظمت در این نماز سیاسی عبادی نهفته است و قبل از تأسیس حکومتی از چه فضائلی محروم بودیم و هم اکنون هم خیلی از این همه فضائل به علت غفلت از این نماز محرومند.

^۱ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷

^۲ وسائل الشیعه، ابواب نماز جمعه، حدیث ۳، باب ۱

^۳ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۵۵

نماز جمعه و تهاجم فرهنگی

از نگرانی‌های مهم عصر ما برای ملت‌ها و دولت‌ها، مسئله تهاجم فرهنگی است که با جاذبه‌های زیاد و شتاب فراوان برای تخریب خرده فرهنگ‌ها و اعتقادات بنیادین ملت‌ها از سوی قدرت‌های استکباری، خصوصی آمریکا شروع شده است و با امکانات رسانه‌ای و تبلیغی که در اختیار دارند توانسته‌اند به درون خانه‌ها نفوذ کنند و همه اصول و ارکان جوامع بشری را متزلزل نمایند و این تهاجم در ایران اسلامی با اهداف و سازوکارهای ویژه‌ای شروع شده است که رهبر فرزانه و بیدار ما از آن به شبیخون فرهنگی تعبیر کردند و از سال‌های اول دهه هفتاد دائماً به مسئولان و مردم هشدار داده و می‌دهند. دلیل این ویژگی هم معلوم است، چون که در ایران نظامی حاکم است که به قصد مقابله با تفکرات استعماری و استکباری روی کار آمده و توانسته است ۳۰ سال با آرمان‌های خود مستقل زندگی کند و قدرت‌های انحصاری جهان را در عرصه‌های متعدد ناکام بگذارد و آن‌ها را در میدان‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی شکست بدهد و اینک تهاجم فرهنگی را شروع کرده است. لذا در تهاجم فرهنگی در همه دنیا، صدای طویل و شیپور آن به گوش می‌رسد. ایران اسلامی با تکیه بر فرهنگ غنی اسلامی و تمدن دیرینه‌ی خود با قامتی رسا ایستاده است و مهاجمان با توجه به این خصوصیات ایران انقلابی برای آن حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند و در ستاد جنگ (کاخ سفید) برای تهاجم به جمهوری اسلامی اولویت‌های خاصی در نظر گرفته‌اند (بودجه‌های اختصاصی آمریکا برای تبلیغات در ایران). بدیهی است که تهاجم فرهنگی از خطرناک‌ترین و زشت‌ترین جنگ‌هاست و اگر ملت‌ها و رهبران آن‌ها غافل باشند و به موقع اقدام نکنند خسارات جبران ناپذیری بر آن‌ها وارد می‌گردد و منجر به اضمحلال و نابودی ملت‌ها برای همیشه‌ی تاریخ می‌شود.

به حمدالله که در ایران انقلابی با هشداری که رهبر انقلاب در اوایل دهه هفتاد دادند و پرچم مبارزه را خود در دست گرفتند، شخصیت‌ها و نهادهای فرهنگی زیادی آماده‌ی مقابله و پاسخ

گویی به دشمن شدند که نهاد نماز جمعه یکی از فعال‌ترین و کارآمدترین آن‌ها بوده است. اگر اول بدانیم دشمن تخریب و نابودی چه اهدافی را در نظر دارد بهتر می‌توانیم خط دفاع و نیروی مدافع آن را ترسیم و تهیه کنیم.

اهداف مورد هجوم دشمن

هدف اول و مهم‌ترین هدف دشمن ساقط کردن جمهوری اسلامی و شکست تئوری موفق انقلاب اسلامی است و برای رسیدن به این مقصد از چند جبهه وارد عمل شده‌اند:

الف - جدایی دین از سیاست

دشمنی می‌داند که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی زائیده تلفیق مبارک دیانت و سیاست بوده است، لذا برای تبلیغ جدایی این دو از هم سرمایه‌گذاری فراوان شده و قلم به دست‌های مزدور زیادی در عرصه‌ی مطبوعات داخلی و خارجی به میدان آمده‌اند و صدها سخنرانی و مقاله و کتاب را در کمین امت اسلامی مخصوصاً جوانان ما به کار گرفته‌اند. به کار گرفتن سلاح فوق مدرن لیبرالیسم و دموکراسی و لائوسم برای تخریب دژ محکم سیاست ما عین دیانت ما بوده است.

نماز جمعه دفاع از جبهه دیانت و سیاست

نماز جمعه به لحاظ این که امری است عبادی، سیاسی، هم در تهاجم دشمن در اولویت بوده و هم در میان مدافعان اسلامی در خط مقدم باید حرکت می‌کرد. به همین جهت محکم‌ترین پاسخ‌ها به دشمن از سوی نماز جمعه بوده است. به این شکل که در هر نقطه‌ی ایران که پرچم نماز جمعه برافراشته شده است یعنی دین و سیاست به هم پیوسته است. هم به خاطر ماهیت نماز جمعه و هم به خاطر خطبه‌ها و تحلیل‌هایی که توسط ائمه‌ی جمعه طرح و بیان می‌شوند.

ائمه‌ی جمعه از این جهت که جزء شاخص‌ترین رجال روحانی و مذهبی هر منطقه هستند حضورشان در هر جمع و محفلی یادآور پیام رسای شهید بزرگوار مرحوم آیت الله مدرس است که سیاست ما عین دیانت ماست.

بنابراین کلیه‌ی تشکیلات وابسته به نهاد امامت جمعه خنثی کننده‌ی تبلیغات دشمن است و هر چه نماز جمعه پررونق‌تر باشد دشمنان ناکام‌تر خواهند شد و نماز جمعه‌ای که خطیب آن با تکیه بر سلاح، توصیه به تقوا می‌کند و توطئه‌های دشمن را افشا می‌کند و دو خطبه‌ای که به جای دو رکعت نماز است خود بهترین فریاد است برای این که دیانت ما از سیاست ما جدا نیست.

ب - در هم شکستن وحدت ملی

از محورهای مهمی که دشمن در تهاجم فرهنگی مورد هجمه‌ی سخت قرار داده تا نظام ما را ساقط کند وحدت ملی است. رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با علما در سال ۱۳۷۶ فرمودند: "تبلیغات دشمن روی چند نکته متمرکز است و اولین آن‌ها ایجاد تفرقه و اختلاف است. دشمن با ایجاد اختلاف‌های اعتقادی، قومی، سیاسی و فرقه‌ای سعی در ایجاد تفرقه در میان ملت ما را دارد. بحث‌های اختلاف‌انگیز اعتقادی، تشدید حساسیت‌های قومی، ساخت و ایجاد احزاب مختلف سیاسی، ایجاد فرقه‌ها و سنت‌های بی‌اساس از مهم‌ترین شیوه‌ها و سلاح‌های دشمن در این محور بوده است.

نقش نماز جمعه در دفاع از وحدت ملی

همه‌ی کسانی که با روح نماز جمعه آشنا هستند و حتی کسانی که اسم نماز جمعه را شنیده‌اند می‌دانند که نماز جمعه مشهد عام و محل اجتماع هفتگی مردم یک منطقه است. مهم‌ترین پیام نماز جمعه وحدت و برادری میان مؤمنان است وقتی در نماز جمعه همه‌ی اقشار موظف به شرکت هستند و امام جمعه موظف است از تقوا صحبت کند در حقیقت نماز جمعه ترجمه این آیه‌ی شریفه

است : {یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اکرمکم عندالله اتقکم}

قومیت‌ها و سلیقه‌ها هم در جای خود محترم ولی امتیازها به تقواست. این پیام خنثی‌کننده‌ی تحریکات قومی و حزبی دشمن می‌شود. از سوی دیگر نماز جمعه در میان تمام قومیت‌ها و سلیقه‌های ایرانی به حمدالله برگزار می‌شود و زنجیره‌ی واحدی می‌سازد که از سراسر کشور به یک مرکز و آن‌ها به رهبری متصل می‌شود و خود عامل مهمی در یک رنگ کردن مردم و ایجاد وحدت ملی و دفع تهاجم دشمن است.^۱

ج - بی تفاوت کردن مردم

از آنجا که نظام اسلامی ما با تکیه بر مردم ایجاد شده و توسط آرای مردم تمام ارکان آن شکل گرفته است و هر سال حداقل یک انتخابات برگزار کرده و مردم در صدها راهپیمایی و تجمع از انقلاب اسلامی خود دفاع کرده‌اند و دشمن از نقش این حضور در صحنه‌های مختلف همچون مقابله با شاه خائن و منافقین و جنگ هشت ساله صدام و ... آگاه است در تهاجمی برای بی تفاوت کردن مردم جبهه‌ی خاصی گشوده و از طرق مختلف وارد عمل می‌شود ، مانند بدبین کردن مردم به نظام ، کم اهمیت جلوه دادن حضور آن‌ها، ایجاد اختلاف، سردرگم کردن آن‌ها در امورات مختلف و فرعی و نا امید کردن ملت از آینده.

رهبر عزیز انقلاب در دیدار علما در سال ۱۳۷۶ به نقطه‌ی دومی که دشمن روی آن تبلیغات خود را متمرکز کرده است اشاره کرده و آن را تیره و تار و مبهم جلوه دادن آینده دانستند.

به صحنه آوردن مردم

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، ص ۸۰

بی‌شک فراخوان هفتگی نماز جمعه با ساده‌ترین شیوه و کم‌ترین هزینه و حضور پرشور میلیون‌ها انسان مؤمن در سراسر کشور از زیباترین و خاص‌ترین جلوه‌های حضور ملت در عرصه‌های سیاسی و عبادی است و نقش نماز جمعه در به صحنه آوردن این خیل عظیم غیرقابل انکار است. آگاهی بخشی و اطلاع رسانی به مردم که از سوی امامان جمعه انجام می‌شود از عوامل مهم رشد سیاسی و اجتماعی مردم است. هر هفته خطیب جمعه آن‌ها را به وظیفه خطیر خود که حفظ نظام و آشنایی با مسایل و حوادث جهان است آشنا می‌کند و تذکر می‌دهد و پیام امامان جمعه توسط نمازگزاران به کوچه و بازار و به درون خانه‌ها می‌رود و جامعه را حساس و بیدار نگاه می‌دارد. در اکثر قریب به اتفاق شهرها راهپیمایی‌های بزرگ و میلیونی یا از محل نماز جمعه شروع می‌شود و یا در محل نماز جمعه ختم می‌گردد و مصلاهی نماز جمعه یادآور تجمع، ازدحام، حضور، شور و شعور جامعه است و بانگ هفتگی نماز جمعه چون خروس صبحگاهی اجازه نمی‌دهند امت اسلامی حساسیت خود را نسبت به مسایل جامعه از دست بدهد و دچار غفلت و بی‌تفاوتی شود.^۱

نماز جمعه و دفاع از اعتقادات دینی

نماز جمعه همین که توانست که در مقام پدافندی سالم بماند و خود را حفظ کند و اجازه نداد کرکسان آهنین ماهواره‌ای به آسمان آبی آن نزدیک شوند نشانه‌ی توانمندی و استحکام این سنگر الهی است که نه تنها خود را حفظ می‌کند، بلکه به بلند شدن ندای جمعه در هر هفته دل‌های به هراس افتاده از هیبت دشمن را آرامش می‌بخشد و صدها هزار سرباز وفادار به خود را پناه می‌دهد و برای یک هفته آن‌ها را ایمن‌سازی و مجهز به سلاح صبر و بصیرت می‌نماید و به میدان کارزار گسیل می‌دارد. نماز جمعه رساترین رسانه‌ای است که از دین و ارزش‌های انقلاب اسلامی دفاع می‌کند. کدام نماز جمعه را سراغ دارید که از اصول اعتقادات و فروع آن حراست نکرده باشد و

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، ص ۷۹

نمازهای جمعه در حالی در خط مقدم جبهه در دفاع از اعتقادات و ارزش‌ها مبارزه می‌کنند که از نظر امکانات و مقدورات دست خالی هستند و فقط با چنگ و دندان از حریم دین و ارزش‌ها دفاع می‌کنند. نمازهای جمعه گرچه در بخش مبارزه با ابتذال و فرهنگ منحط غربی از روش‌های مدرن تأثیرگذار کمتر استفاده کرده‌اند، ولی نقش نماز جمعه و امامان جمعه در یک شهر و منطقه و ابهت معنوی و فرهنگی آن برای دشمن موجب رعب و وحشت بوده و برای دوستان و سربازان مدافع ارزش‌ها در برابر ابتذال، مایه دلگرمی و امیدواری است. هرچند امامان جمعه‌ای هستند و بوده‌اند که خود را به خط مقدم رسانده و در شهر و منطقه‌ی خود پرچم‌دار مبارزه با ابتذال شدند و از شیوه‌های بسیار مؤثر هم استفاده نمودند، اما تمامی نمازهای جمعه در پشتیبانی از جبهه‌ی حق جزء کارآمدترین نهادها به شمار می‌آیند.

کارآمدی نظام و امیدواری مردم به آینده

از مسائل مهمی که دشمن روی آن هجمه‌ی تبلیغاتی زیادی داشت و آتش پرحجم رسانه‌ای خود را روی آن فرو می‌ریخت این بود که نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهد. از مسئولان مفید و مؤثر، کارهای مهم و کلیدی که در عرصه‌های اقتصادی و خدماتی و علمی انجام می‌شد سعی می‌کرد آن را کم اهمیت یا بی‌خاصیت جلوه دهد و اگر نقاط ضعفی در گوشه و کنار کشور پیدا می‌کرد آن را بزرگ و مهم جلوه دهد. حمله به قانون اساسی، نظام ولایت فقیه، انتخابات مجلس، شورای نگهبان، دادگاه‌ها، نهادهای انقلابی و روحانیت به قصد تخریب و تضعیف نهادها و شخصیت‌های انقلابی بوده است تا آن‌ها را ضعیف و ناکارآمد جلوه دهد.

نقش نماز جمعه در دفاع از توانمندی‌ها و موفقیت‌های نظام

نمازهای جمعه یکی از نزدیک‌ترین و قابل دسترس‌ترین تربیون‌ها برای گزارش دادن مسئولان هر منطقه و شهر از خدمات و عملکرد خود بوده است و هر سال به مناسبت‌های مختلف مسئولان بخش‌های گوناگون از طریق تربیون نماز جمعه موفقیت‌های خود را مطرح می‌کنند. علاوه بر آن

خطیبان نماز جمعه هم به مناسبت‌های گوناگون خدمات و موفقیت‌های دولت در نظام را برای مردم بازگو می‌کنند و با زبان ساده و رسا بیان می‌کنند. اگر خطبه‌ها و سخنرانی‌های ائمه‌ی جمعه در بیان توفیقات نظام جمع‌آوری شود قطعاً هزاران مورد خواهد بود.

انزوای جمهوری اسلامی و قطع رابطه با ملت‌ها

انزوای جمهوری اسلامی و قطع رابطه با ملت‌های دیگر که به فرموده رهبر بزرگوار انقلاب (ره) الان صدها کتاب بر علیه تشیع و نظام اسلامی در حال نوشتن و انتشار است.

انصافاً دشمنان از وحدت و بیداری امت اسلامی در هراسند و لذا گاهی توسط روحانی نماهای بی‌تقوا، یا ملی‌گراهای بی‌تعهد و مرعوب غرب اختلالات مذهبی و اعتقادی و قومی و نژادی را به حدی دامن می‌زنند که بین ملت‌ها فاصله‌های زیادی ایجاد می‌شود. دشمن سعی دارد انقلاب اسلامی را شیعی و ایرانی جلوه دهد تا برادران سنی‌مذهب و سایر قومیت‌های اسلامی به آن نزدیک نشوند. همچنان که تلاش می‌کنند مسئله‌ی فلسطین را عربی و سنی معرفی کنند تا ملت‌های غیر-عربی و غیرسنی به آن نپیوندند.

نماز جمعه و ایجاد وحدت بین ملت‌ها

رهبر معظم انقلاب در همان سال‌های دهه‌ی هفتاد (سال ۱۳۷۴) در جمع ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور فرمودند: "در حال حاضر دستگاه امامت جمعه یک دستگاه زنده است و در خطبه‌ها باید به صورت بنیادی به معالجه‌ی این سه مسئله (ناامیدی به آینده، ترویج جدایی دین از سیاست، قطع رابطه با ملت‌ها) پرداخته شود. نماز جمعه را اگرچه خداوند متعال برای مقابله با این گونه معضلات واجب فرموده و همان طور که در روایات آمده مشهد عام و محل وحدت اسلامی است، معضلات آن‌ها را بیان کند و آن‌ها را از توطئه‌ی دشمن مطلع سازد" و به حمدالله در ایران اسلامی بعد انقلاب نماز جمعه این رسالت الهی را به خوبی ابلاغ کرده است و با هدایت امام (قدس سره) و

رهبر معظم انقلاب همیشه نماز جمعه محور وحدت و پیوند ملت‌ها بوده است. در نمازهای جمعه برای مسلمانان جهان دعا می‌شود. در نماز جمعه برای مسلمانان فلسطین، بوسنی، افغانستان و عراق کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌شود. در نمازهای جمعه از زبان امامان جمعه مردم در جریان حوادث جهان اسلام و ملت‌های اسلامی قرار می‌گیرند.

در نمازهای جمعه از حرکت‌های انقلابی مسلمانان در اقصی نقاط عالم حمایت بسیار می‌شود. در نماز جمعه مردم به نفع مسلمانان جهان راهپیمایی می‌کنند و شعار می‌دهند و از همه مهم‌تر روز جهانی قدس که روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان به فرموده امام (ره) برای حمایت از مردم فلسطین معین گردیده، روز حمایت از اسلام است نه یک قوم و یک سرزمین. بنابراین نماز جمعه بهترین مدافع همه‌ی مسلمانان است و نقش آن در خنثی کردن تهاجم دشمن برای ایجاد تفرقه بر کسی پوشیده نیست.^۱

نقش نماز جمعه و جماعت در اتحاد ملی

وحدت در هر جامعه‌ای کلید موفقیت و رمز پیروزی است. هر مشکلی را در سطح ملی باید با وحدت ملی حل کنیم حتی اقتدار ملی در پرتو وحدت ملی به وجود می‌آید، همچنین منافع ملی را باید از طریق وحدت ملی پاسداری کنیم و اگر ادعا شود که حیات و بقاء، بالندگی و والایی یک ملت به وحدت ملی بستگی دارد سخن گزافی به زبان نرفته است.

دستگاه‌های فرهنگی و مدیران متفکر و به ویژه رسانه‌ها نسبت به تحقق مفهومی این شعار مسئولیت سنگین‌تری را بر عهده دارند ولی متأسفانه تا این لحظه کار اساسی و قابل توجهی انجام نگرفته است.

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، ص ۸۰

تجربه نشان داد که ملت ما ، انقلاب را با وحدت به پیروزی رسانید و همین گونه کشور را باید با وحدت بسازیم و مشکلات را با وحدت مشکل گشا باشیم.

ما از طریق وحدت نه تنها تولید اقتدار می کنیم بلکه تولید دیگری از نوع عاطفه و صمیمیت نیز به دست می آوریم چون در هر جا که وحدت باشد مهر و عاطفه نیز به وجود می آید. بنابراین با تقویت و تحکیم وحدت بار عاطفی جامعه را افزایش بدهیم و به فضای سرد و یخ زده گرما و نشاط ببخشیم.

ما امروز در جامعه ، مقولات وحدت بخش فراوان داریم ، مقولاتی که به عنوان نقاط مشترک مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق جامعه است . به طور نمونه اسلام عزیز، ایران گرامی، قانون اساسی، زبان شیرین فارسی و انقلاب شکوهمند اسلامی و ... از مقولات وحدت آفرین در سطح ملی هستند.

امروز اصل ولایت فقیه و شخص ولی فقیه در رأس نظام اسلامی، محور وحدت است و ملت بزرگ و باایمان ما حول محور این اصل متریقی می تواند به وحدت و اقتدار ملی شکوه و عظمت بیشتری ببخشد.

نماز جمعه که تشریع و تأسیس آن (از این منظر) برای تقویت و تمرین وحدت در جامعه می باشد و ترکیبش پیام وحدت را به جامعه القا می کند نقش بسیار سازنده ای در وحدت ملی ما دارد.

خطبه ها و خطابه ها در ترویج فرهنگ وحدت و تخریب عوامل تفرقه نقش سازنده و تأثیر بالنده ای ایفا می کنند . امام جمعه از مسند بلند امامت با آهنگ وحدت، کاروان امت را مدیریت و هدایت می کند . او تلاش می کند تا همه ی گروه ها و احزابی که در اصول با یکدیگر اشتراک عقیده دارند ولی در سلیقه ها با یکدیگر هم آوا نیستند را در کنار هم قرار بدهد و چینش سلیقه ها را در صفوف فشرده ی نماز، با جهت گیری به سمت و سوی کعبه به نمایش بگذارد.

علت نام‌گذاری روز جمعه به نام جمعه چیست؟

نماز جمعه در واقع میثاق با ولایت است. وقتی از امام صادق (ع) سؤال می‌شود که علت نام‌گذاری روز جمعه چیست؟ امام در پاسخ می‌فرمایند: "لان الله جمعه فيه الخلق لولاية محمد (ص) و اهل بيته (ع)" علت نام‌گذاری این روز است که خداوند متعال همه‌ی موجودات و مخلوقات را در این روز جمع کرد به خاطر دو هدف. یکی تحقق ولایت پیامبر (ص) و دیگری اهل بیت (ع). بر اساس این نکات روز جمعه باید به عنوان روز ولایت شناخته شود و نماز جمعه در واقع تجلی ولایت و نماد ولایت است. طبیعی است که مساجد جامعی که در آن نماز جمعه اقامه می‌شود، محلی است که ولایتمداران در روز جمعه در آنجا اجتماع می‌کنند.

موقعیت و اهمیتی که نماز جمعه نسبت به سایر عبادات جمعی در نظام اسلامی دارد

اینگونه بیان شده

امام (ره) در چند مورد فرمودند که بعضی امور در رأس امور هستند. مثلاً در خصوص مجلس فرمودند که مجلس در رأس امور است و در خصوص جنگ فرمودند جنگ در رأس امور است. سومین موردی که امام (ره) فرمودند که در رأس امور است نماز جمعه بود. نماز جمعه خود یک جبهه‌ی سیاسی - فرهنگی است و محیط مناسبی برای فعالیت سیاسی - فرهنگی به شمار می‌رود.

از نماز جمعه می‌توان به عنوان سنگری در مقابل تهاجمات دشمن یاد کرد. بهترین فعالیت را می‌توان در سنگر نماز جمعه انجام داد. نماز جمعه نمایش اقتدار اسلامی است و پشتیبانی آحاد مسلمانان از حاکمیت دینی را نشان می‌دهد که به صورت مستمر و فراگیر در سطح کشور هر هفته برگزار می‌شود.

همه‌ی مسلمین باید به این مهم اهمیت لازم را بدهند. مقام معظم رهبری هم در باب اهمیت نماز جمعه بارها نکات خوبی را مطرح فرموده‌اند. ایشان در دهمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه سراسر کشور فرمودند: "نماز جمعه یک سنگر بسیار کارآمد در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن است که باید

قدر آن را دانست ، این جزو گرانبهاترین دستاورد های انقلاب است." مجموع این نکات بیانگر این است که نماز جمعه از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است. شاید این تعبیر مناسب باشد که نماز جمعه به مفهومی یک رسانه‌ی رسمی حاکمیت دینی است که پیوند عمیقی میان امام با امت برقرار می‌کند.

چرا در نماز جمعه خطبه قرار داده شده است؟

در پرسش و پاسخی که فضل بن شازان با امام هشتم (ع) دارد آمده که چرا در نماز جمعه خطبه قرار داده شده است؟ حضرت فرمودند به این دلیل که روز جمعه و نماز جمعه فضایی را ایجاد می‌کند که عامه‌ی مردم در آن حضور پیدا می‌کنند و خداوند متعال اراده کرده برای امام مسلمین و حاکم دینی یک زمینه و بستری فراهم شود تا او بتواند مردم را موعظه کند و آن‌ها را راهنمایی کند.

تأثیرات نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

نماز جمعه دارای آثار و برکات فراوانی در ابعاد مختلف است. نماز جمعه نقش مؤثری در ایجاد اخوت و محبت در میان نمازگزاران دارد و مردم را به مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دعوت می‌کند. نماز جمعه نقش مؤثری در اتحاد مسلمین دارد و آن‌ها را به سمت و سوی یک هدف واحد هدایت می‌کند و باعث یک‌رنگی و یک‌پارچگی مردم می‌شود. مباحثی که در نماز جمعه مطرح می‌شود خوراک مناسبی برای مردم از لحاظ روحی و فکری است. در نماز جمعه خطیب ملزم است که به عنوان رکن واجب خطبه مردم را دعوت به تقوا نماید. کمتر خطبه‌ای از امیرالمؤمنین وجود دارد که در آن مردم را دعوت به تقوا نکرده باشد. در قرآن هم ۲۵۲ بار درباره‌ی تقوا و مشتقات آن سخن به میان آمده است. نماز جمعه در جهت خنثی سازی توطئه‌های دشمن نقش مؤثری ایفا کرده است. چه بسیار نقشه‌های شوم که در نماز جمعه خنثی شده‌اند و موجبات عصبانیت آنان را فراهم ساخته است. در دوران جنگ نماز جمعه نقش پشتیبانی انسانی و مادی و معنوی را به خوبی ایفا کرد. بسیاری از رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس از نمازهای جمعه به

جبهه‌ها اعزام می‌شدند. کمک‌های سرشار اقتصادی نیز از نمازهای جمعه به جبهه‌ها سرازیر می‌شد. بعد از جنگ نیز ما حوادث طبیعی بسیاری داشتیم که نماز جمعه محلی برای جمع آوری کمک‌های اقتصادی مردم مسلمان بود. بحران‌هایی که در اوایل انقلاب در کشور رخ داد توسط ائمه‌ی جمعه‌ی شهرستان‌های مختلف خنثی می‌شد و در بسیج مردم و سازماندهی راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردم و دعوت آنان به حضور در صحنه نیز فعالانه عمل می‌کردند. مردم همچنان با حضور گسترده‌ی خود در صفوف منظم نماز وحدت خود را به نمایش می‌گذارند و در واقع نماز جمعه عاملی است که مردم را با احکام و برنامه‌های وحدت‌بخش روحیه‌ی تعاون و همکاری در جامعه‌ی اسلامی آشنا می‌کند و قدرت اسلامی را به نمایش می‌گذارد. امام خمینی (ره) در این خصوص فرمودند: نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت ما گمان نکند که نماز جمعه یک نماز عادی است. نماز جمعه‌ی باشکوه‌مدی که دارد برای نهضت ما یک پشتوانه‌ی محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است. ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم‌تر و بلندپایه‌تر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه‌های خائنانه و دسیسه‌های مفسدان خنثی شود.^۱

در آیات بسیاری از قرآن به مسئله‌ی اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت آن میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید شده است. در این آیات پدیده‌ی اتحاد به عنوان امتحان الهی دانسته شده و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی برشمرده است. در نگرش قرآن ایجاد و حفظ چنین یگانگی و همدلی و هم‌رایی در میان مؤمنان به علت ارسال پیامبران و عمل به شرایع دانسته شده و از امت خواسته شده با تمسک به دین و آموزه‌های قرآن و روش و سنت پیامبر (ص) اتحاد و انسجام خود را حفظ کنند.^۲ و در سوره‌ی مبارکه‌ی انعام فرمود:

^۱ صحیفه‌ی نور، ج ۹، ص ۹۷

^۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۳

راه مستقیم و راست من این است. از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید تا از راه خدا متفرق شوید.^۱

تفرقه و اختلاف امری است که در این آیه توجه به آن شده است و آسیب‌های عدم اتحاد و اختلاف روشن و تبیین گردیده است. آسیب‌هایی که نه تنها درباره‌ی آن هشدار داده شده است بلکه بنا به فرمایش علامه طباطبایی تأکید قرآن بر اتحاد و پرهیز از اختلاف به سبب پیش‌بینی از وقوع اختلاف در میان امت اسلامی است.^۲

بررسی علل تفرقه

تفرقه‌ی مسلمین علل گوناگونی دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- توطئه‌ی شیاطین (استعمار، سازمان‌های جنایتکار، دسیسه‌های اجانب و ابر قدرت‌ها)

۲- هواهای نفسانی

۳- گروه گرایی

۴- جزئی نگری

ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی اختلافات از منظر قرآن

اتحاد در اصطلاح سیاسی به معنای یگانه شدن دو یا چند کشور و پذیرش نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی واحد است که در پی آن به همه‌ی آن‌ها یک ملت و یا یک کشور اطلاق می‌شود.^۳ مفهوم

^۱ و أن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۵۳

^۲ المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴

^۳ المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۱۰۱۷ و نیز دائرةالمعارف بستانی، ج ۲، ص ۴۴۰

فدرال و فدراسیون در ادبیات کشور های غربی به معنای نوعی از اتحاد میان شهروندان چند واحد سیاسی از ایالت و یا کشور است که در آن برخی از اختیارات به مرکز واگذار می شود تا مدیریت کلان اتحادیه را به عهده گیرد. کشور های فدرال آلمان ، آمریکا و روسیه نوعی از اتحاد ایالتی درون واحد جغرافیایی خاص و اتحادیهی اروپا از نمونه های بارز این گونه اتحاد سیاسی میان کشورها در واحد جغرافیایی بزرگ تری است.^۱

در همه ی کاربردهای اتحاد می توان صبغه ای از مسائل سیاسی و اجتماعی را یافت . اگر امت، هم عقیده و هم رأی با یکدیگر شوند، نمی توان ابعاد و آثار سیاسی و اجتماعی پدیده ی اتحاد امت را نادیده گرفت و تنها به آثار فلسفی و یا حقوقی و اخلاقی آن اشاره کرد. از این روست که سخن گفتن از اتحاد و یا اختلاف ارتباط تنگاتنگی با مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا می کند. در آیات بسیاری از قرآن به مسئله ی اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت آن میان جهانیان ، ادیان ، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید شده است. در این آیات پدیده ی اتحاد به عنوان امتنان الهی دانسته شده و پیوند میان دل های مؤمنان را نوعی تصرف الهی بر شمرده است. در نگرش قرآنی ایجاد و حفظ چنین یگانگی و همدلی و هم رأی در میان مؤمنان به علت ارسال پیامبران و عمل به شرایع دانسته شده و از امت خواسته شده تا با تمسک به دین و آموزه های قرآن و روش و سنت پیامبر (ص) اتحاد و انسجام خود را حفظ و تحکیم کنند.^۲

در آیه ی ۱۵۳ سوره ی انعام آمده است: (و ان هذا صراطی مستقیماً فاتتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبيله، و این (دین اسلام) راه مستقیم و راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید تا از راه خدا متفرق شوید.)

^۱ دانش نامه ی سیاسی، داریوش آشوری، اصطلاحات اتحادیه و فدراسیون

^۲ سوره ی بقره، آیه ی ۲۱۳- سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۴- سوره ی انعام، آیه ی ۱۵۳

تفرقه و اختلاف امری است که در این آیه توجه شده است. آسیب‌های عدم اتحاد و اختلاف روشن و تبیین گردیده است. آسیب‌هایی که نه تنها در دنیا و شیوه‌ی زیست و بهره‌مندی از دنیا پدیدار خواهد شد بلکه برآیند آن به آخرت نیز کشیده و انسان از آثار سوء آن در امان نخواهد بود. در این نوشتار بر آنیم تا با تحلیل آیات و آموزه‌های قرآنی، بینش و نگرش قرآن را نسبت به آثار زیان‌بار اختلاف و عدم اتحاد تبیین و تحلیل کنیم. باشد تا با پندآموزی از آیات و شناخت آثار و پیامدهای اختلاف از عوامل اختلافی پرهیز و بر عوامل اتحاد تأکید و عمل شود.

انواع اختلافات بشری

قرآن اختلافات بشری را در چند دسته بیان می‌کند، عامل هر یک را نیز بیان داشته و راه‌های برون‌رفت از آن را نیز بیان می‌دارد. از انواع و اقسامی که قرآن بیان می‌دارد می‌توان به اختلافات عقیدتی و اجتماعی اشاره کرد که از مهم‌ترین و مؤثرترین اقسام اختلاف می‌باشد.

از منظر قرآن ریشه‌ی اختلاف در انسان به مسأله‌ی استخدام‌گری انسان باز می‌گردد. قرآن در این باره به گرایش ذاتی بشر به مسأله‌ی استخدام توجه داده و می‌فرماید: (و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً، و ما برخی از مردمان را بر برخی دیگر به درجات برتری دادیم تا برخی از ایشان، برخی دیگر را به تسخیر خود درآورند).^۱ تسخیر و استخدام دیگری در این آیه به عنوان عاملی طبیعی در نهاد و سرشت بشر یاد شده است. همین مسأله می‌تواند عامل و ریشه‌ی اصلی بسیاری از اختلافات و پدیداری تضاد منافع گردد.

علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان با استناد به آیات چندی از قرآن بر این نگرش پافشاری می‌کند که اصل در انسان استخدام‌گری و تسخیر دیگری است و ریشه‌ی اجتماعات را باید در مسأله‌ی استخدام‌گری انسان جست. به این معنا که استخدام‌گری انسان موجب شد تا انسان به سوی جامعه گرایش یابد و جامعه‌طلبی و جامعه‌پذیری به عنوان یک عارض انسانی نمود پیدا کند.

^۱ سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۳۲

بنابراین انسان نه تنها مدنی بالطبع یعنی بالذات نیست، بلکه مدنی بودن وی امری عارضی و در پی امر ذاتی دیگری به نام استخدام‌گری انسان است.^۱

بی‌گمان نگرش‌های گوناگون در تفسیر هستی، آفریننده‌ی آن، اسماء و صفات پروردگار و فرجام کار جهان و سرانجام بشر از مهم‌ترین عوامل تفرقه و جدایی گروه‌هایی انسانی پس از مسأله‌ی استخدام مطرح بوده است. چنانکه اختلاف دینی میان ادیان نیز یکی دیگر از موارد اختلاف عقیدتی است. همه‌ی ادیان آسمانی بر اصل پرستش خداوند در جایگاه یگانه آفریننده‌ی هستی و مدبر آن اتفاق نظر دارند. آنچه بیش‌تر میان ایشان تفرقه می‌افکند نوع اعتقاد به رسالت پیامبران است. البته ستم و طغیان و نیز سودخواهی و منفعت‌طلبی از عوامل دیگری است که موجبات جدایی را فراهم آورده است. قرآن از عالمان یهودی‌ای یاد می‌کند که دین‌فروشان هستند و به خاطر مادیات دنیوی حقایق را کتمان می‌کنند و موجبات تفرقه و اختلاف میان بشر می‌شوند.

گاه ریشه‌ی اختلافات میان ادیان و مذاهب شبهات نوپدید است که در طول زمان پدیدار می‌شود. چنانکه مسأله‌ی تثلیث و حلول الهی در عیسی (ع) و مانند آن ریشه در این مسأله دارد.^۲

قرآن با توجه به اینکه ریشه‌ی بسیاری از اختلافات مذهبی و فرقه‌ای میان امت واحد، گرایش‌ها و تفسیرهای فرقه‌ای است از مسلمانان خواسته است تا به قرآن (اسلام، پیامبر) اعتصام و تمسک جسته و از تفرقه پرهیز کنند: (اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا)^۳ این دعوت الهی نشان می‌دهد که قرآن کریم ظهور چنین پراکندگی و تفرقه‌ای را پیش‌بینی کرده و به سبب خطرآفرینی آن به شدت درباره‌ی آن هشدار داده است. علامه طباطبایی معتقد است که تأکید قرآن بر اتحاد و پرهیز از

^۱ المیزان، عربی، ج ۲، ص ۱۱۷

^۲ ملل و نحل شهرستانی، ج ۱، ص ۲۰۹

^۳ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

اختلاف به سبب پیش‌بینی وقوع اختلاف در میان امت اسلامی است، چنانکه شیوه‌ی قرآن در مواردی از این دست همین است.^۱

گذشته از انواع اختلافات دینی و عقیدتی که از نگاه قرآن امری نکوهیده تلقی می‌شود، قرآن تفاوت شریعت‌ها و قوانین هر یک از ادیان را به خدا نسبت داده است زیرا شرایع مختلف با توجه به مقتضیات هر عصر و دوره‌ای آمده است؛ از این رو لازم و ضروری بود تا تعالی تدریجی بشر و همگام با گذر زمان و متناسب با هر عصر و سطح نیازهای مردم همان دوره، شرایعی آورده شود. این شرایع با آمدن شرایع دیگر کامل و برخی از احکام آن نسخ می‌باشد و قوانین جدیدی جای آن را می‌گرفت. این‌گونه بود تا انسان به کمال لایق خود رسید و توانست بار مسئولیت جدید خود را به دوش کشد و شریعت اسلام به عنوان دین کامل و آخرین شریعت و قوانین آسمانی همه‌ی شرایع پیشین را نسخ و از دور خارج ساخت.^۲

اختلافات اجتماعی چنانکه علامه طباطبایی تبیین و تحلیل می‌کند به جهت خصلت ذاتی استخدام‌گری بشر و تضاد منافع پدید می‌آید؛ زیرا زندگی گروهی هرچند فوایدی همچون تلاش متقابل برای رفع نیازمندی‌ها دارد، مشکلاتی نیز در پی خواهد داشت که تنازعات و مراعات از جمله‌ی آن‌هاست. در تحلیل قرآنی ضرورت وجود قوانین و شریعت و ارسال پیامبران و قوانین آسمانی بر همین اساس تبیین می‌شود.^۳ این‌گونه است که اجتماع ساده‌ای که در آغاز حضور بشر بر زمین برای استخدام‌گری و بهره‌مندی از فواید اجتماع پدیدار شد، به جهت تضاد منافع به حدی از بحران و انفجار رسید که غیر قابل کنترل و مهار بود. کشتار و قتل و غارت در میان آنان شیوع یافت و هرکس می‌کوشید تا دیگری را به بردگی گیرد و از منافع وجودی او بهره‌مند گردد و یا

^۱ المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴

^۲ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳- سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۰

^۳ کشف‌المراد، ص ۴۶۹

توليدات و دسترنج وی را به غارت برد. از این روست که پیامبران با قوانین آسمانی برای مهار این بحران فرو فرستاده شدند تا داوری کنند و قوانین مهارکننده را به اجرا درآورند و در میان مردمان حکومت کنند.^۱

بسیاری از قوانین و آموزه‌های دستوری اسلام را می‌توان در حوزه قوانین قضایی و احکام مرافعات و حل نزاعات و تنظیم امور اجتماعی دانست. این قوانین برای رفع دسته‌ای از اختلافات اجتماعی فرو فرستاده شده‌اند تا ضمن تنظیم روابط اجتماعی مردمان با دستورهای اخلاقی و حقوقی و کیفری و جزایی مرافعات را کاهش داده و میان امت و اجتماعات الفت و اتحاد برقرار سازند.^۲ ازین روست که گفته می‌شود که فلسفه توسعه رسالت و نصب جانشین برای پیامبران و پیامبر اسلام نیز حکومت، مدیریت و داوری و قضاوت در میان مردم و رفع مشاجرات و تنظیم امور اجتماعی درون امتی و بیرون امتی است.^۳

ریشه‌های اختلافات بشری

در تحلیل قرآنی به نظر می‌رسد که تفرقه و اختلاف معلول زندگی اجتماعی بشر است. قرآن در تحلیل مسئله‌ی اختلاف در میان مردمان می‌فرماید: {كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه}^۴

در این آیه بیان شده است که مردمان امت واحد و یگانه‌ای بودند. پرسش این است که این اختلافات از کجا پدید آمده و نقش پیامبران و آموزه‌های آسمانی در این میان چیست؟ آیا منشأ اختلاف در میان امت واحد پیشین آمدن پیامبران و آموزه‌های آسمانی بوده است؟

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۵

^۲ سوره بقره، آیه ۲۱۳

^۳ مکاسب، شیخ مرتضی انصاری، ص ۱۵۳

^۴ سوره بقره، آیه ۲۱۳

قرآن به همه این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. از آیه یاد شده می‌توان استنباط کرد که امت واحد در زمانی که اجتماع را تشکیل دادند به جهت تنازع و اختلاف در منافع و تضاد در مصالح با یکدیگر درگیر شده و اختلاف کردند. از این رو نیازمند کسی بودند تا در میان ایشان به حق داوری کند و برای تنظیم روابط انسانی درست، کتاب و قوانین را تدوین کند تا بر پایه و اساس آن حرکت کرده و روابط اجتماعی خود را سامان داده و از اختلافات و تنازع و درگیری پرهیز کنند. این گونه است که پیامبران به عنوان داورانی حق‌گو و بیان‌کنندگان قوانین و تنظیم‌کننده‌ی روابط درست اجتماعی مبعوث و برانگیخته می‌شوند.

بنابر این تحلیل قرآنی ریشه‌ی اختلافات را می‌بایست در اجتماع بشری جست. از آن جایی که انسان مستخدم بالذات است و می‌کوشد تا دیگری را برای اهداف و منافع خود به کار گیرد، مجبور می‌شود تا اجتماع را بر پا دارد تا از این طریق بتواند منافع خود را تأمین و دیگران را به استخدام و به تعبیر قرآنی سخریه و مسخر خود گرداند. این گونه می‌شود که تنازع و تضاد منافع پدید می‌آید. برخی حاضر نمی‌شوند تا به استخدام دیگری در آیند و یا منافع خود را در اختیار دیگری قرار دهند و یا می‌خواهند خود از منافع بیشتری بهره‌مند گردند. از این روست که طبیعت استخدام‌گری که موجب پدیداری اجتماعات شده است خود موجب تنازع و اختلاف و درگیری می‌شود و انسان‌های هم‌رأی و هم‌عقیده را به جان هم می‌اندازد. به این معنا که انسان در یک اصل با هم‌رأی و هم‌عقیده بوده‌اند و آن مسئله‌ی استخدام دیگری و بهره‌گیری از منافع این استخدام است. این همان چیزی است که قرآن از آن به امت واحده تعبیر می‌کند، زیرا امت در زبان عربی به گروه و جماعت هم‌رأی و هم‌عقیده‌ای گفته می‌شود که در راستای هدف واحد و یگانه‌ای گرد هم جمع شده‌اند. بنابراین امت واحد نخستین که در تاریخ بشری پدیدار شده است همان اجتماعی است که برای استخدام و بهره‌مندی از منافع اجتماع ایجاد شده است.

در این تعبیر قرآن نمی‌خواهد بیان کند که پیش از آمدن پیامبران، امت به مفهوم انسان‌های هم‌عقیده و هم‌دین و مذهب به معنا و مفهوم امروزی آن مراد بوده است، بلکه معنای لغوی آن مراد

است که همان هم عقیده و هم روش بودن در به کارگیری یکدیگر و استخدام یعنی اجتماع اولی می‌باشد. به سخن دیگر معنای امت در این آیه همان اجتماع است.

از این جاست که می‌توان گفت در نظر قرآن، استخدام ریشه و منشأ اجتماع یعنی امت و نیز منشأ و سرچشمه‌ی اختلاف بوده است. از این رو خداوند برای بقا و پایداری اجتماع و جوامع ابتدایی لازم دید تا پیامبران را با قوانین (کتاب) به میان مردم بفرستد تا در میان ایشان به قانون حق داوری و قضاوت کنند و جامعه را با قانون و بر پایه‌ی آن، مدیریت و داوری و حکومت کنند.

البته قرآن برای اختلافات بشری ریشه‌های دیگری را نیز ذکر می‌کند که می‌توان به جهل و نادانی به حقایق^۱، تعصبات جاهلی^۲، دنیاخواهی^۳، رذایل اخلاقی جامعه مانند خودخواهی‌ها و تحقیر دیگران^۴، تفسیر نادرست از آیات و تمسک به متشابهات به جای محکمت و سوء برداشت‌ها^۵ و پیروی از شیطان و همراهی او در عمل به رذایل اخلاقی و هواهای نفسانی چون شراب‌خواری و قمار بازی و مانند آن^۶ اشاره کرد.

این امور در تحلیل قرآنی عواملی هستند که موجبات تفرقه میان امت را فراهم می‌آورند و به جای بهره‌مندی از اتحاد و آثار نیکوی آن به دامن اختلاف می‌کشاند و نتایج زیان‌باری را نصیب جامعه می‌گردانند.

آثار زیان‌بار اختلاف و تفرقه

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۳

^۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۰

^۳ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۳

^۴ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۳

^۵ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۷

^۶ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۱

قرآن برای اختلاف و تفرقه آثار زیان‌باری را یاد می‌کند. از مردم می‌خواهد که به جهت همین آثار و رهایی از پیامدهای زشت و زیان‌بار آن دست از تفرقه بشویند و به اتحاد و همبستگی و انسجام روی آورند. از جمله آثاری که قرآن برای اختلاف و تفرقه بیان می‌کند ذلت برای مؤمنین و سیطره‌ی ستمگران بر ایشان است. قرآن با بیان داستان قوم موسی (ع) به انگیزه و سیاست‌های فرعون‌ی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان اقوام درباره‌ی شیوه و چگونگی سیطره‌ی ذلت‌آفرین فرعون‌ی می‌فرماید: (ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا یستضف طائفة منهم... یذبح ابنائهم و یستحیی نساءهم، فرعون در زمین علو و برتری جست و اهل زمین را به گروه‌ها و دستجات چندی تقسیم کرد تا گروهی از ایشان را ضعیف و ناتوان قرار دهد و به قتل و کشتار برخی اقدام کند و زنانشان را به بی‌حیایی کشد و آنان را برای مقاصد نفسانی و شوم، زنده نگه دارد).^۱

نماز جمعه و اصلاح فرهنگ عمومی

از آنجا که رسالت نماز جمعه ترویج اخلاق و بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و به طور کلی فرهنگ دینی است، در صورتی که این فریضه سیاسی الهی، مطابق دستور دین مبین اسلام و سیره‌ی عملی پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین (ع) برگزار شود در ابعاد مختلف فرهنگ و آداب و رسوم جامعه تأثیر به سزایی دارد. پیام‌های نماز جمعه طیف بسیار گسترده‌ای از افراد جامعه اعم از تحصیل‌کرده و کم‌سواد یا بی‌سواد را در برمی‌گیرد و با توجه به جایگاه و نقش و رسالت نماز جمعه، ائمه‌ی جمعه با تبیین اندیشه‌های دینی و اهداف و آرمان‌های والای اسلامی در ترویج فرهنگ اسلامی نقش‌آفری دارند. علاوه بر این که تحولات سیاسی، شرایط فرهنگی و مشکلات اقتصادی و مسایل و چالش‌های پیش روی یک کشور و جهان اسلام را نیز تبیین و تحلیل می‌کنند. از آنجا که تلاش پیوسته برای خدمتگزاری، رسیدگی به نیازهای فرهنگی و سیاسی و تعامل با مسئولان جامعه از وظایف شناخته شده‌ی یک امام جمعه است. اگر ائمه‌ی محترم جمعه برای ارائه‌ی

^۱ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۴

خطبه‌های پر محتوا و جذاب به مطالعه و تحقیق بپردازند و پیام‌های سیاسی و فرهنگی خطبه‌ها را کارشناسانه و به‌هنگام نمایند قطعاً می‌توانند در هدایت و رشد و پیشبرد فرهنگ عمومی تأثیرگذار باشند. خطبه‌های جمعه و رفتار امام جمعه و ایفای نقش او به عنوان محور فرهنگ دینی می‌توانند:

- به لحاظ اعتقادی : افراد جامعه را به ایمان به خدا، پیامبران، کتب آسمانی، فرشتگان، روز قیامت و بهشت و جهنم ترغیب کند و آن‌ها را با هدف عالی خلقت و زندگی آشنا سازد.

- در زمینه‌ی عبادی : مردم را به انجام فرایض دینی ترغیب کنند و آن‌ها را به سمت کمال خواهی سوق دهند.

- در روابط اجتماعی: ارزش‌هایی مانند وحدت و همبستگی؛ امر به معروف و نهی از منکر، جود و احسان، تعاون و همکاری، وجدان کاری، رسیدگی به فقرا و نوع دوستی، عفو و ایثار و اجتناب از کارهای بیهوده را تبلیغ کنند با مردم همواره با محترم دانستن حقوق دیگران، بر اساس عدل و انصاف عمل کنند و در اصلاح بین مردم، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار سازند.

- در روابط خانوادگی: نیکی به والدین و خویشان، حسن معاشرت با همسر، سرپرستی خانواده و پرداخت نفقه، صله رحم و که از روشن‌ترین مصادیق تقوا هستند را به مردم به ویژه جوانان توصیه کنند.

- در فضائل و ملکات اخلاقی : مروج و مبلغ صداقت، امانت، عدالت، پاک‌دامنی، فروتنی، عزت نفس و وفای به عهد باشند و بیان دستورات خدا و رسول و حاکمیت اراده و تسلط بر هوا و شهوت نفس را توصیه نمایند.

- در بعد احساسی و عاطفی: خدادوستی، ترس از عذاب خدا، امید به رحمت او، مردم دوستی و خیر خواهی نسبت به آنان، مهربانی، فروخوردن خشم و مهار غضب، تجاوز

نکردن به حقوق دیگران، حسد نبردن به آنان، سرزنش نفس، احساس پشیمانی و توبه به مردم را تذکر بدهند.

- در بعد عقلی و شناختی: تفکر در هستی و آفرینش، طلب معرفت و دانش و پیروی نکردن از ظن و گمان و خرافات را پشتوانه‌ی احساس قرار دهند.

- در امور مربوط به زندگی حرفه‌ای و اقتصادی: مردم را به اخلاص در عمل و خوب کار کردن، وجدان کاری، تلاش فعالانه و مجدانه برای کسب روزی حلال، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض و مراعات ضوابط و پرهیز از ربا، رشوه، دزدی، تقلب، احتکار و سایر مفاسد اقتصادی وادارند.

- در ارتباط با پیروان سایر ادیان: با پرهیز از اکراه و اجبار عقیده‌ی خود، بر اساس احترام متقابل با عمل زیبا و جدال احسن ضمن دفاع از دین و مذهب حقه موجبات همزیستی مسالمت‌آمیز را با آنها فراهم کنند.

- در شناخت دوست و دشمن با تبیین اصول تولی و تبری مردم را با دسیسه‌های زیاده‌طلبان و مستکبران عالم آشنا کرده، آنها را در جهت کمک به مظلومان عام خصم ظالمین و یاور مظلومین تربیت کنند و در بزرگداشت اولیای دین و احیای امر آنها و ایام ولادت و شهادت آنها و حتی قدردانی از دانشمندان و خادمان با برپایی آیین‌های مخصوصی ضمن دعا و نیایش و یاد خدا و برگزاری صحیح این آیین‌ها مراقبت کنند تا مردم در این مراسم‌ها گرفتار افراط و تفریط نشوند و جامعه را نسبت به افراطیون خرافه‌پرست و تفریط‌گرایان دین‌ستیز آگاهی بخشند؛ چرا که هر یک از این دو گروه که هر یک به صورتی دست‌آویز به حربی دشمنان اسلام می‌شوند، در واقع در یک همکاری مشترک و مانند دو لبه یک قیچی علیه فرهنگ انسان‌ساز اسلام عمل می‌کنند.

خلاصه و نتیجه‌گیری اینکه نماز جمعه مروج فرهنگ دینی است و رسالت آن ترویج دین و اخلاق و بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی است و همه‌ی افراد جامعه و اقشار

گوناگون مخاطب این فرهنگ هستند، بنابراین در صورتی که این فریضه‌ی سیاسی الهی مطابق دستور دین مبین اسلام و سیره‌ی نبوی و علوی برگزار شود در ابعاد مختلف اعتقادی، عبادی، روابط اجتماعی و خانوادگی، رشد فضائل و ملکات اخلاقی و آداب و رسوم جامعه تأثیر به سزایی دارد. کما اینکه نماز جمعه می‌تواند در امور مربوط به زندگی حرفه‌ای و اقتصادی و در شناخت دوست و دشمن و روابط با پیروان سایر ادیان نیز نقش ایفا کند. پس نماز جمعه در ترویج و تصحیح فرهنگ عمومی در ابعاد مختلف سیاسی، عبادی، اجتماعی، اقتصادی و اصلاح امور جامعه بهترین نقش را به عهده دارد.^۱

نماز جمعه، نماز عبادی سیاسی است و لذا امام و پیشوای مسلمانان و یا امیر و شخصی که از طرف امام مسلمین به این سمت منصوب شده، باید نماز جمعه را اقامه کند و هیچ کس نمی‌تواند در نظام اسلامی بدون اذن ولی امر مسلمین و از سر خود اقدام به برگزاری نماز جمعه نماید. از این رو مسلمانان همه هفته مصالح و مفاسد و مشکلات جامعه‌ی اسلامی را مستقیم و بدون واسطه از زبان مسئولان نظام می‌شنوند و در نتیجه یا توجیه شده و یا برای حل آن چاره‌اندیشی می‌کنند. اهمیت و جایگاه والا و مهم نماز جمعه، که به برخی از آن‌ها اشاره گردید، خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس را بر آن داشت تا در صدد چنگ اندازی و تصرف غاصبانه‌ی این منصب حساس برآمده، و در نتیجه از آن سوء استفاده کنند و آن را وسیله و ابزاری برای دستیابی به مطامع و منافع غیر الهی و شیطانی خود قرار دهند. بهره‌برداری‌های سیاسی حاکمان دور از خدا از این فریضه‌ی مهم دینی و اسلامی قرن‌ها ادامه یافت تا آن که خداوند بر مؤمنان خداجوی و مدافعان حریم دین و دیانت در ایران اسلامی منت نهاد و انقلاب اسلامی به رهبری پیشوای خردمند انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) به پیروزی رسید و بار دیگر حکومت الهی و اسلامی استقرار یافت. یکی از برکات این نظام مقدس و شکوهمند برگزاری و اقامه‌ی نماز جمعه در سرتاسر میهن اسلامی بود. حضرت امام

^۱ اقتباس از کتاب رسالت و جایگاه نماز جمعه، ص ۷۰

خمینی (قدس سره) در این رابطه فرمودند: "یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد، قضیه‌ی نماز جمعه است که در زمان سابق در بین ما مطرود و در بین اهل سنت به طور دلخواه نبود و غالباً تحت نفوذ قدرت‌ها انجام می‌گرفت که به حمدالله در این نهضت نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت."

پس از رحلت امام عظیم‌الشأن و راحلمان، رهبر معظم و بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) هدایت و رهبری امامان جمعه را بر عهده گرفته، خود نیز پیشاپیش دیگران به عنوان امام جمعه‌ی تهران به این سنگر مقدس شکوه و عظمت خاصی بخشیده‌اند. ایشان در رابطه با اهمیت و جایگاه والای نماز جمعه فرموده‌اند: "نماز جمعه به خودی خود یکی از آن عوامل حفظ-کننده و باقی‌دارنده و ضد زوال در درون نظام اسلامی است و تا وقتی این نماز هست و تا وقتی ائمه‌ی محترم جمعه و مردم قدر نماز جمعه را می‌دانند و تا وقتی نماز جمعه صورت می‌گیرد بلاشک در جامعه اسلامی خوف و ترس نیست."

نقش نماز جمعه در نوآوری

نقش نماز جمعه در ایجاد زمینه‌ها و عوامل مؤثر در نوآوری و از بین بردن موانع آن، در واقع نقش دین و معنویت در ایجاد محیط امید و امیدواری و انگیزه و نشاط و محیط کار و کوشش است.

نماز جمعه فضای مشارکت و همکاری و تفاهم و همبستگی را ایجاد می‌کند که در حقیقت فلسفه‌ی این فریضه‌ی سیاسی و عبادی است.

در نماز جمعه به سعه‌ی صدر و گذشت به عنوان یکی از مصادیق تقوا توصیه می‌شود و به عموم مردم به ویژه مدیران توصیه می‌شود با حسن ظن و مثبت نگری و دیدی باز و بلند به مسائل بنگرند و خلاصه اگر نوآوری نیازمند امان، اراده، توکل، وحدت، آرامش، سعه‌ی صدر، گذشت، نظم، کار و تلاش و سازندگی بیشتر است این نماز وحدت‌بخش جمعه و خطبه‌های روشنگرانه‌ی خطیب

جمعه است که در کنار سایر معارف و اعمال دینی می‌تواند نقش به سزایی ایفا کند. مسلم است که هرچه این نهاد دینی، بیشتر به وظایف خود آگاه باشد می‌تواند در ایجاد زمینه‌های نوآوری مؤثرتر باشد.

نوآوری و شکوفایی در نماز جمعه

آنچه مسلم است منظور از نوآوری در یک عمل عبادی سیاسی مثل نماز جمعه نوآوری در اصول نیست که موجب بدعت در دین باشد بلکه نوآوری در روش‌هاست. در این رابطه امامان جمعه حداقل باید در دو مسئله نوآوری داشته باشند:

۱- در مدیریت فرهنگی جامعه

نماز جمعه و توجه به برخی از فعالیت‌های فرهنگی از جمله مواردی است که می‌تواند موجب نوآوری در نماز جمعه شود.

۲- ولایت‌مداری، استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌ها، استفاده از اصل تکریم نمازگزاران و خدمت رسانی محسوس به نمازگزاران، راهکارهای نوآوری و شکوفایی در نماز جمعه است و مؤثرترین و مهم‌ترین نوآوری مربوط به درون و جان انسان‌هاست. اگر در جان انسان تحول صورت گیرد انسان در خارج از خود نیز دچار تحول می‌شود.^۱

نوآوری باید بر اساس محبت و دوستی استوار باشد و در جهت خدمت و رفع مشکلات مردم به کار گرفته شود که شیوه و سیره‌ی پیامبر اعظم و ائمه‌ی معصومین است.

امامان جمعه به عنوان مدافعان اسلام و مروجین دین در خط مقدم نوآوری و شکوفایی هستند و نوآوری و شکوفایی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایشان در تبلیغ دین و معنویت و جذب جوانان است. بهره‌گیری از روش‌های نوین دینی و روزآمد و جذاب از مصادیق عینی نوآوری یک خطیب موفق است. توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های موجود همراه با

^۱ روزنامه‌ی رسالت به تاریخ 87/5/3، صفحه‌ی 5

بهره‌گیری از شیوه‌های جدید و خلاقیت می‌تواند نماز جمعه را مؤثر و پررونق‌تر کند. کسب اطلاعات جدید و تقویت معلومات و ایجاد تحولات اجتماعی از مهم‌ترین مزایا و اثرات نوآوری است. غنی‌تر شدن خطبه‌ها در عین اختصار و استفاده از روش‌های مناسب برای ایجاد جاذبه‌ی بیشتر محل‌های برگزاری نماز جمعه و ... از مصادیق نوآوری است. در نهایت نوآوری نیازمند ایمان، اراده و توکل است. اگر عزم نباشد و اگر خواست و باور نباشد نوآوری رخ نخواهد داد و به امری صوری، تبلیغی و شکلی مثل پاره‌ای از اقدامات و رویدادهای مشابه تبدیل خواهد شد و عوامل مؤثر در خلاقیت و نوآوری عبارتند از:

۱- به کارگیری و جذب نیروهای خلاق و نوآور

۲- امکانات مناسب تحقیقاتی و مالی برای تلاش‌های نوآورانه

۳- آزادی عمل کافی در انجام فعالیت‌ها و تلاش‌های خلاق. همچنین به کارگیری نتایج حاصل از فعالیت‌های خلاق

۴- دادن پاداش مناسب به افراد خلاق

بنابراین محیط‌هایی که تشویق و تنبیه در جای خود اعمال نمی‌شود جایگاهی برای نوآوری و شکوفایی نخواهد داشت.

نماز جمعه و پاسداری از مرزهای فرهنگ عمومی

از جمله رسالت‌های نماز جمعه پاسداری از مرزهای فرهنگ عمومی است چرا که نماز جمعه به خاطر ویژگی‌های تبلیغی، سیاسی و مردمی موجب به وجود آمدن موجی در جامعه گشته و تأثیر-پذیری افراد و تحت تأثیر قرار گرفتن آن‌ها و توجه به سلامت و تقویت فرهنگ عمومی در حقیقت توجه به رشد و بالندگی کل جامعه است.

محتوای محیط اجتماعی را چیزی جز فرهنگ اجتماعی پر نمی‌کند و این محتوا اگر سالم، سازنده و بانشاط باشد نه تنها می‌توان به کمک آن مشکلات فرهنگی افراد را حل کرد بلکه از این عرصه‌ی فرهنگی نیز می‌توان مشکلات اقتصادی خویش را تا حدود زیادی حل نمود.

اهمیت و عظمت نماز جمعه و تأثیر بسیار بالای آن بر فرهنگ عمومی از این جهت است که نماز جمعه جزء شعائر اسلامی به‌شمار می‌رود و رسالت شعائر اسلامی نیز تقویت و تحکیم ارزش‌های الهی و انسانی در سطح فرهنگ عمومی است، به گونه‌ای که با توضیحی مختصر ذهن افراد را به نماز جمعه و جنبه‌ی شعائری آن و نقشی را که در فرهنگ عمومی ایفا می‌کند و روشن‌تر خواهد کرد.

شعائر جمع شعیره به معنای علامت‌ها، آداب و رسوم مذهبی یا دینی است که محتوای اعتقادی هر قوم و ملت یا مذهبی را بیان می‌کند. شعائر اسلامی به آن دسته از علامت‌ها و نشانه‌های آشکار و برجسته گفته می‌شود که سرشار از محتوای دینی است و به وسیله‌ی آن‌ها مردم مسلمان از غیر مسلمان مشخص می‌شوند. در نظام تبلیغی و سیاسی اسلام شعائر جایگاه رفیعی را به خود اختصاص داده‌اند چنانکه خداوند در قرآن کریم فرمود: {و من یعظم شعائر الله فإنها من تقوی القلوب^۱}

اهمیت تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی تا آنجاست که فقها در کتب فقهی فرمودند: هجرت از دیار کفر برای حفظ شعائر الهی واجب است.

در اسلام علائم و نشانه‌های پرمحتوایی که مروج و مفسر معارف الهی و فارق بین حق و باطل هستند فراوان داریم و از برکت همین شعائر و نشانه‌هاست که نقشه‌های شیطانی دشمنان برای در هم شکستن ارکان فرهنگی و اعتقادی جامعه‌ی اسلامی به جایی نرسیده است و روز به روز قدرت و

^۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۲

کسانی که نشانه‌های خدا را تعظیم کنند این علامت پرهیزگاری دل‌های آنهاست.

پایداری در برابر تهاجم فرهنگی دشمن اوج بیشتری به خود می‌گیرد. از جمله‌ی این شعائر است کنگره‌ی عظیم حج که سالی یک بار در جوار خانه‌ی توحید تشکیل می‌گردد و مسلمانان از اقصی نقاط دنیا برای انجام مناسک حج به این سرزمین مقدس می‌شتابند تا نام و یاد ابراهیم و اسماعیل و هاجر را بزرگ بدارند. {إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ^۱} و اذان با آهنگ مخصوص که از فراز مؤذنه و از حلقوم پاک مؤذن در فضا طنین‌افکن می‌شود تا جامعه را با آهنگ توحید عطرآگین نماید و با دعوت مردم به نماز و نیاز مسجد و محراب را رونق بخشد و شرک و شیطان را از صحنه‌ی جامعه دور سازد. و نیز نمازهای عید قربان و فطر که محتوای عشق و عرفان را به همراه دارد در طول تاریخ اسلام فرهنگ عمومی جامعه را تحت تأثیر معنویت و فضیلت قرار داده‌اند.

نماز جمعه با همان ترتیب مرسوم در پایان هر هفته مردم را گرد هم می‌آورد تا پیوند خویش را با امامت و امت تجدید نمایند و حضور خود را با شعور اعلام و همت را بلند و مکتب را حفظ و فرهنگ را تعلیم و اخلاق جامعه را تضمین نمایند.

رهبر بزرگوار انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌فرمایند: "به نظر من یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ ایمان و روحیه در مردم همین نمازهای جمعه و همین خطابه‌های جمعه است و این حضور معنوی مردم در صحنه‌ی نماز جمعه و اینکه یک نفر انسان امینی با یک زبان صادقی که مردم او را قبول دارند هر جمعه می‌آید و از اوضاع کشور برای مردم می‌گوید و آن‌ها را نصیحت می‌کند به اعتقاد من این یکی از پایه‌های اساسی حفظ نظام اجتماعی ماست."^۲

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۸

همانا صفا و مروه از نشانه‌های خداوند است.

^۲ با رهبر در سنگر جمعه، صفحه‌ی ۱۱۸

رسالت تربیتی و تزکیتی نماز جمعه

نماز جمعه تربیت و تزکیه‌ی مردم را با توصیه به تقوی دنبال می‌کند زیرا تقوی اساس و ریشه‌ی همه‌ی خوبی‌هاست. در فرهنگ اسلامی به کمتر موضوعی می‌توان برخورد که به اندازه‌ی تقوی درباره‌ی آن سخن گفته شده باشد. در اهمیت تقوی همین بس که قرآن کریم در آیات و سوره‌های متعدد حدود ۲۱۰ مورد از تقوی یاد کرده است و بر این اصل حیاتی در زندگی انسان اصرار می‌ورزد.

تقوی دل را مایه‌ی حیات و جان را سرمایه‌ی نور و نشاط می‌بخشد. اگر نور تقوی از دل گرفته شود و بر جان و دل نتابد دل می‌میرد زیرا تقوی برای دل همان نقشی را ایفا می‌کند که آب برای ماهی. تقوی ملکه‌ای است در جان و قدرتی در روح که بر اثر تزکیه‌ی نفس و خویش‌داری به وجود می‌آید و انسان را از لغزش در کلیه‌ی انحرافات محافظت می‌نماید.

حضرت علی (ع) تقوی را این‌گونه معرفی می‌نماید: تقوی کلید راستی است و توشه‌ی قیامت و رهایی از هر نوع بندگی به‌شمار می‌آید و موجب نجات انسان از تباهی است.^۱

و قرآن کریم تقوی را به منزله‌ی کلیدی می‌داند که قفل‌های بسته را باز می‌کند و گره‌های کور زندگی را می‌گشاید و می‌فرماید: {و من یتق الله یجعل له مخرجاً}^۲. هر آن کس که تقوی را پیشه‌ی خود سازد خداوند راه پیروزی بر مشکلات و بیرون آمدن از سختی‌ها را بر او باز می‌نماید. در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: {ان تقوی الله یجعل لکم فرقاناً}^۳ اگر تقوای الهی را پیشه سازید دارای قدرت تشخیص می‌شوید که خوبی‌ها را از بدی‌ها تمیز دهید.

^۱ فأن تقوی الله مفتاح سداد، و ذخیره المعاد، و عتق کل رقبه، و نجاه من کل هلكه.

نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۸

^۲ سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳

^۳ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۹

در واقع تقوی ریشه و اساس تربیت و شکل‌گیری شخصیت انسان با ایمان است و تلقی نشود که آثار و برکات دیگری که تقوی در روح و جان نمازگزار دارد نادیده گرفته شده چرا که نماز جمعه رسالت تربیتی و تزکیت خود را از راه‌های مختلف دنبال می‌کند که یکی از آن‌ها تقوی است.^۱

از جمله مسائلی که در نماز جمعه موجب تربیت و تزکیت جامعه‌ی اسلامی می‌شود ذکر الله است یعنی یاد خداوند بودن. ذکر به معنی آگاهی و هوشیاری در مقابل غفلت و بی‌خبری است. و غفلت عامل اصلی از دست دادن سرمایه‌ها و لغزش‌ها و انحطاط‌هاست. توجه به این نکته که محتوی و حقیقت ذکر فکر است و ذکر بدون فکر چیزی جز لقلقه‌ی زبان نیست و تأثیر این عامل تربیتی را هر چه رقیق‌تر خواهد کرد.

ذکر الله یعنی توجه به خالق هستی و احکام و قوانین خداوند داشتن، حلال و حرام را مراعات کردن، و در هر لحظه و مکانی خدا را ناظر بر اعمال و گفتار خود دانستن.

قرآن کریم نماز جمعه را ذکر الله معرفی می‌کند: {اذا نودی للصلاه من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله} ^۲ چون مؤذن در روز جمعه شما را به شرکت در نماز جمعه فرا خواند به سوی (ذکر الله) نماز جمعه بشتابید.

در فرهنگ تربیتی اسلام به ذکر و تذکر به عنوان شیوه‌های مؤثر در سازندگی ارزش فراوان داده شده است. و در موارد متعدد خداوند رسولش را سفارش می‌کند که در مسند تربیت از تذکر به عنوان وسیله‌ای در جهت بیداری و آگاهی انسان‌ها بهره گیرد. {و ذکر فإن الذکری تنفع المؤمنین} ^۳ (ای پیامبر تذکر بده و آگاه کن. پس تذکر و آگاهی مؤمنان را سودمند افتد.) و نیز فرمود: {فذکر

^۱ رسالت و جایگاه نماز جمعه، سید رضا تقوی، ص ۶۳

^۲ سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۹

^۳ سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۵

إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ^۱ (ای پیامبر تذکر بده و به یاد آور که همانا تو یاد آورنده هستی). پس می‌توان گفت اجتماع نماز جمعه به عنوان ذکر الله و شرکت‌کنندگان در این مجموعه اعم از امام و مأموم ذاکرین و ثناگویان الهی و توصیه به تقوی و طلب رحمت و مغفرت مذکورین هستند و امتی که ذاکر خدا و ارزش‌های الهی باشد هرگز به یأس و شکست نمی‌رسد، زیرا ذکر الله دارویی برای درمان تمام دردهاست و مایه‌ی حیات‌بخش برای سعادت فرد و اجتماع است. زیرا ذکر خدا زمینه‌ساز بسیاری از سعادت‌ها فضیلت‌هاست و نماز جمعه به عنوان ذکر الله فراهم‌کننده‌ی تمامی خیرات و برکات است.

^۱ سوره‌ی غاشیه، آیه‌ی ۲۱

خاتمه و نتیجه گیری

جهان هستی منهای خدا برهوتی است بی صاحب، وحشتناک و ناامن و خصلت‌های انسانی هم توجیهی ندارد، و در این صورت با وجود صدها تهدید در این زندگی محدود چگونه می‌توان امنیت روحی و فکری به وجود آورد؟ آیا جز انیسی مهربان‌تر از مادر که نامش دوی دردها و یادش شفا- بخش دل‌هاست^۱ سراغ دارید؟

امروزه روان‌شناسان اصولی را که روان انسان از آن تبعیت می‌کند بیان کرده‌اند که قرن‌ها پیش فرهنگ دینی ما به وضوح و زیبایی عنوان نموده است مثل: ترس از نیستی. در فریضه‌ی نماز می- بینیم که دین بر جاودانگی انسان تأکید نموده و در بیش توحیدی جهان حاصل مهر و لطف خداوند است. در چنین نظامی ترس از هر کس و هر چیز با وجود فرمانروایی مقتدر و مهربان بی‌معناست.

{الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب}^۲

^۱ دعای کمیل (یا من اسمه دواء و ذکره شفاء)

^۲ آن‌ها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد او آرام می‌گیرد بدانید تنها خدا آرامش‌بخش دل‌هاست.

کلمه‌ی آلا حرف تنبیه برای آگاهی‌بخشی است که همه‌ی انسان‌ها جز یاد خدا دل‌ها آرامش پیدا نمی‌کند و از طرف دیگر اسلام از نومیدی و یأس به شدت جلوگیری نموده و زمینه‌ی انحرافات را از بین می‌برد و راه ترقی و تعالی را برای افراد بشر گشوده نگاه می‌دارد و با بیان رسا اعلام می‌کند که هر نوع انحراف و عمل ناپسندی انجام داده‌ای نومی‌د مباح.

{لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً}¹

تردیدی نیست که اجتماع بشری از خانواده تشکیل یافته و اگر افراد هر یک از خانواده‌ها با هم مهربان و دوست باشند پیداست که خانواده‌ها خوشبخت می‌باشند و اجتماعی که از خانواده‌های سعادتمند تشکیل شود قهراً آن اجتماع نیز خوشبخت خواهد بود و به همین جهت اسلام مردم را به رعایت حقوق خویشاوندان و پیوند با یکدیگر تشویق نموده است.²

اسلام به شأن اجتماع اهتمام ورزیده به حدی که در هیچ‌یک از ادیان و ملل متمدن دیده نمی‌شود و ملاک این است که احکام و دستورات شرعی را مثل: نماز، حج، صوم و ... بر اساس اجتماع بنیان گذارده شده است و تکالیف دینی به عنوان یک وظیفه مطرح است.

سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

¹ هرگز از رحمت خدا نومی‌د مباحشید. خداوند همه‌ی گناهان را خواهد بخشید.

سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۵۳

² قال رسول الله (ص) ان اعجل الخیر ثواباً صلة الرحم.

زودرس‌ترین پاداش نیکی صله‌ی رحم است.

کافی، جلد ۲، ص ۱۵۲

عقل سلیم همواره با مواردی که در جهت شناخت خداوند بر آن موظف هستیم مانند (حق آفرینش و پرورش و هدایت) توجه می‌دهد و به هدفی که برای آن آفریده شده‌ایم یعنی کمال شناخت و عبادت خداوند واقف می‌نماید.

وانگهی سعادت‌مندی‌ها و اقبال و توجهی که به واسطه‌ی هدایت خداوند جل جلاله یافته‌ایم و الطاف و لذت سخن گفتن با او شایسته‌ی کمال ربوبیت اوست و ما را بهره‌مند ساخته به حدی که قابل توصیف نیست زیرا هنگامی که پادشاه یا فرمانروایی که بخواهد بنده‌ی خود را به نیکی بنوازد او را در محضر خویش راه داده و به این خلعت خود وی را شرف حضور گردانیده و با او سخن گفته و به او اجازه‌ی گفتگو در پیشگاهش را می‌دهد.

به عارفی گفته شد: آیا با جدایی از بستگان خود و اجتماع احساس تنهایی نمی‌کنی؟ گفت: من با پروردگارم هم‌نشین هستم، اگر بخواهم با من سخن بگوید کتاب او را تلاوت می‌کنم و وقتی بخواهم با او سخن بگویم به درگاهش به نماز می‌ایستم و دعا نموده و پیوسته او را مورد خطاب قرار می‌دهم. {ایاک نعبد و ایاک نستعین}

چه لذت‌های ناب و چه پناه‌گاه‌ها و دژهای ایمنی‌بخشی که در خلوت با خداوند مالک‌القلوب حاصل می‌شود و چه قرب دوست‌داشتنی به خداوند و اسرار بی‌پرده در آنجا یافت می‌شود. بنابراین چون فواید خلوت و مناجات با خدا و آنچه که خداوند در آن برای بنده‌اش اراده فرموده به معنی (عزت و جاه و نیل به نجات و سعادت‌مندی در دنیا و آخرت) آگاهی یافتیم به جستجو می‌پردازیم که فرمود: (و سابقوا إلی مغفرت من ربکم، به سوی مغفرت خدا سبقت بگیرید).^۱ حال که در این فرصتی که در اختیار ماست لااقل در مقامات خشنودی خداوند به بندگان صالح او ملحق شویم و

^۱ سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۱

چه شرفی و عظمتی برتر از این که در شبانه‌روز پنج نوبت در پیشگاه با عظمت پروردگار قرار گیریم و با ذات ذوالجلالش سخن گوئیم و اجابت دعوتش را بنماییم (فأسعوا الی ذکر الله) و به حضورش نائل گردیم و با اداء فریضه‌ی نماز جمعه روح و جسم را نیرومند سازیم که فرمود: (و استعینوا بالصبر و الصلاة و انها لکبیرة الا علی الخاشعین، از شکیبایی و نماز کمک بگیرید و نماز امر سنگینی است، جز خداپرستان که معتقد به ملاقات خداوند در روز قیامت هستند).^۱

و نهایتاً چهار گروهند که با انجام امری آرمزیده می‌شوند از جمله‌ی آن حضور در نماز جمعه. بابت این همه عظمت و عنایت در پرتو نماز خصوصاً نماز جمعه که در نظام اسلامی نصیب ملت ایران گردیده خدا را شاکریم و از درگاه با عظمتش ملتمسانه درخواست می‌نماییم که ما را قدردان بانی این فیض الهی یعنی بنیان‌گذار این نظام الهی حضرت امام خمینی (ره) قرار دهد و روح مطهر آن بزرگوار و شهدای این انقلاب را از برکات این فریضه بهره‌مند و ثوابی از این واجب الهی به روح مقدسشان واصل بفرماید.

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۵

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- نصر اصفهانی، محمد، اخلاق دینی در اندیشه‌ی شیعی، انتشارات نهانندی
- ۲- ستاد اقامه‌ی نماز، امام در سنگر نماز، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- ۳- ناطقی، محمد تقی، پایه‌های روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام، نشر مبعوث، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۴- عزیزی اراکی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، نشر بلوغ، تهران، ۱۳۷۵
- ۵- مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ در قرآن، نشر ملل، تهران، ۱۳۸۱
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، نشر اسراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸
- ۷- تقوی، سیدرضا، رسالت و جایگاه نماز جمعه، انتشارات نور الائم
- ۸- عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱
- ۹- حسینی، سعدالله، نقش باورهای دینی در اصلاح فرد و جامعه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۹
- ۱۰- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، وحدت از دیدگاه امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۱- دیلمی، حسین، هزار و یک نکته درباره‌ی نماز، انتشارات حرم

الف) منابع عربی

- ۱- احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، چاپ جاوید، رشت، چاپ سوم، ۱۳۷۱

- ۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، المكتبة الاسلامية، تهران، ۱۳۹۲ ه.ق
- ۳- شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، قم
- ۴- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامی، تهران
- ۵- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، دارالکتب اسلامی، چاپ آخوندی، تهران
- ۶- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، انتشارات مدرسه الامام امیرالمؤمنین، چاپ ۲۲
- ۷- بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، خصال صدوق، انتشارات علمیه اسلامیة
- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، انتشارات سلطانیة
- ۹- المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، صحیح مسلم، چاپ بیرت، دار ابن کثیر
- ۱۰- تحقیق و نشر، صلاة الجمعة و العیدین، المدينة العامة لائمة الجمعة، قم، ۱۴۱۴ ه.ق
- ۱۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، انتشارات الثقافة الاسلامیة، چاپ دوم
- ۱۲- بندر ریگی، محمد، المنجد عربی به فارسی، نشرات ایران، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۳- ری شهری، محمد، میزان الحکمة، انتشارات دارالحديث، قم، ۱۳۷۷
- ۱۴- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۸ ه.ق